

کارگران جهان متحد شوید!

۳۲ صفحه

پیکار

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال دوم - دوشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۶۰ بهار ۳۰ ریال

کارگران جهان متحد شوید!

مراسم اول ماه مه را هر چه باشکوهتر برگزار کنیم!

پاسداران جمهوری اسلامی با پرتاب نارنجک دو کمونیست پیکارگر را بشهادت رساندند!

صفحه ۲۸-۲۹

اول اردیبهشت امسال هم توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در خون تپید

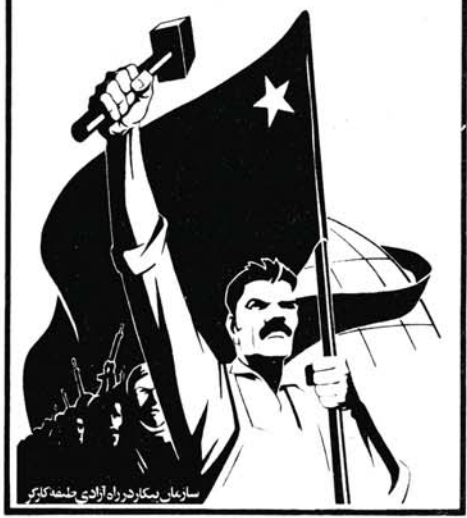
در سالروز اول اردیبهشت، روز مقاومت دانشجویان و مردم آگساره و انقلابی، میهنمان در برابر توطئه ضد انقلابی، تعطیلی دانشگاهها، ضدانقلاب فرهنگی با ردیگر به "شمر" نشست و حرکت کوچک اعتراض آمیزی را در روزی گرامی به فاجعه ای بزرگ تبدیل نمود. مزدوران ارتجاع و با نقول روزی نامه های رژیم جمهوری اسلامی "حوانان مسلمان" به مقابله و حشیانه با تطهیرات موضوعی گروهی از دانش آموزان و دانشجویان هوادار سازمان، به منظور بزرگداشت این روز خدای، دورنق کمونیست را شهید و دهها نفر را زخمی و مجروح کردند. خون پاک رفقای شهید ایرج ترابی و آذرمهر علیان بقیه در صفحه ۱۱



رفیق آذر مهرعلیان رفیق ایرج ترابی

کارگران جهان متحد شوید!

خجسته باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران!



پیام کمیته مرکزی سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر به مناسبت اول ماه مه به طبقه کارگر قهرمان ایران

چند روز دیگر جشن اول ماه مه فرا میرسد و نمایش عظیم قدرت اتحاد و همبستگی طبقه کارگر، امیرالسیسم، سرمایه داری و همه رژیم های ارتجاعی را خواهد لرزاند. کارگران از کارخانه ها بیرون خواهند شتافت، کمربهای از زیر بار رنج خم شده، خود را راست خواهد کرد و با مشت های گره کرده با بودی سرمایه داری را فریاد خواهد زد. فوج فوج کارگران از بسقوله های تاریک و نمور خود بیرون خواهند آمد و مدویه فردای روشن سوسیالیسم که با انقلاب سرخشان بنساخته خواهد شد، خواهند خورد. بقیه در صفحه ۲

خطاب به رفقا، اعضاء و هواداران سازمان!

صفحه ۱۳

چپا اول ۴۰۰ میلیون توهمانی از دسترنج زحمتکشسان

صفحه ۲

کارگران و زحمتکشان!

باشکرت در راهپیمایی روز جمعه ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) روز همبستگی جهانی کارگران را هر چه باشکوهتر برگزار کنیم.

مکان: میدان جمهوری
زمان شروع راهپیمایی: جمعه ۱۱ اردیبهشت ساعت ۱۰:۱۰ صبح

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سرمقاله...

آنها نشی که کار میکنند و با کارشان بر ثروت سرمایه داران می افزایند و خود فقیرتر و رنجورتر میشوند، آنها که همه چیز را در جهل و میسازند، اما نمیمی جز فقر و بیماری، کشتار و سرکوب و زندان و کوارت فرسای روزانه ندارند، در این روزها زوبه با زوی یکدیگر حلقه خواهند کرد، مشتای خود را روبه سرمایه داران میگیرند و قدرت آنها دقیقاً تیشان را مناشده میکنند و آنگاه فربادی سراسر جهان را درمی نوردند؛ کارگران جهان متحد شوید! شما را و فربادهای مرزهای ملی را در هم میکنند، بسر کفوله های رژیم؛ رسای که سینه تظا هر کسندگان انقلابی اول ماهه را نشانده رفته است پیروز میشود و وطنین "زنده باد دوسویا لیسیم" و "مرگ بسر امپریا لیسیم" چون طوفانی میخورد و جهان برای سرمایه داران تیره و تار میشود.

در این روز مثل همیشه، رویزیونیستها، این خا شنین به طبقه کارگران عموماً سال بورژوازی که درون جنبش طبقه نفوذ کرده اند، سعی میکنند که جهت مبارزات ضد امپریا لیستی - ضد ارتجاعی کارگران را منحرف نموده و آنرا به درخواستهای صنفی و جزئی محدود سازند. رویزیونیستها سعی میکنند، بورژوازی را از زیر حملات گسترده و نابودکننده کارگران خارج نموده و نجات بخشد، اما کمونیستها واقعی در این روز، کارگران را فرامیخوانند تا بر علیه سرمایه داری، متحد و یکپارچه حول شعارهای طبقه تیشان دست به تظا هرات بزنند. تظا هراتی که در بسیاری از رژیم های ارتجاعی بخون کشیده خواهد شد.

رفقا و دوستان کارگر!

اکنون، در آستانه سومین اول ماه مه پس از قیام شکوهمند بهمن ۵۷، ما همه ما در وضعیتی حساس قرار داریم. رژیم جمهوری اسلامی که با پیمانال کردن خون هزاران شهید و پیرایا زش ننگین نمایه گاش (با زرگان، بهشتی، رفسنجانی) با امپریا لیسیم آمریکا (از طریق مذاکرات با ژنرال هویبزر آمریکا) بقدرت رسید، از همان آغاز حکومتش به عنوان نگهبان سرمایه داری وابسته و در جهت حفظ منافع امپریا لیستها و سرمایه داران، به سرکوب و حشیا نه اشلاب دمکراتیک و ضد امپریا لیستی خلقهای ایران پرداخته است. کارگران و زحمتکشان ایران که با جان نسیا زبهای دلورانه شان در مبارزه علیه رژیم شاه مزدور، انقلاب ایران را در درباری از خون بهترین فرزندان شان به پیش میبردند، اینک پس از نزدیک به ۲۷ ماه حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، نمیمی جز فقر و فلاکت، کشتار و سرکوب، گرانی و بیکاری نرسیده اند و این در حالی است که طبق آما مطبوعات وابسته به خود رژیم، تنها

تجاریا زار در سال گذشته ۱۲۰ میلیار د تومان سود برده اند، آری برای حفظ منافع سرمایه داران و امپریا لیستها، رژیم جمهوری اسلامی روز بروز بیشتر و بیشتر بر سر نیزه تکیه زده است. در کردستان و ترکمن صحرا، گیلان و خوزستان و... هر جا که نشانه ای از انقلاب دیده است به تیرباران و شکنجه و زندان و در یک کلام به سرکوب و کشتار رسانده آورده است. اعتبارات کارگری را در سراسر ایران، از کف ملی گرفته تا صنعت نفت و زمین و خرمدره و زنجان گرفته تا جنبش بیکاری و... با بخون کشیده و پسا کارگران مبارزان به زندان انداخته و با اخراج کرده است. جنبش مقاومت خلق کرد را که برای خواست برحق خود یعنی حق تعیین سرنوشت می رزمند، و حشیا نه با بمباران شهرها، سوزاندن روستاها، تیرباران جوانان و تظا و زبه زنان و دختران کرد و محاصره اقتصادی و... با سیخ گفته است جنبش دهقانی را در سراسر ایران سرکوب کرده و بدفاع از مالکینی که ارا تیشان توسط دهقانان مصادره انقلابی شده بود برخاسته است. کشتار و حشیا نه هریران شورا های دهقانی ترکمن صحرا و سرکوب و حشیا نه زحمتکشان آن دیار، مشتای از خروار جانیات رژیم بوده است. رژیم که به شدت از آگاهی توده ها میترسد، در طول این دو سال، شمار وسیعی از کمونیستها و دیگر انقلابیون را به جرم عشق به توده ها و تلاش برای آگاه کردن آنها به جوخه های اعدام سپرد دهها نفر در سراسر ایران ترور شدند و فروشندهگان نشریات انقلابی و پخش کنندگان اعلامیه های سازمانهای انقلابی، بیوسه در خطر دستگیری و ترور بوده اند. زندانها اینک پر از زده ها کمونیست و مجاهدات که تنها به جرم فشاندن بذر آگاهی در میان توده ها در سراسر جهان رژیم شکنجه میشوند و به حبسهای طویل المدت محکوم می گردند. دانشگاهها این سنگرزادی، تحت بهانه به اصطلاح انقلاب فرهنگی بسته شده و در جریان همین توطئه در اول اردیبهشت ۵۹، بیست و سه تن در دانشگاههای سراسر ایران توسط پاداران سرمایه به بهانه شهادت رسیدند. همین چند روز پیش نیز در پی تظا هرات سازمان دانشجویان و دانشجویان سالروز مقاومت انقلابی دانشجویان و توده های آگاه در مقابل ضد انقلاب فرهنگی رژیم پسرگزار شده بود، مزدوران رژیم، بمیان دانشجویان و افراد شرکت کننده در تظا هرات نارنج پرتاب کردند که در نتیجه آن رفقای کمونیست پیکارگر ایرج شایب و آذر مهرعلیان به شهادت رسیدند و دهها نفر زخمی شدند. همچنین در روزهای اخیر در شهرهای قاشمشهر، آمل، بابل و... تظا هرات مردم و نیروهای انقلابی مورد بیورش پاداران و دیگر مزدوران رژیم قرار گرفت که تعدادی شهید و عده زیادی مجروح بجای گذاشت. در طول این

دو سال، مطبوعات انقلابی توسط رژیم جمهوری اسلامی توقیف و اجتماعات نیروهای انقلابی در سراسر ایران بخون کشیده شد. شورا های واقعی کارگران شدیداً مورد بیورش ارتجاعی قرار گرفته و متقابلاً شورا های قلابی و پادارودسته های انجمن اسلامی برای جلوگیری از مبارزات طبقه کارگر و سرکوب آن بسج شده اند. به علاوه رژیم جمهوری اسلامی، توده های ستمدیده کشور ما را درگیر جنگی ارتجاعی که جز فلاکت و بدبختی برای توده های هر دو کشور ایران و عراق در بر نداشت، کرده است. جنگ کنونی میان دولتهای سرمایه داری ایران و عراق، بیش از پیش توده های زحمتکش این دو کشور را دچار تیره روزی ساخته است هم اکنون دو میلیون از زحمتکشان مناطق جنگ زده و آواره شده زیر فشار تیشیفات و سرکوب رژیم قرار دارند. گرانی، بیکاری، تورم، کمبود مواد غذایی و سوخت و... که خود ناشی از بحران سرمایه داری وابسته است، در چند ماهه اخیر بیش از پیش افزایش یافته است. بحران اقتصادی گلی زحمتکشان ما را میباشارد و کاهش قدرت خرید توده ها، اخراج کارگران از کارخانه ها افزایش ساعات کار و استثماری بیشتر برگردان آنها سنگینی میکند. بر سرتیبحران اقتصادی سرمایه داری وابسته و در زیر برق سر نیزه های رژیم وطنین شلیک رژیم پاداران و ارتش وقه و چماق چماقداران، روز بروز جنبش توده ها با عد و وسیعتری بخود میگیرد. اعتبارات کارگری، جنبش مقاومت خلق کرد، جنبش انقلابی آوارگان جنبش انقلابی دانشجویان و دانش آموزان و اوچگیری مبارزات زحمتکشان بی ممکن، کنده شدن بیش از پیش توده ها از رژیم، مبارزات تعریفی توده ها را در اکثر نقاط ایران در پی آورده است. جنبش در حال اعتلا توده ها روز به روز با گسترده تری میباید و اوچگیری خویش شکاف میان با لاشیها را عمیق تر میکند و آنها را بجان هم می اندازد. حزب جمهوری اسلامی ولیبرالها هر یک میکوشند دیگری را مسبب اوضاع نابسامان کنونی جلوه دهند. این ضد انقلابیون که در سرکوب خلق متحد و برابر هستند اکنون بر سر اینکه کدامیک بیشترین سهم از قدرت را داشته باشند، بجان هم افتاده و می خواهند توده ها را "تردبان ترقی" خویش سازند آنها که متحد کردستان و دانشگاهها را بخون کشیده و کمونیستها را تیرباران کرده اند، هر یک با ادعای در صد فربیب توده ها است. حزب جمهوری با جنجالهای دروغین ضد امپریا لیستی بکوران کوشید تا با واقع گروگانگیری توده ها را بفریبد. و در مبارزه با جناح رقیب، مواضع کلیدی قدرت را به چنگ آورد. اما ریاکاری آنها دیری نپاشید و گروگانها نه تنها آزاد شدند، بلکه حضرات ۲۱ میلیار د دلار نیز بعنوان باج بقیه در صفحه ۱۷

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران جهان!

جنبش کارگری



**حمایت کارگران جنرال استیل
از نمایندگانشان مشت محکمی
بردهاں ارتجاع**

در جریان مبارزات کارگران کارخانه جنرال استیل که قبل از عید برای دریافت حقوق تولید عیدی و پاداش، انجام گرفت حکم اخراج چندین از نمایندگان مبارز شوراکه از خواستهای بحق کارگران حمایت کرده بودند، به همراه یک کارگر مبارز دیگر توسط "بنیاد مستضعفان" صادر شد. اما کارگران با پشتیبانی خودمانع اخراج رفقایشان میشوند. تا اینکه روز ۱۱/۱۰ بنیاد مجدداً کارگران مذکور را احضار کرده و به آنها تذکر میدهد که شما بحرم "اخلالگری و زبان درازی اخراج بوده و حق کار کردن ندارید!"

ظهر همین روز کارگران با اطلاع از واقعه بعنوان اعتراض دست از کار کشیده و در مقابل دفتر کارخانه اجتماع میکنند. آنها نمایندگان بنیاد دوم مدیرعامل را در دفتر نگاهداشته و اعلام میکنند که تا زکشت نمایندگان نشان از بنیاد حق خروج ندارند. این اقدام کارگران نشانگر رشد آگاهی آنها و بی سردنشان به ما هیت ضد کارگری رژیم، که قصد دستگیری و زندانی کردن نمایندگان مبارزانشان را داشت، میباشد. کارگران با شعار "شورا با دبیرگردد، مدیرعامل بنیاد کارگران بیدارند." هشاری و همبستگی خود را به نمایش گذاشتند.

تا آخره مدیرعامل تلغنی جریان را با بنیاد در میان میکندارد. و آنها هم تحت فشار کارگران محبوسه آزاد کردن کارگران مبارز میشوند ولی به آنها اخطار میکنند که به کارخانه نروند. ولی نمایندگان مبارز به جمع کارگران در کارخانه پیوسته و جریان را برای کارگران توضیح میدهند. و بدین ترتیب کارگران با نشان دادن گوشه‌ای از اتحادشان، مشت محکمی بردهاں عوام رژیم میزنند. لازم به توضیح است که کارگران مدت‌هاست که با تشکیل صندوقی، حقوق نمایندگان اخراجی‌شان را می‌پردازند. و بدین ترتیب نشان میدهند که در راه مبارزاتشان و برای پشتیبانی از رفقای مبارزانشان، حاضر به هرگونه فداکاری میباشند.

**تشکیل مجمع کارکنان جنگرده
صنعت نفت در شیراز**

بدنبال بورش و حیثانه ارتجاع به زحمتکشان آواره خوزستانی در شیراز، دست اندرکاران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در این شهر اعلامیه‌های رنگارنگی مبنی بر ممنوعیت تشکیل اجتماعات صادر میکنند. علیرغم این دستورات عملیاتی

پیاد کارگران قهرمان "جهان چیت"



● وجهاله حشم فیروزه حسن نیکوکار ● علی کارگر

از توده در چارچوب مثنی خرد بورژوازی و غیر پرولتری چریکی زده بودند. آنان که طبقه کارگر را بنا بر دست‌آماده پذیرش آگاهی سوسیالیستی نمی یافتند جدا از آنها و با عملکردهای منفرد هر چند انقلابی و دلاورانه - براه خود میرفتند. راه و روشی که نزدیک به ده سال بر جنبش کمونیستی میهن ما حاکمیت داشت و ضررهای جبران ناپذیر آن وارد کرد و طبقه کارگر را از سازمان پیشاهنگ و رهبری کننده اش محروم ساخت.

دردهمین سالگرد دلاوری کارگران "جهان چیت" با گرامی داشت یا دونا م شهیدان کارگر جهان چیت، با آموزش از درسهای جنبش کمونیستی و کارگری و با قدمهای استوار در راه تشکیل و آگاهی طبقه کارگر، و ایجاد دستا در رهبری کننده اش حزب طراز نوین طبقه کارگر، حزب کمونیست، در راه انقلاب و سوسیالیسم به پیش برویم! گرامی باد خاطر کارگران شهید جهان چیت!

هشتم اردیبهشت سال ۱۳۵۰، یکم یوشان رژیم مزدور شاه صفوف فشرده کارگران قهرمان کارخانه "جهان چیت" کرج را که در اعتراض به شرایط طاقت فرسای استشاریان و برای کسب پاره‌ای از حقوق عادلانه خود بسوی تهران راهی میمانی میگردند، در کاروانسرای سنگی (نیمه - های جاده کرج - تهران) به مسلسل بستن و پیگرد خونین چند کارگر زحمتکش را به خاک و خون کشیدند. دهها کارگر شهید و زخمی گردیدند و لی ارتجاع که با سرنیزه و سرکوب، تمام دستگاہی تبلیغاتی را کنترل میکرد لذا از انتشار جریان این حادثه و مشخصات شهیدان بخون خفته آن جلوگیری بعمل آورد.

کارگران زحمتکش کارخانه "جهان چیت" که از دست فاتح سرمایه دار خون آشام (که توسط رفقای فدائی در سال ۵۳ اعدام انقلابی شد) به تنگ آمده بودند برای تحقق بخشی از خواست‌هایشان دست به اعتراض زدند و برآهیمانی آرا م برداشتند اما با سرکوب خونین رژیممان محمدرضا شاهی مواجه شدند و چند کارگر زحمتکش از جمله شهیدان کارگر، علی کارگر، وحیدالله - حشم فیروز و حسین نیکوکار بخون خویش خفتند. کارگران قهرمان جهان چیت در شرایطی دست به مبارزه زده بودند که جنبش کارگری از سطح آگاهی یا شینی برخوردار نبود و روشنگران کمونیست بجای سنگبری بسوی کارگران و تلاش برای پیوند دادن آگاهی سوسیالیستی با جنبش خود بخودی کارگران دست به مبارزه جدا

توطئه اخراج کارگران مجتمع صنایع فولاد اهواز!

توطئه‌های ضد کارگری به پیش گذاشت و زمینه را برای اقدامات بعدی فراهم نمود. با شروع جنگ، رژیم از طریق بسیج و استناداری اعلام کرد که کارگرانی را که غیبت کنند اخراج خواهد کرد و کوشید تا از این طریق تعدادی از کارگران را اخراج کند. در اسفند ماه و پس از سفر احمدزاده سرپرست صنایع فولاد بقیه در صفحه ۶

رژیم جمهوری اسلامی از مدت‌ها قبل قصد داشت مجتمع صنایع فولاد را تعطیل و کارگران آن را اخراج کند، اما هر بار رقابت و مبارزه متحدانه کارگران، رژیم را بقلب رانده و او را در اجرای نقشه پلیدش نا کام می نمود. رژیم که از اقدامات خود نتیجه‌ای نگرفته بود سرکوب شورا های واقعی و اخراج نمایندگان مبارز کارگران را در دستور قرار داد و با اجرای آن کاممهمی در اجرای

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



از شروع جنگ تا کنون در کارخانجات چه میگذرد؟

— رشته خوراک و دارو سازی
۱- کارخانه مینو

کارخانه مینو (گروه صنعتی پارس مینو) در حدود ۳۰۰۰ کارگر و کارمند دارد و تولید مواد غذایی (شکلات، سوخاری، بیسکویت، ویفر، آدامس و پفک) و مواد آرایشی و آرایشی است. کارخانه حاج علی خسرو شاهی سرمایه دار بزرگ است، که در جریان مبارزه قهرمانان کارگران بزرگ و پیروز و گروگانگیری خسرو شاهی در سال ۵۸، وی دیگری کارخانه مینو و کارخانه در حال حاضر توسط هیئت مدیره سفیری که از طرف وزارت صنایع و معادن تعیین شده اند، اداره میگردند. شورای کارخانه مینو علت عملکردهای سازشکارانه — اش در جریان اعتصاب سال ۵۸ بوسیله کارگران منحل شد و تا کنون شورای دیگری این کارخانه تشکیل نشده است.

روزهای اول بعد از جنگ برای اشرافیات مخفیانه خسرو شاهی و با همکاری یکی از نمایندگان مجلس، هیئت مدیره کارخانه که تحت فشار کارگران سه نفر از مزدوران خسرو شاهی را اخراج کرده بود. توسط وزارت صنایع برکنار شده و سه مدیر دولتی بکارخانه مینو منصوب شدند. مدیران جدید بلافاصله شروع به تهدید کارگران میکنند و یکی از آنها در مجمع عمومی میگوید: "هرکسی حرف بزند او را به خلخال می تبدیل می دهیم. باید تولیدکنندگان شرایط جنگی در کارخانه برقرار است و طبق قوانین جنگ با شما رفتار میشود." این مسز دور سعی میکنند با این ارجیف کارگران را از مبارزه باز داشته و جوخفقان در کارخانه برقرار نماید.

بقیه در صفحه ۶

این مجمع شرکت کنید". دیگری گفت "شورانپور انقلاب است و احتیاج نیست که کسی اجازه تشکیل شورا و برپایی اجتماعی را بدهد. ما آنرا برپا میکنیم". قرا بود در این جلسه هیئتی جهت اعزام به ما شهر برای آزادی نماینده دستگیر شده، انتخاب شود و ما سرگشاده ای خطاب به کارگران و زحمتمکان ایران درباره دستگیری نماینده کارگران جنگزده، نوشته شود، اما بعلمت آنکه تعدادی از کارکنان حضور نداشتند، تصمیم گیری در این زمینه با هفت هفته بعد موکول گردید و کارکنان در خالی و وجودشان مملو از نفرت به پاسداران و شهرپا نی جی ها بود، محل با شکارها ترک کردند.

کارکنان جنگزده شرکت نفت با تشکیل مجمع خود در مقابل چشمان سرکوبگران رژیم، نشان دادند که از آنها هر آسی بدل ندارند. آنها میکوشند از طریق برپایی این مجمع و حفظ شورای خود، صفوف خود را متشکل تر سازند تا با مبارزات پیگیرانه شان خواسته های خود را از حلقوم رژیم بیرون کشند. آنها نشان دادند که به اطلاعیه های ارتجاعی رژیم و قوی نمینهند و علیرغم تلاشهای زبونا نه رژیم، متشکل و یکپارچه به مبارزات خود ادامه میدهند.

مبارزات کارکنان صنعت نفت اهواز و عقب نشینی رژیم

ادامه داده روز دوشنبه ۶۰/۱/۲۲ رژیم را به قبول سه هفته کار — دو هفته استراحت وادار کردند. کارکنان مبارز صنعت نفت جهت تحقیق خواست دو هفته کار — دو هفته استراحت همچنان به مبارزه خود ادامه میدهند. کارکنان مبارزه دارا ت میبایستی مبارزات خود را هماهنگ کرده و در ارتباط با یکدیگر با تشکیل شوراهای واقعی، خواسته های خود را پیگیری نمایند.

ارتجاعی، در روز پنجشنبه ۶۰/۱/۲۰، کارکنان جنگزده صنعت نفت بدعوت شورای خود، تصمیم به تشکیل مجمع عمومی میگیرند. پاسداران و پاسا نیهای شهرپا نی با استقرار در مقابل محل مجمع (با شکارها نفت — محل ستاد کارکنان جنگزده) و عنوان کردن دستور ممنوعیت اجتماعات از سوی استانتار، کوشیدند کارکنان و کارمندانی را که برای شرکت در مجمع آمده بودند، بازگردانند و چون موفق نشدند، دست به توطئه زده و — دروغ گفتند که مجمع امروز تشکیل نمیشود و بدین ترتیب با فریب عده ای از کارکنان را بخانه با زگردانند. با اینهمه نمایندگان شورا با حضور حدود ۱۲۰ نفر از کارکنان جلسه را تشکیل دادند.

نمایندگان به حضور سپاه پاسداران و شهرپا نی — چپها اعتراض کرده و دست به افشاکاری زدند یکی از آنها گفت "برپایی مجمع حق مسلم ماست از شما کارکنان میخواهیم که همه هفته فعلا لانه در

در پی مدت گرفتن حملات تویخانه و موشک — اندازه های رژیم ضد خلقی عراقی بر شهر اهواز، کارکنان اهواز مرکزی صنعت نفت، با نکیه، ادارات دولتی و آموزش و پرورش اهواز که به اجبار بر سر کار خود حاضر میشوند، خواستار تعطیلی ادارات در شرایط جنگ گردیده و در این رابطه دست به اعتراض و در مواردی اعتصاب زدند. عمال رژیم وحشتزده از این اعتراضات درصدد تهدید کارکنان ادارات برآمدند. از جمله "ستاد امنیت شهر اهواز" اطلاعیه ای صادر کرده و کارکنان را متهم به "اخلال" نمود. اما کارکنان ادارات بی توجه به تهدیدات رژیم به اعتراضات خود ادامه دادند. بطوریکه کارکنان اداره مرکزی صنعت نفت در روز ۶۰/۱/۱۹ رژیم را به عقب نشینی واداشته و توانستند طرح چهار هفته کار — یک هفته استراحت را به سه هفته کار — یک هفته استراحت دهند. پس از این تغییر کارکنان صنعت نفت برخوانست دو هفته کار — دو هفته استراحت برای فشرده و برای پیگیری خواست فوق نمایندگان از میان خود برگزیدند. علیرغم لحن پراکنسی و سنگ اندازی های رویزونیستهای خائن اکثریت و توده ای و کوشش روسای صنعت نفت جهت متوقف ساختن این حرکت اعتراضی و به تسلیم کشیدن کارکنان مبارز صنعت نفت — کارکنان شما قسمت های صنعت نفت با انتخاب نمایندگان خود بطور متشکل مبارزات خود را



فنان، مسکن، آزادی

خلق ها و مسئله ملی



پیشمرگان کومله با خمپاره پادگان سنندج را کوبیدند

ساعت ۶ بعد از ظهر ۶۰/۱/۱ پیشمرگان کومله از پل شهید قلیپه پادگان سنندج را با خمپاره‌ها از مورد حمله قرار دادند. این حمله بمدت یک ساعت ادامه داشت. وظیفه آن تلفاتی به تا سیمات و نفزات دشمن وارد آمد که از میزان دقیق آن اطلاعی در دست نیست. بعد از اتمام عملیات پیشمرگان همگی سالم به پایگاه خود بازگشتند.

ساعت ۲/۵ بعد از ظهر روز ۵۹/۱۲/۲۹ مراسمی بمناسبت نوجوش شهیدان با شرکت عده زیادی از مردم منطقه، خانواده شهیدای کومله و پیشمرگان لنگ شهید در روستای افراسیاب برگزار گردید.

مراسم با خواندن یک سرود انقلابی بوسیله پیشمرگان کومله آغاز شد و سپس یکی از پیشمرگان برای انبوه شرکت کنندگان سخن گفت. او در سخنانش اظهار داشت:

"خلق قهرمان کرد برای دفاع از دستاوردهای انقلابی خود طی یکسال اخیر سختیهایی فراوانی تحمل نمود. اما همچنان به ایستادگی در برابر درنده خونی های رژیم کمادامداد... سازمان ما همراه با توده های مبارز کردستان طی یکسال بیش از ۱۳۰ شهید به پیشگاه ایستادگی انقلابی و در راه رهایی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران تقدیم کرده است. عزیزانسی چون کاک شوانها، کاک ستارها، کاک وفاها، کاک شکراللهها... ستاره های درخشان هستند که در آسمان انقلاب ایران راهگشای آیندگان و نوبد بخش برای توده های محروم و مستعبد خواهند بود.

(خبرنا مه کومله شماره ۱۱۹)

★ بیاد معلم شهید دکتر خا نعلی

بیست سال از تظاهرات با شکوه معلمان تهران بر علیه رژیم منقرشا همگذرد. معلمان آگاه و متعهد از اول اردیبهشت ۱۳۴۰، در اعتراض به دولت مزدور شریف امامی و شرایط افتساک زندگی و کار خود با آگاهی به توطئه های درخش همکار دکتر علی امینی که خود چهره "مخالفت دولت داده بود، دست به اعتصاب زدند. در ادامه این اعتصاب شکوهمند، روز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ معلمان آگاه و مبارز دست به برگزاری تظاهرات با شکوهی در میدان بهارستان زدند. مجزوران امپریالیسم با وحشت از حرکت گسترده مبارزانی معلمان، دکتر خا نعلی یکی از معلمین مبارزان به گلوله بستند. از آنروز معلمان آگاه و انقلابی روز ۱۲ اردیبهشت را بعنوان روز معلم "گرامی میدارند. یادشان گرامی باد!

نوطئه ای دیگر علیه خلق قهرمان کرد

کران و ستیزه جویی با مبارزات خلقهای ایران از جمله خلق کرد، میستند. بخصوص اینکه فعالیت داشتن در یکی از ارگانهای ضد خلقی رژیم نیز از معیارهایی است که به هنگام انتخاب این معلمین و گسیل به کردستان قهرمان، در نظر گرفته میشود و هر چه مدت زمان همکاری هر معلمي با این ارگانها طولانی تر بوده باشد، طبیعتاً زامتیازات بیشتری نیز برخوردار خواهند بود.

رژیم جمهوری اسلامی که نتوانی خود را در خاموش ساختن شعله های مبارزات خلق کرد می بیند، و از سوشی نیز تا حد مقاومت معلمین آگاه و مبارز کرد و پیوند آنها با جنبش مقاومت خلق کرد است، قمددا ر دبا گسیل معلمین جیره خوار خود، به جنبش انقلابی خلق قهرمان کرد ضربت بزند. رژیم میخواهد مدافعان خود را در مدارس مستقر سازد تا بهترین نتایج جنبش دانش آموزان انقلابی، کرد را در مدارس کنترل کرده و آنها را به تسلیم بکشاند. رژیم میخواهد مانع از رشد فرهنگ انقلابی خلق کرد گردد.

اما کردستان قهرمان میخورد و جنبش انقلابی معلمین و دانش آموزان کرد نیز زدن پیوند با مبارزات خلق کرد در خورش است. رژیم بیهوده می بندد که با اینگونه توطئه ها قادر است آرامش و نظم ارتجاعی مورد دلخواه خود را در این خطه با خاسته برقرار سازد. ادا مسه مبارزات دلاورانه خلق کرد گواه بر این امر است.

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که در ادامه سیاست سرکوب خود علیه جنبش مقاومت خلق کرد، آموزش و پرورش کردستان را منحل اعلام کرده و بسیاری از معلمین و دانش آموزان انقلابی و مبارزان دستگیر و روانه سبیلها یا حوخته های اعدام نموده بود، اینک به بیانه "باز سازی آموزش و پرورش کردستان" دست به توطئه دیگری علیه خلق کرد زده است.

در تاریخ ۵۹/۱۲/۱۱ وزارت آموزش و پرورش طی بخشنامه شماره ۱۹۵۸۷ از کلیه ادارات آموزش و پرورش استانها و شهرستانها خواسته است تا "معلمین مسلحان و متعهدی که آماجگی ماموریت با انتقال به کردستان را دارند" از طریق بخش نامه ای که ضمیمه بخشنامه است شناسایی و برای آنکه "برنامه های آموزش و پرورش در سطح وسیع - ترو عمیق تری شکل گیرد." آنها را به کردستان روانه سازند و البته معلمینی که "با بقیه فعالیت در ارگانهای انقلابی را دارا میباشند" باید "مشخصات و مدت زمان همکاری و مسئول مستقیم آن قسمت را" هم قید نمایند. (تاکیدات آزماست.) بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی درصدد است معلمین مدافع خود را از مناطق مختلف جمع آوری نموده و به کردستان، بفرستد چیه معلمین مسلحان و متعهد "مورد نظر رژیم، کسانسی جز پیدا کنندگان فرهنگ ارتجاعی و مملغان تسلیم در مقابل سیاستهای ارتجاعی حکومت -

مقرنیروه های دشمن در سنندج زبوضرات شدید پیشمرگان کومله

۶۰/۱/۱۵ - شبانگاه پیشمرگان کومله از پل شهید قلیپه و پل شهید جلال) محله های تازه - آباد، خسروآباد و حاجی آباد را به کنترل خود در آورده و سپس با سلاحهای سبک و آرمی جسی و با زوگان و نارنجک انداز مقرنیروه های دشمن در محله خسروآباد مورد حمله قرار دادند و وظیفه آن عده ای از مزدوران را کشته و خسارات زیادی به پیشمرگان زخم سطحی برداشته بود منتظما عقب -

شیشی نموده و سالم به پایگاههای خود بازگشتند. حمله به آن مقر دشمن در حالیکه از چهار طرف نیروهای مستقر در ساواک سابق، با ساکاه ژاندارمری ایستگاه را دیومقر حاجی آباد دورا دوراترا گرفته اند، نیروهای دشمن را وحشت زده ساخته است. این عملیات دقیق و موفقیت آمیز که بلافاصله از طریق اعلام خطر و بیامرادیوشی با ساداران همه مردم شهر از آن مطلع گردیدند، روحیه مردم مبارز سنندج را بسیار بالا برده است. (خبرنا مه کومله شماره ۱۱۹)

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



بقیه از صفحه ۳ توطئه...

به جنوب و بازدید او از مجتمع، رژیم تصمیم گرفت تا توطئه خود را بطور کامل با جرابگذار بنا بر - این با استفاده از تعطیلات عید و پس از آن اعلام نمود که کارخانه را برای با اصطلاح "برنامه ریزی و تهیه طرح برای راه اندازی مجتمع فولاد" تعطیل خواهند نمود و واضح است که کارگران در مقابل این توطئه ضد کارگری ساکت نمی نشینند و به مبارزه بر علیه آن برخاسته اند. اما این نیز واضح است که همچنانکه تجربه دو سال مبارزه کارگران صنایع فولاد و همه کارگران نشان داده است، این مبارزه بدون اتحاد و تشکیل کارگران و بدون وجود یک رهبری آگاهانه و مبارزه جوانانه به نتیجه نخواهد رسید.

کارگران صنایع فولادی با بست برای رسیدن به خواسته های برحق خود یعنی "جلو گیری از اخراج کارگران تحت هر عنوان" و "پرداخت کامل دستمزد در صورت تعطیل کارخانه به هر بهانه"، به اتحاد و مبارزه و به آگاهی و تشکل خود متکی با شدند و هیچگونه چشم اندازی به رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و عطای آن نداشته باشند کارگران میبایست با تشکیل شورایی متشکل از آگاهترین و مبارزترین کارگران و با فشرده کردن صفوف خود در پشت سر این شورا، مبارزه خود را برای دستیابی به خواسته های خود به پیش برند.

آخرین خبر حاکی از آنست که رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با لایحه تصویب کرده است که کلیه کارگران فولادها و از این بصورت با زخرد اجباری اخراج نماید.

رژیم قبلا در مورد کشت و صنعت ایران نیز دست به چنین اقدامی زده بود و پس از "تعطیل موقت آن، اعلام نموده بود که کارگران میبایست تا آخر اسفندماه برای تسویه حساب مراجعه کنند.

رژیم همچنین قصد دارد تا همین توطئه ضد کارگری را در نیروگاه هرامین نیز با جرابگذار و پس از آنکه چهار ماه از پرداخت دستمزد کارگران این نیروگاه خودداری نمود، اخیرا اعلام کرده است که میخواهد کارگران را با پرداخت سابقه کار آنان اخراج کند.

خبرهای فوق نشان میدهد که رژیم سرمایه داری و احادی را در مقابل مبارزه کارگران در پیش گرفته است و روشن است که این سیاست واحد را نه فقط با اتحاد و مبارزه نزدیک کارخانه بلکه با اتحاد و مبارزه همه کارگران میتوان و باید پاسخ گفت.

سیاست های ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی را با اتحاد سراسری و طبقاتی خود درهم بشکنیم علیه تعطیل کارخانجات و اخراج کارگران متحدان مبارزه بسازیم

توطئه اخراج ۸ تن از کارگران مبارز پوپلین و همه بستگی کارگران!

هیئت پاکسازی بنامیند، این مزدور سخنان خود و قیحه نه اعلام میکنند که: "ما شمارا ده تا ده تا پاکسازی میکنیم و پس از آن شما مشغول کار میشوید." بدین ترتیب مزدوران رژیم خود اقرار میکنند که هدفشان از اصطلاح پاکسازی چیزی نیست جز اخراج کارگران مبارز و انقلابی برای خفه کردن مبارزات حق طلبانه کارگران.

بدین لحاظ ضرورت مبارزه متحدانسه و یکپارچه کارگران بر علیه توطئه اخراج نه تنها در هر کارخانه و هر منطقه مطرح میشود، بلکه این مبارزه ای است که طبقه کارگر میبایست بر علیه توطئه گسترده طبقه سرمایه داری مبارزه کند. برای یکپارچه کردن کارگران و انتقال هر چه بیشتر فشار بر حران اقتصادی بردوشان انجام میگیرد، به پیش بردوان این امر ممکن نخواهد شد مگر آنکه کارگران در مشکلات واقعی خود متشکل شده و بر آگاهی طبقاتی شان بیافزایند.

با تمام قوا از مبارزات کارگران اخراجی حمایت کنیم!

بدنبال سیاست ضد کارگری رژیم مبنی بر اخراج کارگران و بویژه اخراج کارگران مبارز و انقلابی، روز ۶۰/۱/۲۲ هیئت با اصطلاح پاکسازی به هشت تن از کارگران مبارز کارخانه ایران - پوپلین گیلان (که ۴ نفر از آنها نمایندگان شورا بودند) اعلام میکنند که از فردا حق ورود به کارخانه را ندارند و ولی کارگران میبایست اخراجی بی اعتنا به با و گوشیهای این هیئت ضد انقلابی، فردای آن روز به کارخانه میروند. سایر کارگران بلافاصله دست از کار کشیده و به استقبال بااران انقلابی میروند. فالانژها و سایر نیروگران سرمایه که از این حرکت کارگران و روحیه همبستگی ما بین آنها به وحشت افتاده بودند، از سپاه پاسداران کمک میخواهند که در نتیجه ۴ ماشین پراسا را به کارخانه بسورن برده و یکی از کارگران مبارز اخراجی را دستگیر می نمایند.

فردای آن روز پاسداران سرمایه مانع ورود کارگران به کارخانه میشوند. تا اینکه آنها را وادار به گوش دادن به سخنرانی آخوند

بقیه از صفحه ۴ از شروع...

این مزدوران حمایتشان را از خونخوار بزرگی چون خسرو شاه، با یکبار زگرداندن سه مزدور و او پر دخت ۱۱ هزار تومان به آنها بعنوان سه ماه بیکاری، بوضوح نشان میدهند. آنها همچنین شورای شرکت خوراک را که مطابق میلشان نبوده منحل کرده و پس از اعتراض و اعتصاب کارکنان این شرکت ۱۸ نفر از کارکنان را اخراج میکنند اما دیری نمیگذرد که مبارزات کارگران آنچنان مشت محکمی بردها را بر این مزدوران میزند که دولت را مجبور به برکناری مدیران خود و حتی اعلام اینکه به علت ایجاد اختلال تحت تعقیب قرار گرفته اند، میکند.

بطور کلی مبارزه کارگران کارخانه مینودر دوره جنگ ارتجاعی افت و خیزهای سیری روبه بالا داشته است، و این امر از یکطرف در نتیجه شکست روحیه شوونیستی ای که در آغاز جنگ در کارگران ایجاد شده بود، و از طرف دیگر بخاطر قطع مزایا با از جمله حق تولید و وام... و دیگر فشارهای سیاسی و اقتصادی روز افزون که بر دوش کارگران سنگینی میکند میباید شد. همچنین اوگیری جنگ قدرت ما - بین جناحهای رژیم ارتجاعی، بی اعتمادی کارگران را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی تسریع میکند. همین فشارهای اقتصادی و سیاسی است که زمینه مساعدی را برای پیش کشیدن همان خواسته های قبل از جنگ بسرای کارگران فراهم کرده است. خواسته های کارگران مینودر حال حاضر شامل موارد زیر است:

- ۱- پرداخت ۸۵۰ تومان ماهانه با تفاوت مزایا.
 - ۲- پرداخت پاداش حق تولید که قطع شده است.
 - ۳- ایجاد شوراهای واقعی در سطح کارخانه.
- هیئت مدیره ارتجاعی نیز مانند ربا بان خود پاشی در مقابل خواسته های برحق کارگران ندارد. در رابطه با خواسته های بالا، در اسفند ۵۹ کارگران قسمت پفک و داروسازی و لوازم آرایش دست بیک را همپاشی در محوطه کارخانه زده و با شعار "شورای واقعی تشکیل باید کرد"، ۸۵۰ تومان پرداخت باید کرد" با پیوستن تعدادی از کارگران قسمتهای دیگر در مقابل دفتر هیئت مدیره اجتماع میکنند. اما بدلیل ضعف رهبری نداشتن یک شورای واقعی کارگری، عدم تشکل و ناآگاهی بخشی از کارگران و توطئه و سمپاشی های خائنین اکثریت، و علیرغم اینکه قسمتهای دیگر نیز متشنج بوده و آمادگی پیوستن به سایر کارگران را داشته اند، اما به نفع تظا هر کنگدان ملحق نشده و این حرکت انقلابی به نتیجه نرسید.
- در حال حاضر کارگران مبارز کارخانه مینو میباید برای پیشبرد دیگر خواسته هایشان در این مرحله دست به تشکیل شورای واقعی کارگری زده و سعی نمایند کارگران مبارز آگاه و مدافع منافع خود را بدرون شوراها بفرستند.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

چپاول ۴۰۰ میلیون تومانی از دسترنج زحمتکشان!

کارگران و زحمتکشان شهروستانها با پدیده استعمار بیشتر، با رهنه‌ها و خانمانه برانداختن ارتجاعی را بدوش بکشند، بلکه مجبورند سنگینی اختلاس و چپاول چند صد میلیون سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را نیز تحمل بکنند.

بهباد نسبی سختگوی مرتجع دولت "مکتبی" درمابحیه مطبوعاتی خودناچارشدا اعتراف کند که در جریان خرید سلحه ۵۶ میلیون دلار ایران (نزدیک به ۴۰۰ میلیون تومان به ارز دولتی) در فرانس به "سرت" رفته است. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی که در طول بیش از ۷ ماه جنگ ارتجاعی و فلاکت بارحتی یکبار رسماً اعلام نکرده اند که از کجا و چگونه سلحه میخرند و تنهها پس از افضای چپاولشان از دسترنج زحمتکشان نظیر خروج ارز ۴۰۰ میلیون توسط هاشمی - رفسنجانی! اعتراف کردند که از "جاهاش" سلحه میخرند، این بار نیز مجبور شدند و اقعیتی را که از چمن تیزبین توده‌های مردم پنهان نمانده بود، بپذیرند. البته چون همیشه که نباید چیزی را از مردم پنهان کرده!، نبوی خاش عمداً فراموش کرد توضیح دهد که این پول را چه کسانی بالا کشیده اند؟! زکدا شرکت و کدما کشور قرار

پنجمین سالگرد شهادت کهونیست دلاور رفیق هادی فرجاد پزشک



- * - متولد ۱۳۳۴ در مشهد
- * - دانشجوی دانشکده فضا دانشگاه تهران
- * - شرکت در مبارزات دانشجویان انقلابی
- * - مارکسیست لنینیست
- * - عضویت در بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق در سال ۵۴
- * - فعالیت در شاخه شهدا زمان و مسئول تشکیلاتی آن
- * - شهادت در روز ۱۲ اردیبهشت ۵۵ در درگیری مسلحانه با برابری مزدوران رژیم شاه جلا
- * - یادش گرامی و آرمان سرخ پیروز!

بودا سلحه خریداری شود؟ رژیم جمهوری اسلامی که زتوده‌های آگاه خلق میپرسد همه این مسائل را پوشیده نگاه میدارد. رژیم چنین وانمود میکند که با زندگان سلحه که جزا میریالیستها نیستند، از روی "بشردوستی" و "نیت خیر" سلحه میفروشند. رژیم بغداد اعلام کرد که قرار بود این سلحه‌ها از طریق اسپانیا به ایران تحویل گردد. واقعاً چه کسی میتواند این حقیقت را فراموش کند که اسپانیا شدیداً تحت نفوذ امپریالیسم آمریکا بوده و آمریکا در آن کشور پایگاه‌های نظامی داشته و از طریق همین کشور سلاحها و مومات جنگی خریداری شده توسط رژیم شاه را تحویل میداد. آری رژیم ایران از امپریالیسم آمریکا سلحه میخرد و جرات اعلام آنرا ندارد. و سپس عوامل رژیم با همدستی سواگران سلحه میلیونها تومان را چپاول میبرند.

کارگران و زحمتکشان!
رژیم جمهوری اسلامی که خواهانهای ابتدائی شما را نظیر درخواست عبیدی، پادشاهان و افسانه دستمزد با کلوله و مسلسل زندان پاسخ میدهد، با چپاول صدها میلیون تومان از دسترنج شما، دست به معاملاتی مخفیانه خرید سلحه میزند و تنها در یک مورد ۴۰۰ میلیون تومان درهم - دستی با امپریالیستها توسط مرتجعین بالا کشیده میشود. با اتحاد و شکل انقلابی خود مبارزه بر علیه چنین رژیمی را در راه پیروزی انقلاب و گسستن زنجیرهای استعمار خود و همه خلقهای ایران تداوم بخشید.

تنگ و نفرت بر رژیم چپا و لگر جمهوری اسلامی!



بیاد سرخ شهیدان خلق

- ★ بیاد رفیق اسماعیل شریفزاده روز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۷، رفیق اسماعیل - شریفزاده، فرزند دلاور خلق کرد که به مبارزه انقلابی بر علیه رژیم شاه برخاسته بود، در کردستان به شهادت رسید. رفیق شریفزاده که همراه با گروهی از فرزندان دلاور خلق کرد به مبارزه انقلابی و مسلحانه علیه رژیم شاه دست زده بود، بدست ایادی ملامطفی با زانی خاش دستگیر و تحویل رژیم شاه داده شد و با کلوله مزدوران امپریالیسم شهید گردید.
- ★ یاد از رفقای شهید وحیدی، قراچوللو و کلانتری روز ۹ اردیبهشت ۱۳۵۷، مزدوران رژیم شاه، به مبارزه کمونیست، رفقا محمود وحیدی، سعید - کرد قراچوللو و محمدرضا کلانتری از "زمنندگان آزادی طبقه کارگر" را دستگیر کرده و زیر شکنجه‌های وحشیانه کشیدند. بنا به اعتراف جلاسا واک تهرانی معدوم، این سرفریق پس از بیداری در زیر شکنجه‌های ساواک با یک توطئه دژخیمان شاه، در زندان مسموم شده و بشهادت رسیدند.

در حکومت بدمند، نقطه پایانی میگذارد. ایجاد ثبات و انتظام در قدرت سیاسی، بریستر شرایط بحران کنونی، خواب و خیالی بیش نخواهد بود هیچ "قرارداد" و "اطلاعیه" و "پیمان" و "حدت" نمیتواند، سرچشمه اصلی بروز این اختلافات را کور نماید.

بحران اقتصادی - اجتماعی عمیق جامعه او جگیری مبارزه ملی و طبقاتی توده‌ها، وجود گرایشات سیاسی - طبقاتی مشخص در قدرت سیاسی، مبنای عینی بروز این اختلافات هستند و همین منطق عینی است که پیوسته و فرا ترا زهر تمایل و خواست ذهنی نیروهای درگیر، آنان را را علیه غم و وحدت درونی خود در برابر انقلاب، به تعارض و درگیری میکشاند و نظم درونی آنها را بهم میریزد. جناح‌های مختلف ضد انقلابی - حکومت، در هر دور از درگیری و بحران - خود ناگزیرند که در برابر برف انقلاب، به منظور حفظ کل نظام سیاسی، گاه به گاه چاره‌جویی بسرای بحران درونی خود از طریق قراردادها و مباحثی - گری بپردازند. و این مقاطع همان لحظاتی هستند که باز درون وحدت طبقاتی همه جناحهای حکومت را بر ملا میسازد. لیکن منطق عینی مبارزه طبقاتی و سیاسی، در پایان هر آتش بس، رقیبان از نفس افتاده را با دیگر با سازوبرگهای جدید به کشتن قدرت بر علیه یکدیگر سوق میدهد.

بقیه از صفحه ۳۲ افسانه...

امور خارج، که تحت تسلط "حزبی" هاست متعلق ساخت. در این بیابانیه وزارت خارجه حمله شدیدی به "حیب شطی"، یکی از مهره‌های اصلی "هیئت ملخ" کنفرانس طائف، نمود. در این میان لیبیرالها نیز از پای ننشسته و تنهها جسم تبلیغاتی خود را فروزی بخشیده اند. بطوریکه روزنامه انقلاب اسلامی، مجدداً به محنه تاخت و تاز - های لیبیرالها بر علیه جناح "انحصار طلب" تبدیل شده است. مهمترین جلوه این تنهها جسم سیاسی و تبلیغاتی، اعلام جرم بنی صدر بر علیه رجائی و صبوی، در مورد عقب نشینی فضا تحت بار دولت در رابطه با گروهگانیها و به با داندن میلیارد - ها دلار از اراضی‌های ایران توسط آنها بود. این اعلام جرم اکنون توسط "هیئت سه نفره حل اختلافات" در دست "بررسی" میبایند. این اعلام جرم فصل مهمی در اختلافات سردمداران اصلی حکومت، بنی صدر و رجائی، میباید که اختلافات آنها را به مجرای بحران جدید سوق میدهد. با این توضیح روشن است که همانطور که انتظار میرفت و ما در "بیاد شتهای سیاسی" شماره ۹۸ نیز مطرح کردیم اختلافات درونی رژیم روز بروز گسترش خواهد یافت و بر توهم تمام کسانی که میکوشند بدون توجه به زمینه‌های عینی و ذهنی این بحران و منازعات، در بوق "وحدت" و "برادری"

تظاهرات کمونیستها توسط مزدوران ارتجاع بخون کشیده شد!

عصر دوشنبه ۶۰/۱/۳۱ دانش آموزان و دانشجو - بان هواداران زمان بهمناسبت اعتراض به بسته بودن دانشگاهها و گرامیداشت حماسه مقاومت اول اردیبهشت ۵۹، دست به تظاهرات موعظی زدند. تظاهرکنندگان که در حدود ۱۰۰۰ نفر بودند از خیابان آنا تول فرانس در ساعت ۴/۳۰ دقیقه شروع به راهپیمایی نمودند، و با شعارهای: "اتحاد، مبارزه، پیروزی"، "دانشگاهها این سنگرزادی به همت توده ها گشوده باید گردد"، "اول اردیبهشت لکه ننگ دیگر بردا من ارتجاع"، "علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها زنده بساد پیکار توده ها" و... به حرکت ادامه دادند در میان راهپیمایان پلاکاردها، دروا بطه با توطئه بستن دانشگاهها و کشتن اول اردیبهشت ۵۹ نیز به چشم میخورد.

جمعیت بعد از چند دقیقه به جلوی دانشگاه رسید. در همین زمان مزدوران و اوپا شان جمهوری اسلامی وعده ای از پاداران که به لباس شخصی درآمده بودند، به صف تظاهرکنندگان حمله نمودند که با مقاومت آنها روبرو گردیدند. در این میان رژیم جمهوری اسلامی بدست یکی از مزدورانش با پرتاب نارنجک قوی به میان جمعیت فاجعه دهشتناکی ببار آورد. در اثر این انفجار حداقل دو نفر شهید و بیش از پنجاه نفر زخمی و مجروح گردیدند. که بلافاصله توسط جمعیت و به کمک مردم به بیمارستان انتقال داده میشوند. جمعیت تظاهرکننده از این جنایت هولناک به خشم آمده و با مشت های گره کرده فریاد میزدند: "مرگ بر ارتجاع، مرگ بر ارتجاع، اوپا خشم بسوی اوپا شان حزب الهی حمله ور شدند. مزدوران حزب الهی بعد از انجام جنایت سنگین خورد سراسیمه متواری شده و به داخل دانشگاه و چادر "وحدت" رفتند.

بدنبال آن جمعیت با شور انقلابی فراوان و فریاد - های کوبنده مجدداً صفوف خود را متشکل کرده و بسوی چهار راه صدق - انقلاب راهپیمایی نمودند. راهپیمایان که از میزان تلفات و شهادت دور فراق اطلاع نداشتند، تا چهار راه صدق راهپیمایی نمودند و شعارهای انقلابی را تکرار میکردند. مردم از راهپیمایی استقبال کرده و با چهره های باز و اکتفا از برای خاطر از برگزاری این تظاهرات، آنرا تائید میکردند. تظاهرکنندگان بدون آنکه مجدداً در طی راه با مانعی برخورد نمایند، در نقاط چهار راه صدق - انقلاب ایستاده و سرود انقلابی "شهیدان" را به مناسبت شهادت اول اردیبهشت خواندند و بعد از آن متفرق شده و به افتخار برداشتند.

بعد از پایان راهپیمایی، پاداران به شهر با نی و سا برارگانهای سرکوب رژیم بلافاصله به محل جنایت رسیدند تا با متفرق کردن مردم چنانیت هولناک همیالگیهای خود را بیوشانند

و از افشاشدن جنایتی که توسط مزدوران رژیم موجود آمده بود جلوگیری کنند. اما مردم دسته - دسته به بحث و گفتگو پرداخته و این جناست را محکوم میکردند. در مقابل، پاداران جهل و سرما به همراه مزدوران حزب الهی به ضرب جرح مردم پرداخته و هر کسی را که کوچکتر است اعتراف می نمودند و میکوشیدند با ایجاد جفا شیطانی از افشاشدن آن جلوگیری کنند. در همین روزدهها نفر از عابریین به جرم داشتن کیف و یا قیافه مظنون!! دستگیر شدند. اوپا شان حزب الهی با پشتیانی کسی "برادران" اوپا شان به این حملات پیسنده نکرده با حمله به کتابخانه و شیهای جلوی دانشگاه و پاره کردن بسیاری از کتب و نشریات با ریدگر وحشت خود را از آگاهان توده ها نشان دادند.

غروب دوشنبه: مقابل بیمارستان

بعد از انتقال مجروحین و مصدومین و شهادت حادثه به بیمارستانهای خمینی، شریعتی و... و روشن شدن میزان زخمیها و شهدا، خبر شهادت چند نفر در سطح شهر بیچید و بتدریج هواداران که از وجود شهدا و زخمیهای فراوان با خبر شدند به جلوی بیمارستان خمینی آمدند. پاداران نیز بلافاصله داخل بیمارستان را محاصره کرده و تعداد زیادی از زخمیها را محاصره دستگیر نمودند. ویب شرمی و وقاحت را بدانجا رساندند که به آنها تا ق عمل جراحی حمله نمودند. بژشکان و دستیاران که مشغول معالجه مجروحین بودند، به محصور شدن پاداران اعتراف کردند که در مقابل پاداران چندین نفر از دستیاران و بژشکان را دستگیر نمودند. در جلوی بیمارستان نیز عده ای از هواداران - ان که گرد آمده بودند با شعارهای نظیر: زحمتکشان بدانید، دانشگاه شهید داد... به افتخار برداشتند.

سه شنبه اول اردیبهشت: جلوی دانشگاه

در این روز نیز مزدوران رژیم و پاداران حزب الهی جلوی دانشگاه را "فرق" نامسوده و همچنان به حمله و ضرب و شتم مردم آگاه و نیروهای معترض به جنایت دیروز پرداختند. (در این میان مرتجعین توده ای و اکثریتی نیز مزدوران رژیم را در شنا سائی افراد کمونیست بسیاری میرساندند) دستجات فاشیستی "حزب الله" در گوشه و کنار به تظاهرات هیستریک پرداخته و علیه سازمان ما شعار میدادند. جلوی دانشگاه نیز چند صد نفر از فالانژها با اصطلاح "بمنظور" - "جلو" گیری از تظاهرات نیروهای کمونیست به دانشگاه - گرد آمده بودند و مشغول پیگرد و تشقیب و شکار

انقلابیون بودند. همچنین تعدادی از اوپا شان و پاداران به بساط کتابخانه و نشریات در میدان ولیعمر و بلوار کارگر - کشاورز حمله کرده و پاداران سیربا تیراندازی به حمایت از آن برداخته و چندین نفر را در نقاط بلوار کشاورز - کارگردستگیر نمودند.

جلوی بیمارستان خمینی

ارصبح زود هواداران سازمان و خانواده زخمیها وعده ای از مردم در آنجا گرد آمده و پاداران شعارها را تکرار کردند و خواستار تحویل جنازه شهدا شدند. رژیم نیز با فرستادن مزدوران شهریاری و گاردیه محل، ژست "قانونی" به خود گرفته و به اصطلاح مراقب اوضاع بودند!

جمعیت حاضر در جلوی بیمارستان بیسز بدون اعتنا به نیروهای مسلح رژیم به افتخار اقدام داده و با شعارهای کوبنده عوامل مزدور رژیم را به عقب نشینی واداشتند. حوالی ظهر جمعیت متفرق شده و به بزرگ قانوسی رفتند تا اجساد را که به بیژشکی قانوسی منتقل شده بودند تحویل بگیرند بعد از تفرق جمعیت پاداران سرما به وعده مل حزب الهی مجدداً حمله نموده و پس از تیراندازی عده ای را دستگیر نمودند. بعد از ظهر نیز که مجدداً جمعیت در جلوی بیمارستان گرد آمدند با حمله مجدد حزب الهی ها روبرو گشتند که با پرتاب سنگ قصد متفرق کردن جمعیت را داشتند جمعیت با مهاجمین حزب الهی مقابله کرده آنها را به عقب راندند و سپس با انجام تظاهرات کوتاهی به طرف خیابان آزادی رفتند و در آنجا متفرق شدند و سپس در نقاط مختلف شهر به افتخار برداشتند. آری، مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در سالگرد حماسه مقاومت دانشگاه دست به جنایت هولناکی زده و بار دیگر ماهیت ندامت انقلابی، ضد دمکراتیک و مرتجعانه خویش را به نمایش گذاشتند. آنان وحشت زده از جنایتی که مرتکب شده بودند، با تمام قوا اوپا کمک زوری نامه های رژیم کوشیدند از یکطرف تظاهرات را "کار عده معدود ۲۰۰ نفری" جلوه دهند و از طرف دیگر مسئولیت پرتاب نارنجک را به عهده خود تظاهرکنندگان بیاندازند!! آنها مدعی گشتند که کمونیستها برای مظلوم نمانشی دست باینکار زده اند! ننگ و نفرت بردرو غمخواران رژیم جمهوری اسلامی!

رژیم جمهوری اسلامی از یکطرف کوشید تا چهره خود را در جنایت سنگین روزهای ۳۱ فروردین و اول اردیبهشت پوشیده نگه دارد و از طرف دیگر با تحریف حقایق توده ها را بفریبید.

اما مردم قهرمان مافریب دروغبازیهایی رژیم را نخورده و جنایت رژیم را محکوم میکنند. ننگ و نفرت بر رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی! جادان با دغا طره شهدای کمونیست قهرمان!

اخبار مبارزات توده‌ها



تحصن زحمتکشان شهرک اسلام شهر در جاده ساوه

شهرک اسلام شهر (زاهدی سابق) در جاده ساوه و نرسیده به رباط کریم قرار دارد. زحمتکشان ساکن این شهرک پس از ماهها درگیری با شهر - داری و دوندگی بسیار توانسته بودند با خرج خود آنجا را وله کشتی آب کرده و جندجاه عمیق نیز بزنند. اما آب این جاها دارای مقدار زیادی املاح معدنی بوده و اهالی زحمتکش را به بیماری کلیوی مبتلا می‌کند. مورتوریمی هم که مردم جهت رساندن آب به همه، تعبیه کرده بودند، همیشه به علل مختلف خراب می‌شود و تعمیر آن در هر ماهه ۲۰۰ تومان خرج بر می‌دارد. با وجود چنین مشکلاتی عملاً مردم زحمتکش این شهرک از نظرداشتن آب درمضيقه هستند. این امر موجب اعتراضات مردم را فرا هم کرده است. یکی از اهالی میگفت "چند روز است که آب نداریم من از کثافت بو گرفته ام. خانه ام، بچه‌ها هم، حیاطم و... همه بوی می‌دهند. بروید بالای شهر را ببینید، آنجا گاز زلوله کشتی شده هم دارند. این مزه‌ها سرانجام در روز ۱۵ فروردین به فریاد تبدیل شد. در این روز زحمتکشان شهرک بدلیل

عدم توجه شهرداری به مسئله تا مین آب برای آنها، جاده ساوه و راه‌های فرعی آن را بسته و در جاده متحصن می‌شوند. طبق معمول کمیته‌چی‌ها سر رسیده و با ضرب و شتم و تیراندازی هوایی دست به رعب زحمتکشان زدند. و چون با قدرت یک - با رجه و مفاومت آنها روبرو شدند، فرا را برقرار ترجیح دادند. چند ساعت بعد دوباره سروکله دسته‌گیری از مزدوران مسلح رژیم پیدا شد. اینبار متحصنین مذاکره با شهردا را طرح کردند و پس از ساعتها که گفتند شهردا نیست و مسافرت است، خلاصه شهردا را مجبور به حضور شد و نماینده - های متحصنین را در مسجد پذیرفت. نیمی از مردم هم برای حمایت از نماینده‌ها پشت درب مسجد ایستادند و نیمی دیگر به تحصن در جاده ادامه دادند. شهردا را خان با گرفتن اینک "اگر شما به مردم جدیدی که به شهرک می‌آیند، اجازه اختان ندهید، ما برای شما آب را تصفیه می‌کنیم، بارک درست می‌کنیم، استخر درست می‌کنیم... گوشید وعده و وعیدهای او ای بدهد و او سوئی نیز این زحمتکشان را به جماعی سرکوبی خانمانه‌ای

که برای ساختن سربنا هی به انجمنای بند، تبدیل سازد. اما این حق شهردا را نشان کاری نبود و سرانجام مجبور شد دستور تعمیر دوباره پمپ را بدهد. و در پی آن زحمتکشان شهرک به تحصن خود در جاده‌ها تمهید می‌دهند. اما چند روز بعد خبر می‌شوند که بیش از ۳۰ نفر از اهالی شهرک توسط پاسداران سرما به دستگیر شده‌اند (این عمده نماینده‌ها و افراد فعال تحصن بودند) اهالی شهرک از اینکه با ران و دوستانشان در زندان بسر می‌برند، به خشم آمده و در روز جمعه همگی در مقابل کمیته اجتماع کرده و خواستار آزادی آنها شدند. کمیته‌چیان با شلیک تیر هوایی خواستند آنها را متفرق سازند، اما اهالی زحمتکش اعلام کردند که اگر چنانچه تا یکساعت دیگر دوستانشان از بند خلاص نشوند، آنها خود به کمیته ریخته و آنها را آزار نخواهند کرد. ارتجاع و حشترده از اتحاد و همبستگی زحمتکشان شهرک اسلام شهر، مجبوره آزادی زندانیان گردید.

زحمتکشان شهرک اسلام شهر با بدبدا نند که وعده تصفیه آب از سوی عامل رژیم، قریبی بیش نبوده و چنین وعده‌های تنها شامل حال آنها نیست. چه رژیم اهالی منطقه افسریه را نیز مدت‌هاست برای تصفیه آب سر میدواند. هزاران خانوادۀ زحمتکش دیگر نیز در تهران و سایر ایران از داشتن آب تصفیه شده محروم هستند و این محرومیت وسیعاً در ده‌ها و شصت‌هات و محرومیت‌های دیگر ناشی از کمیت رژیم سرمایه - داران است. زحمتکشان تنها در سایه اتحاد و یکپارچگی و یبگیری مبارزات خود علیه رژیم سرما به‌داران و استقرا رجمه‌وری دمکراتیک خلق قادر به تحقق خواستهای رفاهی خود خواهند بود.

در شیراز چه میگذرد؟

سپاه پاسداران و چماقدارانش تحت پوشش "شیرازی‌ها" به جنگزدگان حمله می‌کنند

کرده و چندین نفر را زخمی می‌کنند، آنها در بین راه هر چیزی و هر انسانی را که نشان از خوستانی بودن داشت، زیر باران مشت و لگد و سنگ و چماق قرار میدادند. بالاخره مزدوران در مقابل خوابگاه ۲۵ جمع شده و پس از چند ساعت درگیری با آوارگان مستقر در خوابگاه، تعدادی از هموطنان خوستانی را مجروح کرده و مقادار زیادی از شیشه‌های خوابگاه را نیز می‌شکنند. رژیم که معاومت قهرمانانه جنگ زدگان و افشای بیش از پیش خود را می‌بیند، دست به عوا مغربی زده و بار دیگر اقدام کرد بکدسته‌سراز در جلوی خوابگاه ۲۵ و انشود می‌کنند که در این درگیریها بیطرف بوده و قصد ادا ز دعوی شیرازی

بدنبار درگیری‌هایی که در تاریخ ۶۰/۱/۱۶ در اطراف شاه‌حجراغ روی میدهند و منجر به کشته شدن یک نفر می‌گردد، چماقداران و اوباشان شهرتحت رهبری وهادیت سپاه پاسداران (بسا انبای شخصی) بپورش گسترده خود را علیه زحمتکشان خوستانی آغا می‌کنند.

پورش گسترده و حجاب شده سپاه پاسداران روز دوشنبه ۱۷ فروردین آغا می‌شود. اوباشان و چماقداران با کمک سپاه پاسداران و شهریاری حرکت خود را با یک سربنا مه منظم ز شاه‌حجراغ شروع کرده و با دادن شعارهایی چون "حزب فقط حزب الله"، "مرگ بر آیدانی"، "مرگ بر بیکاری"، "عالم آمریکا بی" و... بیطرف چاره‌زندی پیش رفتند و در بین راه به تمام دهکده‌ها و بیاط‌های متعلق به خوستانی‌ها حمله ور شده و آنها را در هم می‌شکنند. چماقداران رژیم، هر آواره خوستانی را که به جنگشان می افتاد به قصد کشت میزدند. آنها در بین راه به خوابگاه‌های "پارامونت" و "حر" و مسافرخانه و خوابگاه‌ها دیات حمله

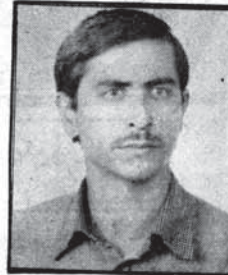
ها، اوباشانها! جلوگیری کنید. دستغیب و ربانی عامل مرتجع رژیم و سپاه پاسداران، اطلاعیه‌های مثنایی با مضمون مشترک مبنی بر اینکه "درگیری‌های اخیر شیراز را گروهکهای ملحد و منافق که در بین جنگزدگان رخنه کرده‌اند، راه انداخته" صادر می‌کنند.

"خاتمی" حلال، رئیس سپاه پاسداران همان شب در تلوویزیون شیراز ماحبه‌ای ترتیب داده و عامل اصلی درگیری‌های شیراز را "سازمان بیکار" معرفی می‌کند. در روزهای بعد درگیری کماکان در گوشه و کنار شهر ادامه پیدا می‌کند. سپاه پاسداران با پورش مسلحانه بدون خوابگاه‌ها در این چند روز بیش از ۷۰ نفر از دختران و پسران آواره را دستگیر کرده و با گذاشتن پاسداران مسلح در خوابگاه‌ها، محیط اختناق و فتنه بوجود می - آورند.



به استقبال جنبش او جگیرنده توده‌ها بشتابیم

رفیق محسن فاضل مبارز قدیمی و یار خلق فلسطین آزاد باید گردد!



قسمتهای از نامه
مادرفریق محسن
فاضل به
"دانشجویان کل
انقلاب"

"بنا می‌کند ما در سال خورده و بیما را اعلام می‌نمایم که فرزند محسن فاضل از تاریخ ۱۴ بهمن ماه سال ۱۳۵۹ در آمریکا متولد شد و او بی‌واساس با زداشت و ممنوع‌الطلاق شده و تا این تاریخ با وجود مراجه مکرر بنا بنیاب و دیگر بستگان وی اجازه ملاقات حتی برای چند لحظه به کسی داده نشده است، بطوریکه تا این تاریخ هیچگونه اطلاعی از حال مزاجی وی به من ندادند... فرزند محسن فاضل بمدت ۷ سال از بهترین دوران جوانی خود را در آنجا بسربرد و هم‌اکنون در...

ستمدیده و مستضعف ایرانی و هم‌زمان فلسطینی خود به مبارزه ای بی‌امان با رژیم فاسق و وابسته به امپریالیسم گذشته و صهیونیسم بین‌المللی پرداخته و در طی این مدت با اینکه هر لحظه با خطر دستگیری و شکنجه و مرگ از جا نرسب ساواک خونخوار مواجه بود و یک شب خواب راحت و جای معین نداشته، لحظه ای مبارزه را متوقف نکرده است. ما بعنوان خانواده این مبارز انقلابی لحظه ای در طی این ۷ سال از مزاحمت‌ها و اذیت و آزار ما موران ساواک در ما ننمودیم. آیا ما اکنون در جمهوری اسلامی نیز باید ما هم نظور رفتار شود که در گذشته میشد؟ یا باید هم اکنون نیز به در زندان‌ها بریم و همان توهین‌ها در حق ما روا شود که در گذشته ای نه چندان دور میشد... من بعنوان یک مادر در زندان‌ها مرا نهد در...

خواستارم دستور اکیدم و موثر ما در نماز استقامت مقدمات مربوطه اولاً به اینجا نباجا از ملاقات با فرزند ما بدهند و ثانیاً هر چه زودتر نسبت به تعیین تکلیف نهائی وی اقدام نمایند.
مادر محسن فاضل ۱۳۶۰/۱/۸
ادامه اسارت رفیق محسن فاضل که با داشتن معرفی نامه از سازمان آزاد بخش فلسطین برای خدمت به خلق فلسطین لازم خارج بود براد عاهاای پوج جمهوری اسلامی در دفاع از انقلاب فلسطین مهربانم میزند.

شهرداری شیراز نیز برای برچیدن جادرها و کیوسکها و دکه‌ها در سطح شهر اطلاعیه ای میدهد. اما با تمام عوام فریبی های رنگارنگ مزدوران رژیم، حقیقت برای زحمتکشان شیراز چون روز روشن است.
کارگران و زحمتکشان مبارز، هموطنان قهرمان! هم اکنون بسیاری از مبارزین جنگ زده خوزستان در زندانهای رژیم سیرند. خوابگاه های آوارگان جنگ زیر سلطه ساواک قرار داده و آوارگان تا مین جانی نندارند. تا کسیران خوزستان بخاطر حمله جماعت قدران براحتی نمی‌توانند در شهر به کار خود بپردازند رژیم برای جلوگیری از افشاکاری توسط آوارگان در محل تجمع آنها، جادرهای جماعت قدران و جاسوسان خود را در آنجا شکر کرده است.

به حمایت فعال از مبارزات زحمتکشان آوار خوزستانی برخاسته و بیوز رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را به خاک بمالیم! با استفاده از اعلامیه ساواک بیکار در در راه آزادی طبقه کارگر (تشکیلات شیراز)

گوشه ای از جنایات پاسداران ارتجاع در گیلان

پاسداران ارتجاع علاوه بر سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیست در سرتاسر ایران، به هر بهانه ای وبا تکیه بر زور و اقترا مردم کوچه و بازار را هم به گلوله می‌بندند. تشکیلات گیلان ساواک بیکار در در راه آزادی طبقه کارگر، در افشای جنایات اخیر مزدوران رژیم در گیلان، اعلامیه ای منتشر کرده است که قسمتهای آن از آن در زیر آورده میشود.

«در مرحله سختی رشت پاسداری "بجرم" دیر کرد جا را خانه، دستا چرش را بضرط گلوله به قتل رسانند.

«در لرب آب (محلله ای در رشت) پاسداری جلوی مردی را که تا زه هزاران زحمت توانسته بود برای خانواده اش نفت تهیه نماید، میگیرد و میگوید "تو با رتی بازی و بدون کوبین نفت گرفتی" و جنگ لفظی آنان منجر به درگیری می‌گردد. پاسداران رشت انقلاب سلیبی محکمی بگونه آن مردم میزنند و هم در جواب با تمام توان با سربه بیتی پاسدار میگوید در همین اثنا پاسدار دیگری اسلحه اش را روی پای آن مرد گذاشته و تلیک میکند. گفته میشود شدت جراحات وارده تا بدان حد بوده که منجر به قطع پای آن مرد می‌گردد.

«در خشکبیجار پاسداران جمهوری ارتجاع "بجرم" او همی قمار، سوچوانی را بضرط گلوله از پای درمی آورند، سپس با بیشرمی هر چه شما متر به منزل شهید رفته و میگویند با پرداخت حق شیر می‌توانید جنازه فرزندتان را بیسبب بگیری که با مقامت و تعرض خانواده او هالی محل فرا برقرار ترجیح میدهند. روز بعد

دوباره مرا حه به منزل همان شهید، خواست ارتجاعی خود را مطرح میکنند و ما نیکه هالی محل وتوده ها به آنها حمله میکنم، با تیراندازی های بیابیی ۴ نفر را شدت مجروح میسازند. از سرنوشت مجروحین اطلاعی در دست نیست در این درگیریها انبوه جمعیت با شعار "مرگ سر پاسدار" عمق کینه شان را به سرکوبگران توده ها نشان دادند...

باز هم حمله مزدوران رژیم به دهکده داران زحمتکش

در روز پنجشنبه ۶۰/۱/۲۰ ساعت ۸/۱۵ بعد از ظهر، پاسداران سرمایه دهکده داران تقاطع خیابان انقلاب - صدق پورش برده و ۳۰۰۰ نوار دستگاہ استریو دهکده داران را به غنیمت بردند و دهکده داران زحمتکش پس از حمله مزدوران رژیم، به خیابان ریخته و شعار "مرگ سر بهشتی" را سر دادند. آنها جلوی ماشینها را گرفته و از مسافرین میخواستند با تیرا شعار ره حمایت از دهکده داران برخیزند... پاسداران ابتدا شروع به تیراندازی کرده و چون خود را در مقابل مردم رسوا یافتند، کوشیدند حرکت مرتجعانه حمله به دهکده داران زحمتکش را توجیه نمایند. اما مردم که بارها شاهد جنایات نفع این مزدوران وحملات گسترده شان به دهکده داران زحمتکش بودند، می دانند که این بار نیز به غنیمت بردن هستی دهکده داران، هیچ توجیهی جز بیان حمایت از منافع سرمایه داران گردن کلفت در بر ندارد.

بقیه از صفحه ۳۱ هم آوازی... رژیم جمهوری اسلامی هموطنان آگاه و بخوبی میدانند که در تظاهرات نیروهای انقلابی و کمونیست این مزدوران رژیم جمهوری اسلامی پاسداران سرمایه هستند که میباید اندازند، تیر شلیک میکنند، گاشاک آور برتاب میکنند، با کار دسلاخی سینه ها را میسکافند. بی بینید لیبیرا لهای خبیث چگونه جنایت پاسداران را پنهان نموده و مزورانه میگویند: "تا رنجکی متفجر شد" چه کسی آنرا منفجر کرد؟ آیا مگر پاسداران و عمال رژیم جمهوری اسلامی نبودند که رفقای ما را با نارنجک تکه تکه کردند؟ آری! انقلاب اسلامی "بیتی صدراخان نفعی ندارد تا این جنایت هولناک را افشا کند. چرا که خود نیز دشمن انقلابیون کمونیست میباشد. انقلاب اسلامی "لیبرالها میگوید: "این گروه... با مردم حاضر درگیر شدند. زهی بیشرمی و وقاحت! همه کسانی که در محل تظاهرات بودند میدیدند که چگونه افراد مردم به صف تظاهرات پیوسته و با اعلام حمایت می نمودند و همه توده های آگاه میدانند که نه مردم بلکه عمال کثیف سرمایه داران بسوی راهبیمایان نارنجک انداختند. آری زمانی که افراد حزب جمهوری اسلامی سخنرانی لیبرالها را بهم میزنند، "انقلاب اسلامی" آنها را "اوباش" میگوید ولی هنگامیکه پاسداران جنایتکار کمونیستها را کشتار میکنند از نظر لیبرالها نه تنها "بی تقصیرند" بلکه "مردم" هم میشوند. آری هیچ انتظاری از لیبرالها نباید داشت. لیبرالهای خیانت - پیشه مانند حزبیهای خائن دشمن مشترک کارگران زحمتکشان، انقلابیون و کمونیستها میباشد. آنسان فریبکار و جنایتکارند رنگ و نفرت بر آنها باد!

بقیه از صفحه ۱

اول اردیبهشت امسال هم توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در خون تپید

نماید. در درو روز گذشته، خبا با نهی اطراف دانشگاه، بیمارستانها، و روزی نامه های رژیم عرصه تاخت و تاز این لشکر جراحه و سرمایه بود. مزدوران ارتجاع تنها به این کفایت نکردند که نارنجکی را در میان جمعیت تظاهرکننده بیاندازند و خون پاک ۲ کمونیست انقلابی را بر زمین ریزند و عده کثیری را مجروح نمایند بلکه پس از آن نیز با حمله به بیمارستانها و

باشد. مردم آگاه ما سالروز اعتراض به تعطیلی ارتجاعی دانشگاه این سنگر آگاهی و آزادی را گرامی داشتند. رژیم جمهوری اسلامی، سالروز تعطیلی دانشگاهی را که خود آنرا "دارالجهل" (۱) مینامد، روز اول اردیبهشت از این ویژگی برخوردار است که بطور روشن و برجسته ای صف بندی انقلاب و فدا انقلاب را بر سر جلوه دمکراسی به نمایش میگذارد. طرفداران دمکراسی انقلابی

بر زمین ریخت و با پیوستن به جو بیابا ره های خونی که در سال گذشته در همین روزا خون پاک دانشجویان انقلابی و کمونیست، برافشاد، چهره این روز - اول اردیبهشت - به سرخی بیشتر گراشید. تکرار حوادث خونین اول اردیبهشت در اولین سالگشت آن، برای همیشه این روز را به عنوان یک روز تاریخی، در دفتر مبارزات دانشجویان انقلابی و فرا تر از آن مبارزات دمکراتیک خلقهای میهنمان ثبت خواهد کرد. اما این روز تنها روزی بزرگ در مبارزات دمکراتیک مردم ما نخواهد بود. این روز همچنین روزی است که با نام کمونیستها این مداخله عین طبقه کارگر و بیگمترین مبارزان راه رها نی توده های خلق از ستم میریایم و ارتجاع بطور کامل پیوند خورده است. هسته اصلی و نیروی محرکه جنبش مقاومت دانشجویان در روز اول اردیبهشت، در برابر هجوم ارتجاع را کمونیستها تشکیل میدادند. آنها بودند که توانستند توده کثیری از توده های آگاه مردم را در این روز به اعتراض علیه توطئه و سیاست ارتجاعی هیئت حاکمه بکشانند. جنبش مقاومت را در این روز سازمان دهند. حتی بیشترین ضربات بویژه جانی را در این روز کمونیستها تحمل کردند. اکنون در اولین سال بزرگداشت این روز ریخته شدن خون پاک رفقای کمونیست شهید بر زمین این بیوند را بیش از پیش مستحکمتر میسازد. بهمانگونه که روز ۱۶ آذر، در تاریخ، با جنابات رژیم متفورشاهان گره خورده است روز اول اردیبهشت نیز جنابات رژیم جمهوری اسلامی را برای همیشه در سینه تاریخ و خلقهای زحمتکش ما ثبت خواهد کرد. روز اول اردیبهشت، همواره با دورکننده و نفرت شدید رژیم جمهوری اسلامی از همه مظاهر آگاهی و آزادی اندیشه انقلابی، وضدیت عمیق آن با همه جلوه های دمکراسی انقلابی جنبشهای دمکراتیک مردم ایران خواهد بود. در رژیم جمهوری اسلامی با دست خویش این روز را به دفتر تاریخ سپرده و این منطبق همیشگی ارتجاع در همه اعمار تاریخ بوده است از اینرو روز اول اردیبهشت جایگاه بی و الاثنی در مبارزات دمکراتیک مردم ایران احرار خواهد کرد.



توده های انقلابی با قدرت تمام کینه و نفرت خود را نسبت به رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به نمایش میگذارند!

دستگیری مجروحین و کسانی که بخاطر حمال مجروحین در آنجا گرد آمده بودند، با گمیل دسته جات با ندسیاهی و تروریستی خویش، تحت عنوان "حزب الله" برای سرکوب مردم معترض و هواداران سازمان ما در گوشه و کنار شهر و در جلوی بیمارستان، با تعقیب و شناسایی و دستگیری کمونیستها، انقلابیون و بویژه هواداران سازمان مادرشهر برای شکار آنها، و با لایحه با ایجا دجو ترور و خفقان در عریان ترین شکل خود در جلوی دانشگاه، در روز اول اردیبهشت این اقدامات را تکمیل کردند. هر کسی که روز اول اردیبهشت از جلوی دانشگاه گذشته باشد، و حرکات فاشیستی و جنون آمیز با نهیهای جهل و سرکوب را که روزی - نامه های رژیم، آنرا "مردم" و یا "مردم مسلمان و آگاه" میخوانند، مشاهده کرده باشد بی تردید و نا خود آگاه به یاد داشته های فاشیستی "بیراهن قهوه ای های آلمان هیتلری میافتد"

از یکسو، و طرفداران جهالت و تاریکی و سرکوب و خفقان و نیز مدعیان دروغین دمکراسی آزادی دیگر، ویژگی اول اردیبهشت در این بود که ما هیت فدا انقلابی و همچنین درونما به بوسیده آزادی خواهی و دمکراسی طرفداران دروغین دمکراسی - یعنی لیبرالها - را نیز به عیان بر ملا نمود. اتحاد دو جناح حکومت در این روز بر سر تعطیل دانشگاه، و سخنرانی معروف بنی صدر که پس از سرکوب مقاومت دانشجویان، این روز را روز "استقرار حاکمیت دولت" نامید، در واقع نیشتری بود که بوسه ای این دمکراسی کاذب را از هم در بدو بوی تعفن لیبرالیسم میانه بوسیده لیبرالها را در فضا پراکنده ساخت.

روز اول اردیبهشت، این چنین روزی است! حاد ۳۱ فروردین و اول اردیبهشت امسال آینه ای بود که چهره کبریه و زشت فدا انقلاب فرهنگی رژیم را بیش از گذشته در جلوه چشم همگان نمایان ساخت. با فرار سیدن چنین روزی، ارتجاع لشکر جهل و سرکوب و فریب خویش را سازمان داد تا به "استقبال" مجدد چنین روزی برود و کوچکترین حرکتی را برای تجدید خاطر از مقاومت داشجو - بان و مردم آگاه در سال گذشته، بیکره سرکوب

حوادث چند روز گذشته، نشان داد که ارتجاع حاکم، چه وحشی از تجدید خاطر این روز در ذهن توده های آگاه مردم بدل دارد. رژیم جمهوری اسلامی ابتدا کوشید تا این روز را با توطئه سکوت بزرگوار کند. اما زمانی که با موج تبلیغات و افشاکری نیروهای انقلابی و کمونیست پیرامون زنده کردن خاطر این روز و بزرگداشت آن روبرو گردید، توطئه سکوت را شکست. و در رنگ راجا بزرگ نشمرد. رژیم نیز به "استقبال" این روز شرافت اما استقبال رژیم از این روز، چیزی جز بزرگداشت خاطر جنابات وحشیانه اش در سال گذشته و تجدید عهد با خاطر جهالتها و تاریکی اندیشیها - ی قرون وسطائی اش چیز دیگری نمیتوانست

(۱) - روزنامه آزادگان ارگان ارتجاعیون دو - آتش، در سرفا له روز ۳۱ اردیبهشت خود، دانشگاه را "دارالجهل" (خانه جهل) خطاب کرد!

خطاب به رفقا، اعضاء و هواداران سازمان!

روز اول ماه مه، فرا میرسد. این روز، روز قدرت نمایی طبقاتی طبقه کارگر در مقابل رژیمهای سرمایه داری در تمام جهان است. روزی است که طبقه کارگر به همراه توده های زحمتکش خلق و در پیشانی آنها، شعرا ره های انقلابی خود را مطرح نموده و ضرورت ناسود ی نظام سرمایه داری را فریاد میکند.

کارگران سراسر جهان و از جمله طبقه کارگر ایران در این روز تاریخی اساسی ترین در خواستهای سیاسی خود را مطرح نموده و با برپا نمودن جشن اول ماه مه همبستگی و اتحاد جهانی خویش را در برابر سرمایه داران، امپریالیستها و رژیمهای ارتجاعی وابسته به آن به نمایش می گذارند. برپا نمودن جشن اول ماه مه در شرایط امروز میهن ما برای طبقه کارگر بلحاظ کمک به رشد آگاهی طبقاتی و همبستگی و اتحاد وی از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار است.

مادر مقامات متعددی اهمیت روز اول ماه مه و ضرورت برگزاری مراسم این روز را مورد بحث قرار داده، سرمضمون سیاسی - انقلابی این روز و برادرک طبقه کارگر از مضمون این روز تکیه نموده ایم. برپا به همین درک از اهمیت و ارزش این روز تاریخی و برپا به ضرورت های سیاسی - عملی امروز جنبش توده های میهنمان و در ارتباط با زمینه هایی که جنبش توده های برای گسترش و بسط هر چه بیشتر دامنه انقلاب فراهم نموده است؛

اولا: معتقدیم که باید زنده ترین حرکت ممکن را چه بلحاظ تاریخی و چه بلحاظ ضرورت های عینی و ذهنی این مرحله از رشد جنبش توده های و ضرورت تعمیق و گسترش آن، به انجام برسانیم.

ثانیا: برای انجام موفقیت آمیز هرگونه حرکت نمایی، هر تا کتیک عملی... بدون شک برنامه، نقشه و ناطقه معینی لازم است که بدون آن، حرکات خود بخودی، گنج و حساب نشده بسیاری را بدنبال خود خواهد کشید و ثمرات نامطلوبی ببار خواهد آورد. بنا بر این مرفعترا ضرورت های ایدئولوژیک سیاسی و تاکتیکی مراسم روز اول ماه مه - که در جای دیگری بدان پرداخته و بعدا نیز خواهیم پرداخت - در دستور زیر نظر رفقا را به ضرورت های عملی و ملزومات یک حرکت با برنامه و سازمان یافته و منضبط جلب می کنیم.

رفقا!
در برپایی با شکوه اول ماه مه در شرکت تظاهرات خیابانی سده و وظیفه پیش روی ما قرار دارد. رنگه عدم توجه به هر کدام مویا اجسرای ناقص هر یک از آنها به تمامیت و موفقیت همه جا نبه حرکت توده ای ما مدمه زده و از بردودا منه تاثیرات آن خواهد کاست. قبل از توضیح این وظایف تذکر یک نکته ضروری است: تظاهرات چه از لحاظ مضمون تبلیغ و ترویج و چه از لحاظ مضمون تاکتیکی ای که در خود دارد. نقطه ای جدا از حرکت تاکتیکی ما نبوده بلکه جزئی است از کل حرکت و تاکتیک عمومی ای که ما در مبارزه

طبقه کارگر را علیه نظام سرمایه داری اتخاذ نموده و به پیش میبریم. تظاهرات یک نقطه فشرده تبلیغی، تهیه ای و توده ای است که در روند عمومی کار سیاسی - تبلیغی و توده ای ما قرار دارد و تابعی از ملزومات آنست.

۱- وظایف قبل از تظاهرات (تدارک):

وظایفی که در مرحله تدارک پیش روی رفقا است بدین صورت محور بندی میشود:

الف: تبلیغ سیاسی حول مسئله تظاهرات به میان توده ها به اشکال مختلف و بسج آنان برای شرکت در مراسم روز اول ماه مه برای پیشبرد این وظیفه رفقا میبایست از شیوه های مختلفی استفاده کنند:

- تبلیغ شفاهی بصورت بحث، سخنرانی - های کوتاه تبلیغی، اجرای نمایشنامه، و غیره در مناطق کارگری و زحمتکش نشین شهرها، و بخش ها، قصبات و روستاها، درون کارخانجات و محله عبور و مرور کارگران

- پخش اعلامیه ها و تراکت های سازمان که بمناسبت روز اول ماه مه منتشر شد، نوشتن شعارهای تعیین شده بر دیوارها

- تبلیغ با اشکال مختلف در درون سندیکا - ها و اتحادیه های کارگری و توضیح مواضع سازمان درقبال روز اول ماه مه و ضرورت شرکت کارگران در تظاهرات.

ب: بردن ارگان مرکزی سازمان (نشریه پیکار) به مناطق فوق الذکر و توضیح مفا مین ایده های سازمان برای توده های وسیع کارگران و زحمتکشان که در ضرورت این مسئله همواره بطور جدی مطرح است لیکن از موقعیت فعلی که با استقبال یک روز جهانی میرویم با اید استفاده نموده و ضمن تبلیغ مواضع سازمان حول مسائل سیاسی، آرمان کمونیسم را برای توده های هر چه وسیعتر کارگران مطرح کنیم.

۲- وظایف حین تظاهرات:

قبل از توضیح این وظایف، ضروریست به نکته مهمی توجه کنیم و آن اینکه عمل ما تجسم و جلوه ایده های ما است، در تظاهرات میبایست جزء جزء اعمالی که انجام میگیرد ایده های کمونیستی ما را مجسم نموده و ثابت کند که کمونیستها چگونه با نجه میگویند در عمل و فعا دارند. ما باید همچنین در این اعمال، بوحدت ارا ده و عمل را به نمایش بگذاریم. وظایفی که در حین تظاهرات بر عهده رفقا قرار دارد بشرح زیر است:

الف - تبعیت از رهبری تظاهرات - تبعیت

از رهبری در تظاهرات، امر تقویت رهبری را که برای پیشبرد موفقیت آمیز عمل، ضروری است تا مین میکند. بنا بر این رفقا باید از رهنمودها و دستورات رهبری که توسط انظمامات (و فقط انظمامات) مطرح میشوند تبعیت نموده، با حفظ انضباط، تشکل و یکپارچگی تظاهرات نظم و انضباط کمونیستی را به نمایش بگذارند. از حرکات فردی پرهیز نموده و به انسجام و یکپارچگی حرکت باری رسانند.

ب - حفظ روحیه تعرضی: شرط وفاداری به تاکتیک تعرضی بر علیه رژیم حاکم و شرکت فعال در مبارزه، حفظ روحیه تعرضی در این قبیل اعمال نیز هست. با اید برای ادامه حرکت تظاهرات، فداکارانه مقاومت نمودن برای اثبات اعتقاد به مضامین انقلابی ایده های سازمان درقبال روز اول ماه مه برای نشان دادن درک عمیق از موضع شجاعی درقبال رژیم ارتجاعی حاکم، با اید نشان بدیم که مبارزه ما واقعی است (#) بنا بر این تا زمانی که از جانب رهبری تظاهرات فرمان برانکنده شدن داده نشده است با اید گوش نمودن تظاهرات بصورت متشکل به حرکت خود ادامه دهد.

ج - مقاومت: هنگامی که تظاهرات از جانب نیروهای ضد انقلابی، عناصر فاشیست با ایداران و نوکران بورژوازی نظیر حزب توده و فاشیست اکثریت موردتهاجم قرار میگیرد، مقاومت برای حفظ تشکل تظاهرات ضرورت جدی دارد.

مقاومت و تنها جم علیه نیروهای ضد انقلابی و دستجات فاشیست تحت رهبری و هدایت رهبری تظاهرات بوده و در اینجا نیز تبعیت از رهبری و پرهیز از برخورد های خود بخودی و فردی تجسم انضباط کمونیستی است.

د - پخش اعلامیه و فروش نشریه حین تظاهرات: پیکهای انقلاب همچنان در حین تظاهرات نیز میبایست توده ها را از منافع آگاهی و پیام های انقلابی خود سیراب نماید. تمام مسی تظاهرات میبایست از زورقه های افشاگرانه، توضیحی و تبلیغی پوشیده شود.

ه - شیوه اختتام تظاهرات: اینکه چه موقع میبایست تظاهرات خاتمه یابد عهده

(#) - آن کارگران به سر سخت ترین جلادان تزاری نشان دادند که مبارزه شان واقعی است (لنتین - تظاهرات اول ماه مه پرولتاریا انقلابی)

بقیه از صفحه ۲۵ یکسال ...

دا نشگاهها هوا زینز موردتها جم و با نان به سرکردهگی جنتی حاکم شرع و عوفعلی "شورای نگهبان" قرار گرفت، رفیق ما توانست جان سالم بدر ببرد، اما روز بعد مزدوران جمهوری اسلامی که رفیق احمد را قبلا مورد شنا سازی قرار داده بودند، او را در یکی از خیابانهای اها از دستگیر و پس از چند روز شکنجه های جسمی و روحی با حکم جنتی مرتجع در روز جمعیه ۱۲ اردیبهشت ۵۹، همراه با رفیق کمونیست مسعود... دانیالی، تیرباران کردند، رفیق پیکارگرم، بادلوسی آکنده از کینه طبقاتی نسبت به ارتجاع و کلیه دشمنان طبقه کارگر، کوه دلانه به دفاع از عقاید کمونیستی خود برخاست و وفاداریش را به ما رکیسیم - لنینیسم، انقلاب و سوسیالیسم اثبات نمود. رفیق احمد با شناخت دقیق از شوطنه ارتجاع در نامه خونینی که از رفیق بجما مانده است، به خانواده اش می نویسد که "مراجرا معتقدانم محاکمه میکنند و چه بر عظمت است از اعتقادات خود دفاع کردن و به منافع مردم خیانت نکردن آری! کمونیست ها در لحظه های آزمایش، سر بلند و پرافتخار با زهم فریاد میکنند: زنده بماند کمونیسم! آنها به کمونیسم عشق میورزند چرا که راه های مبارزات رها نشی بخش زحمتکشان است عشق آنها به زحمتکشان نه در حرف و غربا ده های بی محتوی، بلکه در میدان سرخ مبارزه سنجیده شده و پیروز مند و سر بلند همچنان ایستاده اند!

رفیق پیکارگرم احمد در همان نامه به خواهرش می نویسد:

"... انسان برای خودش زندگی نمیکنند، مهم این است که زندگی یا مرگش چه نقشی در زندگی دیگران دارد.

... فقط عشق و کینه طبقاتی را تبلیغ کن! ..."

کمونیست ها در لحظاتی که با مرگ یک قدم بیش فاصله ندارند، عشق و کینه طبقاتی را فراموش نمیکنند و رفیق قهرمان ما احمد مؤذن پیکارگری که کمونیست ها شی چون کارگر قهرمان رفیق مالک عباسی از اوتا شیر فراوان گرفته و به پیکار در راه سرخ انقلاب و سوسیالیسم پیوستند، چنین کمونیستی بود. نامش را در هر مبارزه بیاد ما و رسم و راهش را می پوشیم!

توده ای حول نقاط مثبت آن، کار تشکیلاتی... و ظایفی هستند که موفقیت کامل تظاهرات در گرو انجام آنهاست.

الف - جمع بندی: درک عمیق از مفهوم کار سیاسی توده ای و تبدیل هر قدم به سکوی پرشی برای قدم بعدی یعنی جمع بندی همه جا نشه از یک حرکت تقویت و تصمیم نقاط مثبت آن و مبارزه با ضعف ها و انحرفات آن، بدین لحاظ ضروری است که رفقا بعد از تظاهرات در زمینه جمع بندی به وظایف زیر عمل نمایند:

- جمع بندی از تظاهرات انجام شده، تعیین دقیق نقاط ضعف و قوت آن (چه در مرحله تدارک و چه در تظاهرات) ریشه یابی علل بروز و ظهور ضعف ها جهت برخورد انتقادی و مبارزه ای دثو - لوژیک علیه آنها و تصحیح و تبدیل آنها ن به نقاط قوت برای قدم های بعدی حرکت.

- جمع بندی از دستاوردها، انعکاسات آن در میان توده ها، قضاوت توده ای میزان اثر - گذاری بر توده ها و نتیجه گیری سیاسی - تشکیلاتی از آن.

ب - تحکیم تبلیغ سیاسی: در سطوح پیش گفتم که تحکیم و دفاع انقلابی از دستاوردهای تظاهرات یکی از وظایف ماست، این امر میسر نمیشود مگر با تبلیغ سیاسی بعد از تظاهرات به حول این دستاوردها و مواضع انقلابی سازمان بنا بر این باید تبلیغ سیاسی حول این مسئله را سازمان داده، بسویژه در مسیری که تظاهرات انجام گرفته است مواضع سازمان را وسیع به میان توده ها ببریم.

همچنین تهیه گزارش از انعکاس تظاهرات و مواضع سازمان در میان توده کارگران و زحمتکشان، گزارش از وضع تبلیغ و نکات بر - جسته ای که میتواند تند در ظاهر با فای بمانند، ... و ارسال آنها برای سازمان، و تبلیغ دیگری است که بر عهده رفقا قرار میگیرد. در همین رابطه رفقا باید کوشش کنند که نظرات توده های کارگر و زحمتکشی را که در معرض این کار توده ای قرار گرفته اند بطور کتبی گرفته و برای سازمان ارسال کنند.

به امید پیروزی

رهبری تظاهرات است بدین لحاظ مادام که از جانب رهبری تصمیمی درباره برانگیزه شدن تظاهرات نگذارد، اتخاذ نشده است، نباید متفرق شد. هنگامی که ختم تظاهرات اعلام میشود باید بطور منسک و منظم پراکنده شده، بصورت دستجات افشاگری و بحث در میان توده های شرکت کننده در تظاهرات و تماشاگران، تظاهرات را پایان داد. در این حالت باید در میان توده ها به توضیح مواضع سازمان، مضمون اول ماهه و افشاگری هیات حاکمه پرداخت.

و - هنگام پراکنده شدن باید به کمک افرادی که موردتها جم عنا مزبور رژیم و دیگر ضد انقلابیون قرار گرفته اند شناخته و آنان را نجات داد.

ز - پرهیز از برخورد فردی و غیر مسئولانه به نارسائی ها: طبیعی است که اجرای مراسم دارای کاستی ها و نارسائی ها شی خواهد بود و این به مجموعه امکانات ما، تضییقاتی که ارتجاع برایمان فراهم میکند، بروژیک سری مسائل بیش بینی نشده... مربوط میشود. ضرورت برخورد فعال، سعه و انعطافی و متانت کمونیستی ایجاب میکند که رفقا تحت تاثیر این اشکالات قرار نگرفته و با حفظ انضباط و نظم کمونیستی از دستاورت رهبری تظاهرات تبعیت نموده و از برخورد منفعلانه به مسائل ویا حرکات خود سراه برهیز نمایند. طبعاً طرح انتقادات و طیفه هرفرد انقلابی و شایسته یک برخورد اصولی است، اما جا و مکان طرح این انتقاد را باید بد رستی تشخیص داده و در جهت حفظ انسجام و یکپارچگی تظاهرات کوشش نمود. رفقا موظفند پس از اختتام تظاهرات انتقادات و نظرات خود را مطرح کنند.

۳. بعد از تظاهرات:

در سطوح پیش گفتم که تظاهرات فقط مرحله ای از حرکت تبلیغی و توده ای ماست و بنا بر این امری نیست که با پایان یافتن آن کارمان را پایان یافته تلقی کنیم. اما انتقالاتی این حرکت مستلزم جمع بندی، تحکیم دستاوردها و دفاع فعال از آنها ن، تبلیغ وسیع

بقیه از صفحه ۲۶ زن ...

اما "هرگاه زن مسلمانی عمداً مرد مسلمانی را به قتل رساند فقط محکوم به قصاص است و نباید چیزی به او لیا - دم بپردازد" به این معنی که در اینجا یک نیمه انسان (زن) یک انسان کامل (مرد) را کشته است "و محکوم به قصاص است" (باز مورد شکرش باقی است که نیمه انسان قاتل (زن) مجبور نیست بجز جانش (که جان یک نیمه انسان است) خونبهای یک نیمه انسان دیگر را بدهد "ولی دم" صاحب خون - بپردازد. (از من لایحه) از این بهتر و آشکارتر نمی شود زن را تحقیر کرد و یک موجودیت، یک نیمه انسان و یک انکس حساب آورد. البته این محدودیت، این توهین

را میکشد با قبلا نصف خونبهای مرد که برابر خونبهای یک زن است به او پرداخت شود تا قاتل یک انسان محسوب شود و نه یک نیمه انسان. در چنین صورتی است که ولی زن مقتول میتواند تقصا کند.

پاسخ این "چرا" ها را بنحودرخشان و مشروخی ما رکیسیم - لنینیسم را نه کرده است و ما در اینجا چکیده ای از این پاسخ را که در کتابهای متعددی از بزرگان ما رکیسیم - لنینیسم آمده است، میاوریم.

ادامه دارد.

آشکاره مقام والای زن صرفاً منحصر به این دو ماده و با کل لایحه نمیشود بلکه اینها همه جلوه کوچکی است از تلقی اسلام نسبت به زن، اما چرا اینطور است؟ چرا زن در قوانین برده داری، فئودالی و حتی بورژواشی از حقوق کمتری نسبت به مرد برخوردار است؟ و چرا زن بمثابه یک موجود درجه دوم بحساب میاید؟ "مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را میکشد با نصف دیه مرد" به قاتل پرداخت شود تا ولی مقتول (زن) حق قصاص داشته باشد. یعنی اینکه "دیه" (خونبهای) زن برابر است با نصف خون - بنهای مرد. زیرا زن مساوی با نصف مرد است. بنا بر این "وقتی مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی

اخبار جنگ

"علیرغم کمکهای فراوان دولت وارگانهای انقلابی...، فدا انقلاب با سازماندهی وسیعی می‌کوشد از این کمیوندها و زنجیرو عظیم جنگ - زدگان علیه انقلاب استفاده کند." اینک و اقصا دولت کمکهای فراوانی کرده است با نسه، و اقصیتها آنچنان با سخی میدهند که خود خبرنگار مزدور نمیتوانند آنها را منگس نکند. در صفحه ۲ این نشریه (شماره ۴۲۳) از قول یک سیگار فروش آبادانی چنین میخوانیم "فقط کوبینهای جیره - بندی رابه ما میدهند و دیگر هر چه داریم خودمان خریده ایم و دولت کمکی نکرده است. اگر کمک میکرد که حالا من سیگار نمیفروختم. کمک خیلی کم است. به ۱۱ نفر، آنها تنها سه پتو داده اند. ما این سه پتو را چکار کنیم؟" و اما مسئله ضد انقلاب! خبرنگار روزی نامه "مردم" در واقع تمام می آوارگان ما شهر، شیراز، اصفهان (ملک شهر) و بروجرد و خلاصه هر کجا که آواره ای برای گرفتن حق مسلم خود دست به اعتراض زده است را "ضد انقلاب" خطاب میکند. آری این تکیه کلام سرما به داران حاکم است و حزب توده هم که نوکر و غلام حلقه بگوش امیربالیستهای روسی است، "وظیفه ای" جز تکرار لحن پراکنی های حزب جمهوری ندارد. از نوکران سرما به هیچ انتظاری جز حمایت از سرما به داران نمیتوان ونیا پیدا شد.

(تلخیص از ندای آواره - کمیته اصفهان)

توطئه رژیم از ساختن
شهرک با استفاده از
نیروی کار جنگزدگان

چندی پیش میرسلیم معاون وزارت کشور و مسئول امور جنگزدگان طی سفری به خوزستان در احوال زمین گفتگوشی با خبرنگاری پارسا اعلام میکند که با استفاده از نیروی خود جنگزدگان برای تامین مسکن و همچنین آماده کردن مصالح در آینده نزدیک در رابطه با ختمان شهرکها اقدام خواهد شد. "نشریه کمیته اصفهان سازمان ما، "ندای آواره" پرده از این توطئه رژیم علیه آوارگان زحمتکش برمیدارد:

"حیله جدید رژیم ضد خلقی و سرما به داران ایجا دشهرک با استفاده از نیروی کار جنگزدگان است. رژیم به این وسیله توطئه ای حباب شده بر علیه کارگران و زحمتکشان دنبال میکند، یعنی میخواهد از نیروی کار رزان جنگزدگان بهره کشی وحشانه بکند. در حالتی که بیگاری و گرانی پیدا میکند و در حالتی که آوارگان برای مسکن دست به فدا شده انقلابی آوارگانهای

عده ای از جنگ زدگان، مجروح و تعدادی نیز دستگیر میشوند. و با لایحه رژیم موفق به عقب - راندن زحمتکشان و سرکوب آنان میگردد. اما آنچه که مسلم است این است که این آخرین حرکت تعرضی زحمتکشان مبارز بر علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی نخواهد بود. و آنان همچنان به مبارزه خود برای نان، مسکن و آزادی ادامه خواهند داد. دور نیست روزی که کارگران و زحمتکشان خوزستانی به همراه کارگران و زحمتکشان سایر زمینهای ساسات سنگین رژیم جمهوری اسلامی را در هم بپیچند و به اینهمه ظلم و ستم و در بدی خاشمه دهند.



حزب "توده"
دشمن طبقاتی زحمتکشان
و آوارگان جنگ ارتجاعی

روزی نامه "مردم" صفحه ای از مصفاات سنگین خود را در تاریخ ۸ فروردین اختصاص به فریفتن آوارگان داده است. این مزدوران سوسال امیربالیسم روس و آستان بوسان سرما به داران حاکم... انبیا رنیز با تهیه گزارش از وضع آوارگان و قلم فرسائی در مورد "کمکهای فراوان دولت"؛ "به جنگزدگان، کینه و ستیز خود را به آوارگان مبارزان بکشد" و، چایلوسی و نوکر مفضی خود نسبت به رژیم را از طرف دیگر به معرض نمایش گذاشته اند. خبرنگار مردم فروش این حزب و قیقا نه مینویسد:

آوارگان: مصادره انقلابی
آپارتمانهای خالی
رژیم ضد خلقی:
سرکوب هر چه شدیدتر

شیراز - روز سه شنبه و چهارشنبه ۱۲ و ۱۱ فروردین، خیابان فلسطین و سه راه فلسطین (با غشاه سابق) شاهدگیری و زد و خورد بی - آوارگان بی مسکن خوزستانی از یک طرف، و نیروهای سرکوب رژیم متشکل از پاسداران و افراد شهریاری از طرف دیگر بود. جریان از این قرار است که روز سه شنبه ۱۱/۱/۶۰ عده ای از زحمتکشان خوزستانی که در ارتجاعی، خاشمه و کاشانه خود را از دست داده اند، برای پیدا کردن سرینا، اقدام به مصادره انقلابی با ختمانی که قبلا خوابگاه دبیرستان دانشگاه بوده است، می نمایند. طبق معمول طولی نمی کشد که سر و کله پاسداران و مامورین شهریاری پیدا میشود این حامیان سرما به داران بتدا سعی میکنند تا با فریب و شیرینگی و گفتن اینک "بهتر است از راه های قانونی وارد شوید" و "با این خوابگاه فعلا در اختیار دانشجویان است" و... مانع از این اقدام انقلابی آوارگان نگردند، ولی زحمتکشان آواره که به نیرنگهای آنها پی برده و دیگر فریب دغلکاریهای آنها را نمیخورند، در پاسخ آنها شعار میدادند: "پاسدار، پاسدار، پاسدار، سرما به دار"، "مرگ بفریبکاران رود گلکار".

آن روز زحمتکشان موفق به اشغال ساختمان نمیشوند و تصمیم میگیرند فردا دوباره جلوی خوابگاه جمع شوند. روز ۱۲/۱/۶۰ آوارگان به همراه عده ای از مردم جمع شده و برای افشای سیاستهای رژیم خاشنه، وسط خیابان نشسته و مانع حرکت اتومبیلها میشوند. پاسداران سرما به که وضع را چنین می بینند، شروع به تیراندازی و پرتاب گاز اشک آور می نمایند. زحمتکشان آواره در میان گاز اشک آور و شلک گلوله فریاد میزنند: "مسکن، مسکن، حق مسلم است"، "جواب حرف مردم گلوله و جفا است"...

چون آن روز مصادف با سالروز تاسیس جمهوری اسلامی - جمهوری سرکوب و خفقان و جمهوری فقر و فلاکت بود، ما مجمع مرتجع شیراز خطاب به عده ای که در راه هییمائی شرکت کرده بودند میگوید که "کمونیتها در حال اشغال آپارتمانها هستند، به یاری برادران پاسدار بشتابید" افلا نازها پس از دریافت این دستور با جواب و جفا و سنگ به محل میبورشنا فته و هر که را می یابند مورد ضرب و شتم قرار میدهند. بر اثر حمله مزدوران رژیم تعدادی از مردم که به حمایت از جنگزدگان برخاسته بودند به همراه

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

نوع نارتجکی که رژیم علیه کمونیستها بکاربرد

میشد. و طبق قرارداد آلمان با ایران، تعداد زیادی از آن به کشورهای خلیج صادر میشود. چنانچه بیا ددا شته باشد، سران کشورهای عربی دوست، مرتب از این کار خاجات که زیر نظر طوفانیا ن از افراد هزار فامیل بودیدین میکردند، بخاطر این موضوع بود. پس این نارتجک نوع جدید مدرن نه بدست افرا دیسه - اصطلاح سی سوپا که "سرا هی" میسا زندونه از نوع نارتجکهای معمولی که زمان قبا مبدست مردم افتا دیلکه از نوع کم نظیر و جدید است که سرا غش را فقط با بد زندا رتشان سطح بالا و پاکمیه های مربوط به حفاظت کارخانه گرفت. گفته ارتجاع رامینی برانفاجاره راهی شدت افشا و محکوم کنیم!

طبق گزارشات موفقی که رفقا داده اند مبنی بر اینکه ما من نارتجک مثل ما من نارتجک معمولی بوده، بعلاوه اینکه بعد از جراحی رفقای زخمی بجای تکه های نارتجک، ساچمه بدست آمده است. مسلم میشود نارتجکی که توسط یکی از مزدوران ارتجاع به درون جمعیت پرتاب شده نوع ساچمه است. این نارتجک خندفر بوده و پوسته اش بجای چدن از ساچمه های فراوان که توسط پارانین جامد قالب زده میشود، تشکیل میگردد و ساچمه شش مثل نارتجک معمولی است. این نارتجک فقط در کار خاجات صنایع نظامی - واقع در سلطنت آباد - با پروانه و با بتکار شرکت آلمانی - در زمان شاه ساخته

خالی متعلق به سرمایه داران و هتلداران بزرگ و ساختمانهای دولتی زده اند. و در حالتی که اینهمه شرکتی خالی هست، رژیم ضد خلقی میخواد زبهره کار و ارگان بیشتر سود ببرد و به جیب گشا دخود و سرما به داران بریزد، سرمایه داران و رژیم جانی آنها که از هر توطئه کثیفی بر علیه کارگران و زحمتکشان فروگذار نمیکند، با استفاده از جنگ زدگان میخواد هند بین بیکاران و ارگان تفرقه بیندازند تا بتوانند از ارگان بیشتر بهره کشی کنند و از طرفی میخواد جنگ زدگان را از مصداق ه انقلابی شهرکها و هتلهای سرمایه داران منصرف کنند و هم میخواد آنها را به میدخاننده دار شدن سرگرم کنند. در حالیکه ارگان در حال حاضر بدون سرپناه و حجام و جای امن و بدون بهداشت سرمیرند و تنها میتوانند از طریق معادله انقلابی مسکن داشته باشند.

سپیل اسلحه همچنان سرازیر است

چرا رژیم جمهوری اسلامی از توده های زحمتکش ما پنهان میکند که زکجا، چگونه و با چه قیمتی اسلحه میخرد؟ مگر جز این است که افشای واقعیات، افشاگر رژیم جمهوری اسلامی نیز میاشد؟ مگر همین چند روز گذشته نبود که خبر اختلاس هتگفت ۵۶ میلیون دلار (حدود ۴۰۰ میلیون تومان) در جریان خرید اسلحه از کشور های امپریالیستی غرب برملا گردید؟

رژیم ها شیکه بدون اتکا به زحمتکشان و فقط با قدرت سرنیزه و توت و تانک حکومت می کنند و از مرتجعین حمایت مینمایند، ناچارند که برای ادا مه سلطه جابرا نه شان با واقعیتهای را پنهان کنند و با آشکارا دروغ بگویند و رژیم جمهوری اسلامی نیز اینچنین رفتار میکند.

فقط در دوسه ماه اخیر و تنها از طریق دریا مقدادیرزادی اسلحه وارد ایران شده است بدون اینکه سردمداران رژیم جمهوری اسلامی بتوده های زحمتکش بگویند که دسترنج آنها را چگونه و برای معامله با کدام کشور و برای چه بتاراج گذاشته اند؟

● کشتی ایران ارشاد (با جوشیل ۱۰۰ تن) از کشور لیبی، اسلحه حمل کرده است
● کشتی ایران بیک درایا منوروز، محموله نظا می حمل شده از کره شمالی را در بندر عباس تخلیه میگردد است.

● کشتی ایران میلاد (مجهزه جوشیل ۱۰۰ تن) ۲۰۰ تنی برای حمل اسلحه از کره شمالی به آن کشور رفته است.

● کشتی ایران نهضت در بهمن ماه گذشته از طریق "بندر خمینی" از اروپا اسلحه وارد کرده است.

سیاسی را بر علیه قدرت سیاسی حاکم بر دوش بگیرد. با یکده روز اول ماه مه به روز نشان دادن اتحاد و همستگی طبقه کارگران ایران با کارگران جهان و روز مبارزه طبقه تا به آخر انقلابی در راه بدست گرفتن رهبری مبارزات دموکراتیک توده ها بر علیه ارتجاع حاکم باشد. بدین ترتیب با طبقه کارگران ایران را به برگزاری هر چه با شکوه تر جشن اول ماه مه فرا میخوانیم.

رفقا و دوستان کارگر!

با تمام نیرو و نظر هرات کمونیستها به مناسبت اول ماه مه شرکت کنید!

اتحاد و همستگی طبقه کارگر و قدرت نیرومند طبقه من را بر علیه امپریالیسم و سرمایه داری جلوه گرازم!

فرا د خود را بر علیه همه جناح های رژیم جمهوری اسلامی، این نگهبانان سرمایه داری وابسته و سرکوبگران خلقها بلندتر کنیم!

بگذار فریاد مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع و شعارهای آزادی زندانی سیاسی انقلابی، باز گشائی دانشگاه این سنگرزادی، آزادی مطبوعات، اجتماعات و سازمانهای انقلابی و ایجاد دشواری واقعی کارگری افشای جنگ ارتجاعی، دفاع از جنبش مقاومت خلق کرد و جنبش آوارگان، لریه براندام امپریالیسم و ارتجاع بیفکند، بگذار رخوش کارگران ایران، با فریاد کارگران سرارجهان درهم آمیزد و نای امپریالیسم و پیروزی سوسیالیسم را نوید دهد.

با تمام نیرو و نظرها تا شکره جشن اول ماه مه را برپا داریم!
زنده باد اول ماه مه!
زنده باد سوسیالیسم!
مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی!
برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!
کمیته مرکزی سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۶۰/۲/۴

سرمقاله

بقیه از صفحه ۲
به امپریالیسم آمریکا هدیه دادند. دورانی دیگر لیبرالهای خاشن، ما یک آزادیخواهی برچهره زدند تا توده های کنده شده از جناح رقیب را به دنبال منافع ارتجاعی خویش بکشند. در همین رابطه روزیونیستهای خاشن توده های واگشیرت بدنبال حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی روان شده و خاشنین سه جهانی بگرد بینی مدر حلقه زده اند و دمکرتهای ناپیگیری چون مجاهدین خلق، با گرایش لیبرالی خود، عملا از جناح بنی مخرجایت میکنند.

رفقای کارگر!

طرح آلترنا تیوا انقلابی در مقابل لیبرالها، آلترنا تیوهای ارتجاعی حزب جمهوری و لیبرالها، مجهز شدن طبقه کارگر به سلاح طبقاتی - اش مارکسیسم لنینیسم و متشکل شدن در حزب خود که اکنون فاقد است، وهم چنین افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی و حمایت از مبارزات تمامی زحمتکشان علیه رژیم وسیع و متشکل کردن توده ها و اتحادات کتیک های تعرضی در شرایط اعتلا کنونی، وظایف اساسی ما را در شرایط کنونی تشکیل میدهد. برخورد ما به اول ماه مه نیز بر همین اساس و مبتنی بر جنبش منافی مبنی صورت میگردد. ما میکوشیم تا بتظاهرات انقلابی خود، در مقابل سرکوب و فشار ارتجاع یا بیداری کنیم. با اتحاد عمل با نیرو های انقلابی بر اساس پلاتفرم ضد امپریالیستی، ضد ارتجاعی، ضد روزیونیستی، قطب انقلاب را تقویت بخشیم و اتکا به روز اول ماه مه را به روزی برای افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی دفاع از آزادیهای سیاسی، افشای جنگ ارتجاعی و ایجاد دشواری واقعی بدل سازیم. آری هم - چنانکه انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران تنها بر رهبری طبقه کارگران مکان پذیر است، با بیدار روزجهانی کارگرنیوز، این طبقه کارگران ایران با شکره برچم مبارزه

تظاهرات خیابانی، (قانونمندیها و درکهای انحرافی نسبت به آن)

تظاهرات خیابانی، بعنوان شکلی از مبارزه طبقاتی و بعنوان یک تاکتیک مهم نقش برجسته‌ای در جنبش توده‌ها ایفا میکنند. از بنبرو شناخت قانونمندیها و انحرافات روبرو نیستی و آثار ریشستی در برخورد به آن برای پرولتاریای کثرت‌ها ما حائز اهمیت بسیار است.

همانطور که میدانیم تظاهرات شکلی از مبارزه طبقاتی است و از اینرو جزئی از تاکتیک محسوب میشود. چرا که "سروکار تاکتیک با اشکال مبارزه و اشکال تشکیلات پرولتاریا و تغییر و هم‌آهنگی آنهاست." (استالین راجع به اصول لنینیم) اما تظاهرات شکل خاصی از مبارزه طبقاتی است. شکلی تعرضی و بمناسبت یکی از اشکال عالی مبارزه طبقاتی که خاص دوران اعتلاست. تظاهرات خیابانی از یکسوی نقش تبلیغی ایفا میکند و بقبول رفیق استالین: "اهمیت تظاهرات خیابانی در این است که این تظاهرات بطور وسیع توده‌های مردم را بسوی جنبش جلب میکنند و آنها را فوراً با خواستهای ما آشنا میسازد و زمینه وسیع مساعدی فراهم می‌آورد که در آن ما بتوانیم مسجورانه تخم ایده‌های سوسیالیستی و آزادی سیاسی را بکاریم. تظاهرات خیابانی سبب آژیناسیون خیابانی میگردد." (استالین حزب سوسیال دموکرات روس و وظائف آن) و از سویی دیگر تظاهرات خیابانی، ما نوری سیاسی و نمایش قدرت توده‌ای حول دفاع از منافع یک طبقه خاص است. علاوه بر این تظاهرات ما نندهر تاکتیک دیگر تجربیات سیاسی شان دارد. تاکتیک باید به گونه‌ای انتخاب شود که توده‌های وسیع را بسوی خط مشی سازمان کمونیستی و انقلاب جلب نماید.

رفیق استالین در رهبری تاکتیک به همین مسئله اشاره میکند و میگوید در درجه اول بایستی از آن اشکال مبارزاتی سود جست که: "بیش از همه با شرایط فعلی جزو مایه منتهضت متناسب بوده و استعداد آن را داشته باشد که رساندن توده‌ها را به مواضع انقلابی و سوق توده‌های میلیونی را بطرف جبهه انقلاب و احیای نمودن آنان را در جبهه تسهیل و تامين نمايد. مطلب بر سر این نیست که قسمت پیش آهنگ عدم امکان بقای رژیم کهنه و انقراض حتمی آن را فهمیده باشد بلکه مطلب بر سر اینست که توده‌ها میلیونها توده مردم به این ضرورت پی بربند و برای تقویت پیش آهنگ حاضر شوند ما توده‌ها اینرا فقط از روی تجربه شخصی خود نمیتوانستیم بفهمند، موضوع بر سر اینست که به میلیونها توده

مردم امکان داده شود تا از روی تجربه شخصی خود ضرورت و لزوم انقراض حکومت قدیم را بفهمند و چنان اشکال مبارزه و چنان اشکال تشکیلاتی انتخاب شود که توده‌ها بتوانند از روی تجربه به سهولت محنت شعارهای انقلابی را در پیابند، اینست وظیفه "هما نجا" (تاکید زماست)

۱- مبانی اتخاذ تاکتیک تظاهرات کدامند؟

الف - تظاهرات و سطح جنبش توده‌ای از آنجا که کمونیستها همواره در آن تظاهرات را تا کتیک خود، توده‌ها و جلب آنها بسوی انقلاب را در مدنظر دارند، مهمترین مسئله‌ای که در ابتدا باید اتخاذ تاکتیک آنها را تشکیل میدهد، سطح جنبش توده‌ای است. بررسی وضعیت آرایش قوای طبقات درون جامعه و نمایندگان سیاسی آنها طبقه کارگر، خرده بورژوازی و... شرایط عینی و ذهنی جنبش آنها را تا کتیک ذاتی که دارای اهمیت ویژه است، جزریا مدجنش آنها را بسوی تعرض یا عقب نشینی سوق میدهد. شعارهای صنفی و اشکال مبارزاتی ملایمتر، ویژگی دورانیهای افش و شعارهای سیاسی و اشکال مبارزاتی تعرضی، ویژگی دوران اعتلاست. تظاهرات اما با بظرف نمایش را در یکا لیتم جنبش و حرکت تعرضی توده‌ها، تاکتیک مناسب برای دوران اعتلاست. البته ذکر یک نکته در اینجا ضروری است و آن اینک است که استفاده از تظاهرات تنها بعنوان شکلی از تبلیغ و آنهم تظاهرات موضعی نمیتواند در زمانی که اعتلا جنبش نیز وجود ندارد مورد استفاده قرار گیرد. اما استفاده از تظاهرات بعنوان یکی از مورمبارزه انقلابی و نمایشات سیاسی همراه با بسیج توده‌ای، خاص دوران اعتلاست. استالین میگوید: "در دوره‌های ۱۹۰۲ الی ۱۹۰۵ تاکتیک حزب تاکتیک تعرضی بود، زیرا هنگامی که انقلاب و آوج گرفتن نهضت بطرف بالا بود، لذا تاکتیک هم‌می بایستی با این حقیقت منطبق میشد، طبق این وضعیت مورمبارزه نیز انقلابی و متناسب با مقتضیات مدا انقلاب بود، اشکال مبارزه که در این دوره یکی جای دیگری را میگرفت، عبارت بود از اعتصابات سیاسی محلی، نمایشات سیاسی، اعتصاب عمومی سیاسی، تحریر دوما، قیام" (هما نجا)

پس تظاهرات از اشکال عالی و تعرضی مبارزه طبقاتی و عمدتاً مربوط به دوران اعتلاست.

ب - رابطه تظاهرات و آرایش قوای دشمن با هر چه بالاتر گرفتن جنبش و توده‌ای شدن تظاهرات، اتخاذ تاکتیک بر مبنای میزان

توانا شیهای دشمن اهمیت بیش از پیش مییابد از این رو بایستی این تاکتیک بگونه‌ای انتخاب شود که بیشترین ضربه را به دشمن وارد کرده، کمترین خسارت را برای صفوف انقلاب در برداشته باشد. عدم ارزیابی از وضعیت مفسوف دشمن در زمان و مکان تظاهرات موجب میشود که تاکتیک ما به موفقیت نینجامد. توجه به این مسئله را در فسخ تظاهرات ۹ ژوئن ۱۹۱۷ از سوی بلشویکها شاهدیم. لنین در این مورد میگوید:

"نهم ژوئن حزب کارگران انقلابی با حزب بلشویکها در پیروگراد در کارزار تظاهراتی بود که نمودار متنگلی از ناخرسندی روزافزون و برآشفتگی توده‌ها باشد. سران اس-ار و منشویک که در سازش با بورژوازی سردرگم شده و پای بند سیاست امپریالیستی تعرضی گردیده بودند، وقتی احساس کردند نفوذ خود را بیمن توده‌ها از دست میدهند، هراسناک شدند. وزوهای همگانی بر ضد تظاهرات برخاست و این بار دیگر کادتهای ضد انقلابی نیز با اس-ارها و منشویکها یکی شده بودند، تحت رهبری آنها و در نتیجه سیاست سازشکاری آنها با سرمایه داران، چرخش توده‌ای خرده بورژوازی برای اتحاد با بورژوازی ضد انقلابی کاملاً مشخص گردید.... بلشویکها تصمیم بر برداشتن تظاهرات را فسخ کردند، زیرا بهیچوجه نمی خواستند در چنین لحظه‌ای کارگران را علیه نیروهای متحدگادتهای اس-ارها و منشویکها به نبردی ما بوسان بکشانند." (لنین - درسهای انقلاب)

در کنار ردوعامل اساسی فوق برای اتخاذ تاکتیک تظاهرات بایستی از عوامل کم اهمیت - تری مانند وجود یا عدم وجود موکراسی که طبعاً بر میزان حدت رویا روتی طبقات متخاصم می افزاید و همچنین توجه به روحیات توده‌ها که حساسیت بیشتری نسبت به برخی مسائل نشان میدهند و برای تظاهرات حول آنها بیشتر بسیج میشوند و... نیز یاد کرد.

۲- عناصر اساسی تظاهرات

هر تظاهرات بر مبنای عناصر اساسی زیر تشکیل می یابد:

الف - شعارها - شعارهای تظاهرات از عناصر مهم تظاهرات هستند، تطبیق این شعارها با احساسات و روحیات توده‌ها و سطح جنبش توده‌ای و نیز با اساسی ترین نیازهای توده‌ها میتواند این تظاهرات را به تظاهراتی موفق بدل نماید.

ب - سازماندهی تظاهرات - سازماندهی منظم

عمده مبارزه، یعنی تظاهرات خیابانی، به شرایط مشخص برای اتخاذ این تاکتیک توجه نکرده و وضعیت ویژه قوای طبقاتی را در آن مقطع محل و مکان، مبنای حرکت خود قرار نمی دهد.

برای بررسی قوای طبقاتی باید وضعیت رژیم (دمکراسی و سرکوب، استیصال، تعرض) وضعیت نیروهای غیرپرولتری، اوضاع نیروهای پرولتری، سنت و فرهنگ توده ها و حساسیت آنها و... را در نظر گرفت.

ب: این دیدگاه خصلت تبلیغی - تعرضی توده ای این تاکتیک را ندیده بلکه به تظاهرات خیابانی به مثابه شکلی از مبارزه برای درگیری و تعرض آنها به رژیم نگریسته و برخورد های زودرس و ماجراجویانه را به نمایش می گذارد.

این دیدگاه به تظاهرات خیابانی و تعرضی که در این شکل از مبارزه نهفته است، از زاویه غیرتوده ای و نا رشیستی نگاه میکند.

پس تظاهرات خیابانی با توجه به وضعیت قوای طبقاتی در جامعه، سطح جنبش توده ای و... بعنوان یکی از اشکال عالی مبارزات مردم، خصلت تبلیغی، تعرضی و سیاسی داشته و باید با توجه به عوامل یاد شده، برای سازماندهی و رشد آگاهی طبقه کارگر و توده ها بکار گرفته شود. به ویژه این شکل از مبارزه برای برگزاری جشن اول ماه مه، نقش اساسی را ایفا کرده و کمونیستها و انقلابیون با بدحتی الامکان از این تاکتیک مبارزات به بهترین وجهی استفاده نمایند.

آیت الله خمینی:

انقلاب نکردیم که

نظام بهم بخورد!!

زحمتکشان ما سالها مبارزه کردند تا رژیم سرمایه داری وابسته تا هلال را سرنگون سازند و با انهدام مسبب اصلی نابسا مانی ها و فقر و فلاکت شان، نظامی نوپا فریبند، اما انقلاب پیروزشد چرا که طبقه کارگر قهرمان، رهبری آن را در دست نداشت.

اما آیت الله خمینی در دیدار با "گروهی از خلبانان" (۲۵ فروردین ۶۰) خطاب به آنان میگوید: "همچو گمان نکنید که حالا که ما انقلاب کردیم باید نظام هم بهم بخورد، نه اینطور نباید باشد. انقلاب کردید لیکن این نظام از اول در اسلام بوده است و حالا هم باید باشد که با نظام مورانجا میگیرد."

(جمهوری اسلامی - ۲۶ فروردین ۶۰)

آری انقلاب از درجه دید آیت الله خمینی ورژیم جمهوری اسلامی، بالاتر است که مورد نظر خلقهای زحمتکش ایران بود (و میباید) زمین تا آسمان تفاوت دارد. زحمتکشان ما مینمانندیم که در شکست نظام استعمارگر کما کما بوده و هستند، اما "انقلاب" مورد نظر آیت الله خمینی نه تفسیر سیستم و در هم شکستن آن بلکه فقط به جابجایی در "بالا" - نشکستن و ادامه نظم سابق با روشی دیگر محدود میشود

با شنیدن صدای تازیانه فرار نمیکنند، برعکس آنها نزدیکتر می آیند و تازیانه دیگری - "ناظرین کنجکا و" "شورشگران" "فرقی قاشل" نمیشود... بدین وسیله ضربات تازیانه خدمت بزرگی بمان می کند. چون در اثر ضربات شلاق و تازیانه، گرایش به انقلاب در "ناظرین کنجکا و" تسریع میگردد. (همانجا) بدین ترتیب تظاهرات موفق میشود توده های بیشتری را به سوی انقلاب جلب نماید. بهمین خاطر است که رفیق بوگدان گشونیا نتواند در گزارش کمیته با کوبه کنگره دوم حزب سوسیال دموکرات روسیه

تظاهرات خیابانی با توجه به وضعیت قوای طبقاتی در جامعه سطح جنبش توده ای و... بعنوان یکی از اشکال عالی مبارزات مردم، خصلت تبلیغی، تعرضی و سیاسی داشته و باید با توجه به عوامل یاد شده، برای سازماندهی و رشد آگاهی طبقه کارگر و توده ها بکار گرفته شود.

میگوید که پس از تظاهرات تیراژ نشریه مرکزی حزب بطرز چشمگیری افزایش می یابد و توده های بیشتری از حزب استقبال میکنند.

بدین ترتیب توجه به چهار عنصر فوق، تظاهرات را از نظر جلب توده های بسوی انقلاب موفق میسازد.

دیدگاههای انحرافی

در قبالتظاهرات خیابانی

۱- دیدگاه راستروانه:

این دیدگاه با توجه به کمبهاشی (عدم بها) به پتانسیل جنبش توده ها و برخورد یکجانبه و ایده آلگستی به توده توده ها، تاکتیکی را اتخاذ میکند که میتواند به اشکال زیرتبارز باشد:

الف - با توجه به تقلیل سطح جنبش توده ای، اعتلا انقلابی و مبارزات سیاسی توده ها را نفی کرده و بجای استفاده از اشکال سیاسی و عالی مبارزات توده ها (تظاهرات خیابانی) و شعارهای هماهنگ با آن، اشکال عقب مانده و منفی - اقتصادی را عمده میکند و دیدگاه لیبرالیستی و انحلال طلبانه را نسبت به جنبش توده ها و انقلاب به نمایش میگذارد.

ب - این دیدگاه با توجه به برخورد یکجانبه و ایده آلگستی به نقش ذهنیت توده ها (عامل کل توهم)، به شرایط مادی مبارزه بها نمیدهد و بسا دنباله روی از توهم توده ها، مبنای تاکتیک خود را بر اساس توهم توده ها آغاز کرده، بسبب انفعال و پاسیویتی در مبارزه میشود و در نتیجه شکل عالی و سیاسی مبارزات مردم (تظاهرات خیابانی) را نفی میکند.

۲- دیدگاه چپروانه

این دیدگاه با عدم توجه به آرایش قوای طبقاتی در جامعه، ذهنیت خود را بجای آن در نظر گرفته و تاکتیکی را خود را جدا از شرایط مادی جامعه و وضعیت قوای طبقاتی اتخاذ میکند. این دیدگاه میتواند به اشکال زیرتبارز باشد:

الف - با درکی ذهنی و گمنا تیک نسبت به شکل

و با انضباط تظاهرات، گذشته از آنکه از میزان آسیب پذیری آن میکاهد، در ارائه یک آلتزناتیو انقلابی مورد اتکاء توده ها نیز نقش تبلیغی ایفا میکند. توده ها با دیدن تظاهرات منظمی که در مقابل یورش ارتجاع نیز انسجام خود را حفظ میکند، بیش از پیش به آلتزناتیو انقلابی و تشکیلات سازماندهی انقلابی گرایش می یابند. چ - شرکت کنندگان در تظاهرات، این عنصر تظاهرات بسیار مهم است. مشاهده جانمایی و دلآوری تظاهرات کنندگان در مقابل یورش ارتجاع

عظمت و استواری آرمان تظاهرات کنندگان را به وده ها نشان میدهد. مردم با تجربه سیاسی خود می بینند که چگونه کمونیستها بخاطر شعارها نشان بخون می غلظند. استواری شرکت کنندگان در تظاهرات، توده ها اعتماد به سازماندهی انقلابی می بخشد و در عوض هرگونه انفعال، توده ها را نسبت به ایمان تظاهرات کنندگان براه توده های اعتماد میسازد. بقول رفیق استالین: "کافی است فردی در طول یک تظاهرات به خیابان بیرون مبارزین شجاع را مشاهده کند و بیفهمد آنها به خاطر چه می جنگند، فریادهای آزادی طلبانه را بشنود که از همه میخوانند به مبارزه بپیوندند و به سرودهای هیجان آورگوش فراداده که سیستم موجود را محکوم کرده و تپا های اجتماعی ما را افشا میسازند." (حزب سوسیال - دموکرات روس و وظایف آن) بدین ترتیب استواری خود تظاهرات کنندگان را عاملی برای قیمت تظاهرات است.

د - ناظرین کنجکا و: بجز توده های شرکت کننده در تظاهرات، عمده زیادی نیز به قصد آشنایی با شعارها و هیئت تظاهرات کنندگان در اطراف تظاهرات گرد می آیند. (نمونه ۲۳ دی، نمونه سوبی است) تظاهرات موفق میشوند، با شنیدن ناظرین کنجکا و را به تظاهرات کنندگان آینه بدل سازد بقول استالین:

"امروزه در هر شهر بزرگ، دهها هزارا این قبیل ناظرین کنجکا وجود دارد. امروز آنها به صحنه اغتشاش و شورش هجوم آورده و میگردند. کنجکا وی نشان میدهند، آنها مشتاقانسه میخوانند بیفهمند چرا این اغتشاشات وسی نظمی - با وقوع می پیوندند چرا اینهمه مردم خود را در معرض ضربات تازیانه قرار میدهند. تحت این شرایط، دیگر ناظرین کنجکا و بسه صدای ضربات شلاق و شمشیر، با بی تفاوتی و بی اعتنائی گوش فرامیدهند. "ناظرین کنجکا و" مشاهده میکنند که تظاهرات کنندگان جهت بیان خواستها و تقاضاهای خود، در خیابانها اجتماع کرده اند و دولت با ضرب و جرح و سرکوب بیرحمانه با آنها مقابله میکند. "ناظرین کنجکا و" دیگر

بحران اقتصادی کشور و راه رفع آن

■ در حالیکه بنابه اعتراف سردمداران رژیم، بودجه دارای کسری معادل ۱۲۵۰ میلیارد می‌باشد، دود ناشی از بحران اقتصادی و هزینه‌های سرسام‌آور جنگ برچشم چه کسانی جز زحمتکشان می‌رود؟
رژیم حاکم به بخش خصوصی فقط در قسمت تجارت اجازه داده است که در سال ۵۹، ۱۲۰۰ میلیارد ریال سود ببرد. آیا این سود جزا زد سترنج زحمتکشان و از درآمد ناچیز توده‌های مزد بگیر تا مین شده است؟

خورچون اونست. توده‌های زحمتکش صادر ایندوسال خاکمیت جمهوری اسلامی بدون برخورد - داری از حق مسکن و بهداشت و حتی اولیه ترین نیازهای رفاهی در میان گرد و خاک وزیر چا در وحلی و در بدترین شرایط سر بریده و میبزند و تازه سحابی لیبرال پیشنهاد میکنند "طرحهای اعتبارات عمرانی و رفاهی که گشیا بند!" اما آیا برای رفع بحران موجود هیچ راه حلی وجود ندارد؟ جواب مثبت است.

همانطور که در بلا بیان شد، علت اصلی و اساسی وجود این بحرانها خاکمیت سرما به داری و بسته ورژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی است. تنها راه حل بحرانهای اقتصادی، درگرو و انقلاب توده‌های زحمتکش میباشند.

فقط با انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی به رهبری طبقه کارگر و سوسیالیست است که تمام باسما نیهای اجتماعی و از جمله بحرانهای کمرشکن اقتصادی ازین خواهند رفت فقط با بودن سرما به داری و بسته و از بین رفتن اقلیت استعمارگر سرما به داری و برقرار ی خاکمیت طبقه کارگراست که بطور قطع رتاه را برای زحمتکشان فراهم خواهد آورد. هر حرفی جزا بسن بوج و فریب است.

تصحیح و پوزش

در پیکار ۹۸ صفحه ۴: در "بیا مکتون مستقل معلمان تهران به معلمان جنگزده" متاسفانه بجای اصطلاح "جنگ مصیبت بار" "جنگ ارتجاعی و بجای "سیاستهای مسئولان امر"، کلمه رژیم آورده شده که بدین وسیله ضمن پوزش، تصحیح میشود.

در اعلامیه‌های اولیه سازمان تعداد در فقای شهید در تظاهرات اخیر ۳ نفر قید گردید در اینجا اعلام میکنیم تا بحال تعداد موشق شده اد و نفر میباشند.

تاجر... ۲۴

چنانچه با امپریالیست شوروی و با رژیمهای وابسته و نزدیک به آن مخالفت میکنند دقیقاً از زاویه منافع امپریالیستها و بخصوص با نکلیهای غارتگر است.

بدین ترتیب اگر "تاجر" این نماینده غارتگران انگلیس از هند دست خالی بر میگردد در عوض با دستا نی پر عیستان را ترک میکند!

ضروری بوده و فقط در اثر خاکمیت سرما به داری و بسته ورژیم ارتجاعی و ضد مردمی کنونی است که سوداگران به ورود آنها میبپردازند. برای نمونه گذشته از کالاهای تجملی و الکتریکی گران که تنها ثروتمندان امکان استفاده از آنها را دارند (نظیر یخچالهای ۱۰-۱۲ هزار تومانی) در میان کالاهای وارداتی، "بذرخبار"، "ما بون توالت"، "بلنغورزرت"، "خاکشیر" و... که از هلند آلمان و پاکستان وارد میشوند نیز چشم می‌خورند اینها دوسه نمونه کوچک از واردات کمرشکنی است که به "یمن" خاکمیت رژیم جمهوری اسلامی حافظ سرما به داری و بسته امکان ورود یافته - اند و بخاطر وجود چنین رژیمی، این کالاهای قیمت - های چندین برابر به دست مصرف کننده می‌رسند و منافع حاصل از این چپاول به جیب همپالگهای مهندس سحابی سرازیر میشود.

سحابی اعتراف میکند که "سال گذشته ۱۱ میلیارد دلار از اعتبار ربه بخش خصوصی داده شده است و بخش تجارت چیزی در حدود ۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۵۹ سود برده است". ولی این ۱۱ میلیارد دلار از چهره رژیمی و از برکت خاکمیت کد امیستم به بخش خصوصی یعنی سرما به داران، اعتبار داده است در واقع این رژیم جمهوری اسلامی است که بد بخش خصوصی فقط قسمت تجارت اجازه داده است که در سال ۵۹، ۱۲۰۰ میلیارد ریال سود ببرد آیا چه کسی جز سرمایه داری ورژیم حافظ آن اجازه چنین چپاولی را به سرمایه داران و "تجار محترم" داده است؟ آیا این سود جزا زد سترنج زحمتکشان و از درآمد ناچیز توده‌های مزد بگیر تا مین شده است؟

البته بد نیست به راه‌های علاجی که مهندس سحابی مرتجع برای مقابله با کسری بودجه و وضع وخیم اقتصادی می‌دهد توجه کنیم. او علاوه بر پیشنهاد "دولتی کردن چند کالایون آهن آلات، پارچه کاغذ و..." از جمله پیشنهاد میکند که "طرحهای اعتبارات عمرانی و رفاهی که گشیا بند" اضافه میکند "ما باید به سراغ کارهای ماندنی برویم که تولیدی است. ساختن مدرسه که معلم آن معلوم نیست یا حتماً ساختن برای روستاها کار خوبی است اما چه بهتر که جها دسا زندگی کوشش خود را صرف کارهای تولیدی بکند"

این لیبرال خائن تعداد محدودی که "جها دسا زندگی" برای تبلیغ عوام فریبانه در اینجا و آنجا ساخته را نادرست میدانند چرا که در خدمت "تولید" و افزایش سود سرما به داران مفت

در جلسه روز ۱۷ فروردین مجلس شورای اسلامی در بحث در مورد "بودجه دولت"، مهندس سحابی لیبرال در یک سخنرانی ضمن اشاره به ناسامانی - های اقتصادی و وضع وخیم و بحرانهای آن، راه - حلها را نیز ارائه داد. با مروری کوتاه در این سخنرانی که فقط به گوشه‌های بسیار ناچیز از واقع اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی اعتراف شده، به راه‌های این لیبرال خائن نیز نظر - سری می‌اندازیم. (متن سخنرانی در انقلاب اسلامی ۱۸ فروردین ۶۰ به چاپ رسیده است)

سحابی میگوید "بحران اقتصادی اثریهای است که از رژیم سابق برای دولت بعد از انقلاب بجای مانده است" ولی او بعد نمیگوید که آن "بحران اقتصادی" از آسمان نازل نشده بود بلکه بحران بود از آنجا که سیستم سرما به داری و بخاطر خاکمیت بورژوازی در طول سالهای طولانی و در ارتباط مستقیم با بحرانهای اقتصادی کشورهای امپریالیستی تداوم و شدت یافته بود. او بنا به منافع طبقاتی ارتجاعی نمیخواهد و نمی‌تواند بگوید که پس از سقوط رژیم وابسته شاه جلاد، علیرغم ضربات کوبنده و آسیب‌فراوانی که توده‌های زحمتکش و انقلابی بر سرما به داری و بسته ایران وارد آوردند ولی با خاکمیت جمهوری اسلامی سیستم پیشین کاملاً حفظ شد و سردمداران رژیم جدید با سرعت فراوان به بازسازی، ترمیم و حفظ و توسعه آن پرداختند و در نتیجه نه تنها بحران اقتصادی کمرشکن جا معاً زمین ترفند بلکه شدت هم یافت. مهندس سحابی با اشاره به جنگ و قطع و نا مرتب شدن صدور نفت میگوید:

"... ما در حقیقت بدون احتساب درآمد نفت کسری بودجه‌ای ۱۲۵۰ میلیارد ریال داشته ایم و این خیلی فاجعه است". این کسری بودجه در حالی است که هزاران کارگر و کارمند از کارخانه‌ها، ادارات و موسسات دولتی اخراج شده‌اند، حقوق دهها هزار آواره جنگ قطع شده است.

اما اگر دستمزد کارگران و حقوق کارمندان قطع شده در عوض سرما به داران و سران رژیم به چپاول خود ادامه میدهند و جنگ ارتجاعی برپا شده که رژیم جمهوری اسلامی یکی از بانیا نشین میباشند و بخاطر این جنگ میلیاردها تومان هزینه صرف شده است، فقط یک قلم از طریق هاشمی رفتن سحابی مرتجع ۲۰۰ میلیون تومان برای خرید اسلحه از خارج شده است...

به اعتراف سحابی، هزینه واردات ۳۰ درصد افزایش یافته است. ما در شماره‌های پیشین نشان دادیم که طبق آمار خود رژیم جمهوری اسلامی واردات از کشورهای امپریالیستی و بورژوازی - رویزیونیستی بمیزان زیادی افزایش یافته که هزینه واردات را با دیدن آن افزود و اینهم از نتایج اولیه ادامه و حفظ سرما به داری وابسته است که کشور در تمام زمینه‌ها نیاز به خرید از کشورهای امپریالیستی و سرما به داری دارد. نیازی که در حال افزایش بیسابقه‌ای است نگاه‌های به فهرست کالاهای وارداتی (که بیان ۲۸ اسفند ۵۹) نشان میدهد که اکثر آنها کالاهای وارداتی غیر

دموکراتیسم بورژوازی در جوامع تحت سلطه امپریالیسم:

حضور امپریالیسم در کشورهای تحت سلطه تا شیرات خود را بر موقعیت اقتصاد - اجتماعی این جوامع وصف بندی طبقات در عرصه مبارزه طبقاتی باقی میگذارد. در این مبحث ما به چونگی این تا شیر در رابطه با طبقه بورژوازی اینگونه جوامع می پردازیم.

نقش بورژوازی در اینگونه کشورها (و از جمله کشورها) مستقیما به شیوه تولید مسلط در جامعه بازمیگردد. در جوامع (نیمه فئودال - نیمه مستعمره) که در واقع شیوه تولید فئودالی بر اقتصاد جامعه مسلط است، بخشی از بورژوازی ملی، بویژه بخش صنعتی آن، از آنجا که خواهان نابودی فئودالیسم می باشد، علیه مفاخر زشکاری ذاتی آن که از زیوندهای ناگسستی بورژوازی در سراسر جهان و وحشت بورژوازی از طبقات کارگر و زحمتکش ناشی میگردد، در نبرد بر علیه فئودالیسم دارای تمایلات مترقی می باشد و از این رو بورژوازی در این کشورها، با آنکه کمالات آموخته توافقی و سازش با بورژوازی امپریالیستی بر علیه طبقه کارگر و زحمتکش است، اما در مقطعی از مبارزه، در کنار کارگران و زحمت - کشان قرار میگیرد.

در جوامع سرمایه داری وابسته، نظریه کشورها بورژوازی چه نقشی ایفا می کند؟

در (سرمایه داری وابسته) از آنجا که امپریالیسم، به تمامی در اقتصاد کشور ریشه نده است و قانون مافوق سود امپریالیستی نیز اقتصاد این جوامع حکومت میکند، در نتیجه تولید و با تولید سرمایه در درجه راجوب این قانون انجام میگیرد. در واقع کل طبقه زواری در چنین اقتصاد، در درجه راجوب سبب سرمایه داری به غارت و چپاول کارگران و کسب سود می پردازد. نتیجتا تمامی اقشار مختلف بورژوازی به امپریالیسم وابسته اند. به همین دلیل است که بهیچ رودر چنین جوامعی از سرمایه ملی و بورژوازی ملی و مستقل و ضد امپریالیست سخنی نمیتوان ندر میان نباشد. (۱)

حاکمیت قانون مافوق سود امپریالیستی بر اقتصاد این جوامع، ایجاب مینماید که دیکتاتوری خشن و لجامگسیخته تنها روبنمای متنا سبب چنین زیربنایی گردد. ما شیون دولتی (بوروکراتیک - نظامی) ارتجاعی، ابزار تحمیل ستم امپریالیستی در اینگونه جوامع است. تنها در شرایط وجود چنین دیکتاتوری است که (سرمایه داری وابسته)

۱- در این زمینه رجوع شود به پیکار رتئوریست شماره ۲ (در نقد مقوله نظام وابسته)

مقاله آموزشی بحثی پیرامون دموکراسی (۴)

کا ملا کنا رنبا ده شود. . . . (۴) و بنا بر این "بورژوازی کوچکترین اشتیاقی به انتقال قدرت دولتی به مردم ندارد. با آنکه برای ظاهرا سی شیفته گفتا در باره انتقال قدرت به مردم است، اما تنها خواهان تقسیم قدرت است" (۵) هنگامی که علیه غم ترس و لژ فئودالیسم لیبرالها و با وجود تمام دست و پا زدنهای این خائنین، جنبش توده ها اوج گرفت و با به های سلطنت و بسته به امپریالیسم را درهم کوبید، بورژوا لیبرالها که از مدتها پیش زمینه سازی با رهبری خرده بورژوازی جنبش را فراهم کرده بودند، به دست و پا افتادند که تا آنجا که ممکن است مناسبات قدیمی را حفظ نمایند و توده های زحمتکش را از درهم شکستن ارگانهای سرکوبگر نظام سرمایه داری بر خرد ندارند. این بود معنای نغمه های بازسازی و تقویت ارتش و گسترش بورکراسی که تمامی دوران پس از قیام بر زبان بورژوا لیبرالهای ارتجاعی جاری بوده است.

امروز، بورژوا لیبرالها برای چه مبارزه میکنند؟ ستیز کنونی لیبرالها با حزب جمهوری اسلامی که امروز نقش اساسی را در هیئت حاکمه داراست، جدا از مابقی طبقاتی و دوطرف نزاع نیست و نمیتواند باشد.

بورژوازی لیبرال، خواهان آن است که دموکراسی برای کل طبقه بورژوازی ایران تامین گردد و با به زبان دیگر دیکتاتوری کل طبقه بورژوازی برگزیده توده زحمتکش برقرار شود. به همین دلیل است که وقیحا نه از منافع سرمایه داران بزرگ فراری نیز دفاع میکنند! و برای داغان شدن آنان اشک میریزد.

اما جناح حزب که نمایانندگی بخشی از بورژوازی ایران را بعهده دارد، خواهان اعمال سلطه و دیکتاتوری (بخش خود) است و در دنیا له چنین تضادی است که نزاع آغاز شده.

اسلحه بورژوا لیبرالهای مکار در این جنگ فدخلقی، (لیبرالیسم) است. بورژوا لیبرالها در پشت نقاب "آزادیخواهی" سپر گرفته اند و سردمدار مبارزه با "انحصار زطلیبی حزب حاکم" گشته اند (دمکرات ناشی). حربه اساسی لیبرالها برای پیروزی بر جناح حزب، در این جنگ قدرت

۴- درباره جنبش مستقل کارگری در پیکار دمکراتیک - لنین مقاله (وظایف دمکراتیک پرولتاریای انقلابی)

۵- بورژوا لیبرالهای ما چه میخواهند و چه میگویند - لنین

میتوانند او را موقعا پیدا کنند. در چنین شرایطی، منافع کل طبقه بورژوازی در ایران که مشروط به ادا مبروند استثنای در درجه راجوب مناسبات سرمایه داری است، مستقیما با وجود و بقای دیکتاتوری بوروکراتیک ارتجاعی وابسته میبندد. در واقع بورژوازی ایران ایجاب میکند که این مناسبات باقی بماند و دعوی میان اقلیت بورژوازی، در حقیقت جز نزاع بر سر (دیکتاتوری کل طبقه) و (دیکتاتوری بخشی از طبقه) نباشد. این است واقعیتی که سیاست بورژوا لیبرالها "رادرا ما مع ما توضیح میدهد. بررسی احتمالی سیاست بورژوازی لیبرال ماب ما در مقطع قبل از قیام و پس از قیام مبهم، این مسئله را کاملا روشن میسازد.

سیاستهای "بورژوا لیبرالها" چه هدفی را دنبال میکنند؟

در دوران قبل از قیام، بورژوازی لیبرال ایران که چهره های شناخته شده آن، نظامی سرنجاسی ها و بارزگانها بودند، در واقع جز در پی تامین دموکراسی برای کل طبقه سرمایه دار نبودند. در دنیا له چنین خواست و هدفی، "لیبرالها" یا دیکتاتوری باندها به مخالفت می نمودند.

"لیبرالها" چه میگفتند و چه میخواهند؟ "شاه با بد سلطنت کند، نه حکومت" با این ترتیب نه مخالفت با سلطنت و نه مخالفت با سرمایه داری در میان نبود، بلکه برگردان سخن لیبرالها به زبان اصلی چیزی جز این نمی شد: ما هم شریک! تنها چیزی که آنان میخواهند، این بود که اختیارات شاه قدری کاهش یابد، بشرطی که این اختیارات به آنان یعنی بورژوا لیبرالها تعلق بگیرد. در پی چنین سیاستی بود که آنان تا آنجا که میتوانستند کوشش میکردند که چریسان انقلاب را در درجه راجوب قانون اساسی شاهنشاهی به بند بکشند و آنهمه از گسترش امواج انقلاب توده های زحمتکش وحشت داشتند. بورژوا لیبرالها میخواستند که طوفان انقلاب کتشیسی بوسیده سرمایه داری وابسته را درهم بشکنند و تکلیف (سودهای) کلان آنان را هم بیکسره کنند.

این ترس و وحشت طبقاتی کاملا طبیعی است چرا که: "بورژوازی می ترسد که در مبارزه، دارا ایش که ورا به نظام موجود (یعنی سرمایه داری) میبوند میزند، از دست برود. میترسد کارگران در فعالیتهای انقلابی خویش به انقلاب سوسیالیستی میل نمایند. میترسد دستگاه دولتی و بوروکراسی که منافعی با همزبان قید و بند به منافع طبقات دارا متصل است،

است. اما فریادهای آزادیخواهی لیبرالها چیزی جز ظنن آوای شوم سرما به داری نیست که حریم نه منافع "خود" را طلب میکنند. منافع بیشتر سودهای شرشارتر، بقیمت خون میلیونها کارگرو زحمتکش که زیر بارستم و استثمای سرمایه - داری وابسته کمر خورده اند و خونشان در شیشه میشود.

همچنانکه نعره های "فدالیبرالی" و "مسد" امپریالیستی "حزبیه" جز انکس فریاد سرمایه - داران سلطه طلبی نیست که میکوشند - "استثمار" را در زورق (مذهب و شرع) بیچند و دیکتاتور طبقه ای خود را در پوش (حاکمیت مستضعفین) جا بزنند.

معنای آزادیخواهی بورژوا لیبرالها

اندکی دقت در عملکردهای بورژوا لیبرالها در جنگ قدرتی که هم اکنون میان بخش های مختلف بورژوازی در هیئت حاکمه جریسان دارد، دروغ و فریب لیبرالیسم ضده مکرما تیک بورژوازی را آشکار میماید.

هم اکنون، در شرایطی که کارگران و زحمتکشان از جنگ ارتجاعی به تنگ آمده اند و روز به روز بیشتر به ما هیئت ضد خلقی هیئت حاکمه آگسسه میگردد، لیبرالهای خائن که خود را آغاز زدر اقدامات فدمردمی حکومت کمالاسیم بوده اند با عوام فریبی بیشتر مانع از مخالفت خوانی را آغاز کرده اند و با صلاح از "درستیز" با حکومت در آمده اند!

همچنانکه گفتیم کجانب این جنگ قدرت ارتجاعی، حزب مرتجع جمهوری اسلامی است که با پنهان شدن در زیر نقاب شرع و مذهب و بسا بدست گرفتن بخش عمده اهرمهای قدرت در صدد پیاپی کردن برنامهای سرما به داری را نه خویش است و هر روز با درندگی بیشتری به سرکوب انقلاب میبرد. جانب دیگر لیبرالهای ریاکار و مرتجع هستند که در دفاع از منافع کل بورژوازی ایران به مخالفت با سیاستهای بخششی از بورژوازی پرداخته اند و برای حفظ و گسترش منافع ارتجاعی خود بر گرد (بنی صدر) این نماینده عاقل و آگاه بورژوازی، این اپوزیسیون "مسئولیتدار" جمع شده اند و به توطئه چینی بر علیه انقلاب کارگران و زحمتکشان مشغولند. بورژوا لیبرالهای مکار و فریاد میزنند: در دیپلماتی و مطبوعات ما سوراخ برقرار است! منطبق پیشا ز دستور نمایندگان ما، بخش نمیشود به رئیس جمهور و همین وحمله میشود. آزادی از دست رفته است.

لیبرالها شاعر میدهند: آزادی مقدس است چماقداری محکوم است.

اما آیا این حیلگران هیچگاه به سرکوب و حشیا نه خلق کرده اند؟
آیا آنها هیچگاه به سرکوب و حشیا نه کارگران

زحمتکشان بیکار، دکدهاران، صدان، دانش - آموزان و دانشجویان، معلمین و... اعتراض کرده اند؟

آیا آنها هیچگاه خواهان حق آزادی بیسان و اجتماعات برای نیروهای انقلابی شده اند؟
آیا لیبرالها هیچگاه به سرکوب و حشیا نه نیروهای انقلابی و کمونیست، به اعمال خفکان آشکار و بر کمونیستها و انقلابیون اعتراض کرده - اند؟

آیا لیبرالها هیچگاه آزادی اعتماد بخشی گفته اند؟

لیبرالها در طرف اعدامها و اکیها و قدرت - مندان رژیم شاه جیغ و داد برآوردند و میاندازند

اختلاف آنان است. بورژوا لیبرالها خواهان آن هستند که (با پنبه سر بریده شود) و حزبی ها از سرکوب آشکار و علنی حمایت میکنند. بورژوا لیبرالها از آزادی و "مکرما سی" سخن میگویند. اما در حقیقت خواهان چیزی جز آزادی تمام سرمایهداران برای چپاول و غارت بیشتر نیستند. آنها بیشتر مانع در پشت شعارهای زحمتکشان سنگر گرفته اند تا نقش غالب و اساسی در قدرت سیاسی بیا بند. آنان میخواهند به قدرت کامل برسند تا هر چه بهتر و بیشتر توده رنجبران را غارت کنند مبارزات زحمتکشان را سرکوب نمایند و سیستم سرمایهداری وابسته را با زسازی و احیا کنند. لیبرالها "آزادیخواه" نیستند، بلکه سرکوب

لیبرالها در طرف اعدامها و اکیها و قدرت - مندان رژیم شاه جیغ و داد برآوردند و میاندازند
اما آیا لیبرالها به اعدام و ترور گسترده و حشیا نه کمونیستها و انقلابیون هیچ اعتراض نموده اند؟

و بدین وسیله از منافع برداران طبقه خود دفاع میکنند.

اما آیا لیبرالها به اعدام و ترور گسترده و حشیا نه کمونیستها و انقلابیون هیچ اعتراض نموده اند؟

لیبرالها آه و ناله میکنند: "به ما در مجلس حق حرف زدن نمیدهند!"

اما آیا آنها هیچگاه مانع از واقعی مجلس را نزد توده ها افشا نموده اند؟

آیا آنها هیچگاه به مردم گفته اند که چنین مجلس تشریفاتی، املاکاران حاکمیت مردم نیست؟

لیبرالها سوز و گدازها میاندازند: روحیه نیروهای مسلح ارتش را خراب نکنید، فرماندهان ارتش را تقویت کنید!

اما آیا بورژوا لیبرالهای ما هیچگاه خواهان مسلح نمودن مردم، مسلح نمودن کارگران و زحمتکشان شده اند؟

لیبرالها تبلیغات برآوردند: وضع اقتصادی مملکت خراب است، اینها لیاقت اداره اقتصاد را ندارند!

اما آیا لیبرالها هیچگاه به سیستم سرما به - داری که ما در همه بحرانهای اقتصادی و فقر و فلاکت توده ها است، حمله نموده اند؟

آیا آنها هیچگاه به ریشه های فقر میلیونها کارگرو دهقان، میلیونها بیگانه رهنبان و آشکار برداخته اند؟!

پاسخ صریح تمامی این پرسشها منفی است. هر کارگرو زحمتکش آگاه به این سوالات پاسخ منفی میدهد. بورژوا لیبرالها هیچگاه به این مسائل پاسخ نمیدهند و نمیتوانند بدهند. چرا که لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی هر دو در یک هدف با یکدیگر وحدت دارند: سرکوب انقلاب کارگران و زحمتکشان و با زسازی سیستم سرما به داری، چرا که این انقلاب منافع هر دو آنان را نابود خواهد ساخت. این تنها روش سرکوب است که مسدود

گرانی هستند که نقاب دمکراتیزم به چهره زده اند بقول لنین: "یک لیبرال را بخراش تا در زیر پوست آن یک گروهیان پلیس در بونیفرم - ببینی" (۶)

بورژوا لیبرالها، با زرگانها و بنی صدرها با اعمالشان بارها به ما نشان داده اند که تمام وعده و وعیدها و شعارها نشان چیزی جز فریب و دروغ نیستند. زیرا امروز آن را میگویند و فردا آنرا زیر پا میگذارند. همانگونه که با زرگان بورژوا لیبرال در دوران زمام داریش خود به سرکوب آزادیها فرمان میداد و خود ما نندساران ارتجاعی حزب جمهوری، آزادی خواهان واقعی یعنی انقلابیون و کمونیستها را توطئه چین لقب میداد. همانگونه که بنی صدر خود در سرکوب کرد، فعلا لانه شرکت داشت و بر سرکوب دانشگاه مهرتاشید و دو خلق کرد و دانشجویان انقلابی را بسبک آیت الله خمینی و حزبیه "شیا طین" نام داد.

بورژوا لیبرالها شامه تیزی دارند. آنها بسیار خطرناک در هوا بومیکشند. هم اکنون شامه طبقه ای - شان بوی سهمگین انقلاب توده را حس کرده است. پس، هر چه سریعتر دست بکار شده اند. مخالفت خود را شدت بخشیده اند و علنی تر نموده اند. آنها که تا چند ماه پیش سخن از "وحدت" و "سکوت بخاطر امام" میگفتند، اکنون این حرفها را کنار گذاشته اند و آشکارا به حمله میزنند. آنها به این طریق میکوشند تا توده کارگرو زحمتکش را که از حزب روی برگردانیده اند بطرف خود بکشند و با دیگر برآموچ انقلاب رنجبران سوار شده و کشتی شکسته و در حال غرق خود را به ساحل نجات برسانند.

لیبرالها تلاش میکنند که دروغهای هیجان

(۶) - دوا تویی - لنین



عمومی که از اوج گیری ناراضی‌های مردم از حکومت پدید آمده است، کارگران و زحمتکشان را با استفاده از شعارهای خود آنها فریب دهند. تا انقلاب دمکراتیک و فدا میریای لیستی را به کجراه برده و سرمایه‌داری و وابسته‌ها را نجات دهند.

لب کلام لیبرالها را بنی صدر، این روباه حیل‌گر میگوید: "هدف من نجات جمهوری است" آری هدف لیبرالها نجات سیستم سرمایه‌داری و وابسته است که هم‌اکنون جمهوری اسلامی پاسدار آن است و هر جمهوری دیگری نیز که لیبرالها بر سر آن با شنده جزا بین نخواهد بود.

لیبرالها و حزب جمهوری در این جنگ قدرت میکوشند هر یک بیشتر توده را به طرف خود بکشند حزب جمهوری چهره "فدا ستعاری و استثماری" بخود میگیرد ولیبرالها چهره "آزادخواه" اما هردوی آنان میخواهند توده رنجبر را نزدیکان ترقی دقتار دهند. بهمین دلیل است که آنان از رشد فعالیت مستقل انقلابی، ابتکار و انرژی مردم یعنی کارگران، دهقانان، کسبه، معلمان، کارمندان و... را بقدر وحشت دارند. حزب جمهوری و بنی صدر از "حضور مردم در صحنه" صحبت میکنند اما منظور حزبها حضور مردم در صحنه برای کوییدن رقیب است و منظور لیبرالها نیز جز این نیست. بنی صدر بدش نمیآید از مردم دعوت کند تا گوشمالی کوچکی به حزب جمهوری بدهند. اما ارشاد بتکار و فعلاً لیبت مستقل و انقلابی مردم، تا همینجا کافی است! همین که این رشد و فعالیت انقلابی تا به آنجا برسد که از چها رجوب منافع آنان پای فراتر گذازد و حاکمیت آنها را تهدید نماید هنگامی که کار به آنجا برسد که توده ها بخوانند ابتکار و انرژی انقلابی خود را در ارگان های انقلابی، مجسم کنند نگاه، خط نزدیک میشود، آنوقت عروسيله، باکک، نیروهای مسلح، به همراه رقیب خود حزب جمهوری اسلامی، دست در دست به سرکوب این

فعالیت مستقل و انقلابی توده میپردازند. شوراها و اتحادیه‌ها را به خون میکشند. کارگران زحمتکشان و انقلابیون را وحشیانه سرکوب میکنند و ثابت مینمایند که بورژوازی تا سرحد مرگ از جنبش توده‌ها میترسد و برای خفه کردن آن بهر جنایتی دست میزند و نشان میدهد که:

"سرچشمه آن رشته‌ی انتهای دوپهلوشی دروغ، تزویر و ریاکاری‌های حیوانانهای که در تمام سیاست لیبرالها دیده میشود از اینجا است آنها مجبورند برای دمکراتیسیمرا پیشه خود کنند تا توده‌ها را به سوی خود جلب کنند، و حال آنکه کاملاً ضد دمکراتیسیم است و کاملاً با جنبش توده‌ها، با ابداع آنها با ابتکار آنها... خصومت دارند"

نتیجه‌گیری می‌کنیم:

- ۱- شیوه تولیدی حاکم بر اقتصاد ایران سرمایه‌داری است. کل طبقه بورژوازی کشور ما در چها رجوب سیستم سرمایه‌داری و وابسته سرمایه‌داری لیبرالها استثماری و استثماری است. بنا بر این بورژوازی ملی، مترقی و دمکرات در کشور ما نمیتواند وجود داشته باشد.
- ۲- بر اساس حاکمیت مافوق سواد انحصاری در اقتصاد سرمایه‌داری و وابسته، دوام سیستم سرمایه‌داری و وابسته در کشور ما بطور اجتناب‌ناپذیر است.
- ۳- بورژوازی ملی، مترقی و دمکرات در کشور ما نمیتواند وجود داشته باشد.
- ۴- بر اساس حاکمیت مافوق سواد انحصاری در اقتصاد سرمایه‌داری و وابسته، دوام سیستم سرمایه‌داری و وابسته در کشور ما بطور اجتناب‌ناپذیر است.
- ۵- مبارزه برای "دمکراسی" از مبارزه بر علیه امپریالیسم که سلطه آن استقرا رخن ترین دیکتاتوری و محور گونه دمکراسی را اجتناب‌ناپذیر میسازد، جدا نیست. و مبارزه بر علیه

امپریالیسم از مبارزه با سیستم سرمایه‌داری و وابسته که جایگاه امپریالیسم در کشور ما است جدا نیست و نمیتوانند جدا باشد.
* - کارگران و زحمتکشان ایران در نبرد علیه سیستم سرمایه‌داری و وابسته و در راه پیروزی انقلاب دمکراتیک و فدا میریای لیستی خود، با کلیه اقشار مختلف بورژوازی رودر رو هستند هیچگونه منافع مشترکی در این مبارزه ما بین کارگران و زحمتکشان با هیچ قشری از سرمایه‌داران وجود ندارد.

به این سوالات پاسخ دهید:

- ۱- دمکراتیسیم بورژوازی را در مراحل مختلف تاریخی توضیح دهید. (دوران مبارزه بر علیه فئودالیسم دوران رقابت آزاد استقرا رستگاری سرمایه‌داری، دوران امپریالیسم)
- ۲- تفاوت جمهوری دمکراتیک بورژوازی را در عصر رقابت آزاد سرمایه‌داری و عصر امپریالیسم بیان کنید
- ۳- مختصات عمومی "دمکراسی بورژوازی" کدام است؟
- ۴- آیا بورژوازی همواره به شکل "دمکراتیک" خود را برقرار مینماید؟ چرا؟
- ۵- توضیح دهید که مختصات دستگاه دولتی جمهوری اسلامی چیست؟
- ۶- اهداف اساسی سیاستهای بورژوازی لیبرالها در جامعه ما کدام است؟
- ۷- جنگ میان جناحهای حزب جمهوری و لیبرالها از چه ماهیتی برخوردار است. مضمون آن چیست؟
- ۸- چرا در کشورهای سرمایه‌داری وابسته، جمهوری دمکراتیک بورژوازی نمیتواند برقرار گردد؟ از این مسئله چه نتیجه‌ای در رابطه با انقلاب فدا میریای لیستی در این جوامع بدست میآید. (این مسئله را در ارتباط با نقش بورژوازی در این کشورها و رابطه میان مبارزات دمکراتیک و فدا میریای لیستی بحث نمائید).

شکجه

تادیه قانون اساسی ارتجاعی خیرگان، میگوید که برای کسب اطلاع با "اقرار" شکجه وجود نداشته است. شکجه‌های وحشیانه‌ای را که زندانیان با جلاد به رفقای شهیدبیکار رگرمناز معتمدی، محمود صمدی، فدائی شهیدجها نگیر قلعه میانند و آب، رفیق تقی شهراموده‌ها کمونیست و انقلابی دیگر وارد آوردند تا زکینه و دشمنی طبعاتی این خوک مفتان بلکه "آزار" شخصی بوده و شاد بدم "محض شوخی" بوده است که در زندان قزل حصار کرج، پاسداری با پوسین بمیان باهای یک کارگر که در وقت دستگیر شده بود میگوید! "از دید" هیئت بررسی شایعه شکجه" نجات و زهد دختران انقلابی و حتی پسران کمونیست و انقلابی که نمونه‌های فراوان آنرا در مورد ایران کرد و... در شماره‌های پیشین شمرده‌ایم شکجه نیست! محمد منتظری مرتجع میگوید: (انقلاب اسلامی ۳۰ فروردین) "درجایی تجاوز به یک جوان را و آنهم بعنوان اولین نمونه از شکجه

نام میبردند که هیچ ربطی به شکجه ندارند بلکه مربوط به انحراف جنسی و فساد است "آری این مرتجعین با وقاحت تمام آمار داده اند هر چیزی را تفسیر نمایند. این چگونه رژیم است که دادم از اخلاق و عصمت و طهارت میزند و لسی زندانیان نشان این چنین غرق در فساد و انحراف هستند. آیا این مرتجعین خود میفهمند که چه میگویند؟ شرم بر آنان باد!

سوزاندن با زوی انقلابیون از دید جمهوری اسلامی شکجه نیست! باره کردن شکم یک کمونیست بیکار رگرم در شیراز شکجه نیست! خورد کردن دندانهای یک کمونیست بیکار رگرم در زندان "سياه" شیراز شکجه نیست! از دید هیئت بررسی شایعه شکجه که بطور کاملاً تشریفاتی و برای خالی نبودن عریضه لحظاتی چند زندان قزل حصار دیدن کردند (ورفتند که دوباره برگردند!) دیدن آثار ضربات شلاق و شکجه بر روی مبارزین قهرمان کرد و با یک کارگر بنا و... دلیل شکجه نیست!



"تاجر" دست خالی از هند میروند دست پر از عربستان برمیگردند

در هفته گذشته سفر "تاجر" نخست وزیر - محافظه کار انگلستان به هند با یک نایب موفقیت آمیز در این مسافرت در پی آن بود تا هند را ایندیرا گاندی را به سیاستهای امپریالیسم غرب نزدیک گرداند، اما نتایج گفتگوها میان "تاجر" و ایندیرا گاندی حکایت از آن میکرد که دولت ارتجاعی هند همچنان بر سیاست نزدیکی خود به سوسیال امپریالیسم شوروی پا میگذارد. در هند اگرچه امپریالیستهای امریکایی و اروپایی دارای سرمایه گذاری گسترده ای میباشند، لیکن با ابداع آن نمود که امپریالیسم روسیه نه تنها در هند زحایط اقتصادی و مالی دارای نفوذ گسترده ای میباشند، بلکه همچنین در زمینه سیاسی از حمایت و پشتیبانی وسیع دولت مرتجع ایندیرا گاندی برخوردار است. "تاجر" نماینده امپریالیسم انگلیس به مثابه متحد نزدیک امپریالیسم امریکایی در آن بود تا در مورد اوضاع افغانستان و خلیج فارس و اقیانوس هند نظر دولت ایندیرا گاندی را به سیاست امریکایی نزدیک گرداند، به علاوه خیسرا بدنبال تصمیم امریکایی بردادن سلاحهای جدید از نوع جنگنده های مدرن و "اف-۱۶" به پاکستان دولت هندوستان شدد با اعتراض نموده و این اقدام را علیه خود تلقی کرده است. "تاجر" گوش داشت تا هند را متقاعد کند که سلاحهای جدید امریکایی آن کشور را تهدید نمی کند و در ضمن سعی می نمود موافقت هند در محکوم نمودن تجاوز شوروی به افغانستان و تشکیل نیروی واکنش سریع در خلیج فارس را بدست آورد، اما ایندیرا گاندی نماینده سرمایه داری هند با تمام این موارد مخالفت کرده و کماکان سیاست نزدیکی به امپریالیسم روس را مسورد تا شید دوباره قرار میدهد. بدین ترتیب عملاً سفر "تاجر" به شکست رسیده و ریزش سیاستهای مسکو بیروزی جدیدی بدست می آورند.

البته نوکران امپریالیسم شوروی مانند حزب توده سعی میکنند این امر را نتیجه - ما هیت "مترقی" دولت ارتجاعی ایندیرا گاندی نشان دهند. آنها میگویند این مخالفت بیانگر آنست که دولت هند "سیاست خارجی فدا میریالیستی و استقلال طلبانه" داشته (مردم - ۶۰/۱/۲۹) و هند کشوری است که "بیکبیرانه در راه صلح و استقلال تمام خلقها مبارزه میکند" (مردم - ۶۰/۱/۳۱) اما مشاهده می شود که خائنه هرگز نمی تواند ما هیت بورژوازی و ارتجاعی سیستم حاکم و دولتی ایندیرا گاندی را بیپوشاند، دولت گاندی نماینده سرمایه داران و زمین داران بزرگ هند بوده و دشمن طبقاتی کارگران و دهقانان به



شمار می آید. رژیم هند با رها نمودن فدا نقلی خود را نسبت به زحمتکاران هندوستان به نمایش گذاشته است. همین چندین بیش ده هزار تن از کشتاورزان توتون کار برای افزایش قیمت محصولات خود به راهپیمایی و تظاهرات دست زدند و پلیس فاشیست هند به دستور ایندیرا گاندی ۵ نفر از کشتاورزان را کشته، ۴۰۰۰ نفر از آنان را زخمی نموده و صدها نفر از آنان را دستگیر کرد. در حال حاضر در هند ۴۲۰ میلیون بیسواد وجود دارد. ۷۰ میلیون نفر بیکار و در حالیکه اقلیتی استعمارگر از غارت و استثمار مردم غریبه میشوند، صدها میلیون نفر در فقر و فلاکت سیاه و بیسابقه ای قرار دارند. واقعاً عامل این ستم و استثمار طبقاتی چیست؟ آیا طبقه حاکم و رژیم مدافع آن او را مورد دولت جناحیتکار ایندیرا گاندی، عامل دیگری میتوان پیدا کرد؟ نه و هرگز نه! ریزش سیاستهای خادمین جلادان خلقها هستند و به همین خاطر حزب توده دروغ میگوید و در روزگاری خود را نسبت به بورژوازی به نمایش می گذارد. البته منافع دیگری نیز وجود دارد که ریزش سیاستهای وطنی را به مشاهده میگردانند. به دولت هند و امپریالیسم روس های امپریالیست میباشند.

در حال حاضر بخش مهمی از اقتصاد سرمایه داری هند تحت کنترل و نفوذ روسهاست، بنحوی که ۸۰٪ تولیدات ماشین، ۶۰٪ تا سیات برق، ۲۵٪ با لایش نفت، ۳۰٪ صنایع فولاد، ۲۰٪ انرژی برقی در کنترل جهان خواران روسی است (آما را از "آلبانی امروز" - مه - ژوئن ۱۹۷۴) شوروی در بیش از ۷۰٪ کارخانه و موسسه هندی دارای سرمایه گذاری امپریالیستی بوده و از نظر مالی اقتصاد هند را در دستگیر کرده است. میباشند، به صورتی که هند برای پرداخت وامها معمولاً مجبور است ۱/۳ ماده رات برنج، چای، قهوه و... خود را با قیمت نا زل به شوروی بدهد. اما در مقابل بطور میانگین قیمت کالاهای صادراتی شوروی به هند ۳۰٪ بیشتر از قیمت بین المللی میباشند. در ضمن نا گفته نماند که حدا قسلاً ۲۰٪ اعتبارات شوروی به هند عملاً به مستشاران و متخصصین روسی مستقر در هند تعلق میگیرد و بدین ترتیب متوجه میشود که روسها دقیقاً مانند امپریالیستهای دیگر مدافع مناسبات استعماری بوده و در استثمار و جبا و ل هیچ دست

کمی از رقبای جهان خوار خود ندارند. در زمینه نظامی نیز با بدگفت علاوه بر آنکه امپریالیست - های شوروی در هند دارای با یکا ههای نظامی میباشند، هندیکه از خریداران اصلی سلاحهای سوسیال امپریالیسم بوده و با بدگفت فقط در سال گذشته هندیک میلیاردها دلار و ششصد و پنجاه میلیون دلار از امپریالیستهای روسی مهمات و سلاحهای جنگی خریده است.

بدین ترتیب متوجه میشود که اگر ریزش - نیستها هند را دارای "سیاست مستقل" میدانند بی سبب نیست، زیرا هند تا مین کننده مواد اولیه، با زار و نیروی کار برای شوروی تجاوز - کار بوده و یکی از کشورهای مهمی است که سرمایه مالی شوروی در آنجا به غارت، جبا و ل و استثمار مشغول است. این واقعیات و روشنی نشان میدهد که اگر دولت ایندیرا گاندی خائن روی خوشی به امپریالیستهای تبهکار انگلیس و نماینده آن "خاتم" "تاجر" نشان نمیدهند، امری به جوجه بیانگرمایه "مترقی" دولت هند نیست. ما هیت دولت هند برای ما یک معیار طبقاتی سنجیده میشود. این دولت مدافع بورژوازی بزرگ هند و دشمن طبقاتی کارگران و زحمتکاران میباشند و این واقعیت را - ریزش سیاستهای مرتد نمیتوانند بیپوشا نند و نه از ارتجاعی "کشورهای غیر منصفه" که هند ایندیرا گاندی را سمبل "استقلال" میدانند. هند ایندیرا گاندی، هند ارتجاعی و جز لاینفک اردو گاه امپریالیسم جهانی است.

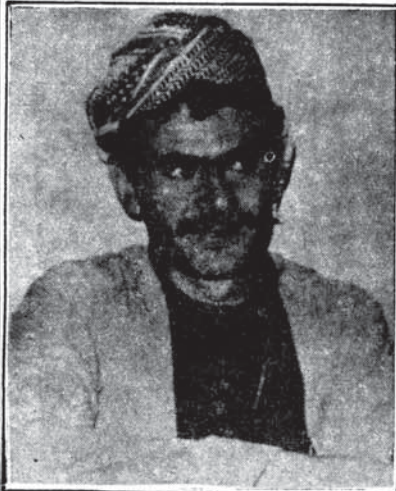
پس از هند "تاجر" به عربستان سعودی رفت. هدف از این سفر چه بود؟ همانطور که میدانیم از سال ۱۹۷۱ با تحکیم موضع امپریالیسم امریکایی در خلیج فارس و نقش فعال رژیم شاهنشاهی زاندارم امپریالیسم امریکایی در این نقطه جهان، نیروهای نظامی امپریالیسم انگلیس تا حدود زیادی از منطقه خلیج بیرون میروند. این سفر اگر چه درها هنگی با سیاست امریکایی جهت تقویت ارتجاع منطقه میباشند در عین حال تحکیم نفوذ انگلستان در این منطقه را نیز

دنبال میکنند. امپریالیسم انگلیس در صدد است تا در طرح اقتصادی ۳۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری عربستان در سالهای ۱۹۸۵ - ۱۹۸۰ سهم مهمی به خود اختصاص دهد و در ضمن میگوید تا از نظر نظامی تسلیحات جدیدی به عربستان بفروشد. از جمله مسائلی که در مذاکرات تاجر - خالد مورد بحث قرار گرفت مسائل مربوط به افغانستان، خلیج فارس و تشکیل نیروی واکنش سریع بود. در این زمینه ها طرفین با یکدیگر توافق کامل داشتند. و این امری اتفاقی نبود چرا که رژیمهای سربرده ای مانند عربستان نمی توانند خارج از منافع امپریالیسم غرب و بویژه امریکایی حرکت نمایند. اینان سگان دست آموز امپریالیستها بوده و به همین خاطر در توطئه های امپریالیستی علیه جنبش خلقهای منطقه و انقلاب نقش فعالی داشته و اگر

بقیه در صفحه ۲۵

یکسال از شهادت سرخ کمونیستهای قهرمان ،

رفقای پیکارگر نجم الدین شیخی و احمد موذن میگذرد



رفیق پیشمرگه، نجم الدین شیخی

رفیق پیشمرگه نجم الدین شیخی در سال ۱۳۳۵، در خانواده‌ای زحمتکش و تهیدست در روستای "مولان آباد" - از توابع سقز - بدنیا آمد و در میان زحمتکشان و با آشنایی بسه‌دردها ی‌شان بزرگ شد کاک نجم‌با وجود وضع بد مالی خانواده به مدرسه رفت و درحالی‌که درس میخواند چوپانی نیز می‌نمود، پس از تحصیلات ابتدائی، برای ادامه تحصیل به شهر سقز رفت. این دوره دربالا بردن شناخت رفیق از مسائل جامعه طبقاتی و جستجو در راه مبارزه با ریشه‌ها و علل فقر و فلاکت زحمتکشان نقش موثری داشت. در جریان مبارزات پرتکوه توده‌ها، رفیق نجم الدین در تظاهرات، اعتصابات و تحن‌ها بر علیه رژیم ارتجاعی شاه شرکت میکرد و دوش بدوش خلق قهرمان کردستان، قریبا در انقلاب سر میداد. پس از قیام بهمن ۵۷، کاک نجمه در صفوف "جمعیت طرفدار زحمتکشان سقز" به مبارزه اش ادامه داد. رفیق در فعالیتهای انقلابی اتحادیه‌های دهقانی منطقه سقز با تلاش انقلابی شرکت مینمود و دهقانان زحمتکش تپله‌کوه، تازه‌آباد و باغچه‌چهره صمیمی رفیق را هنوز بیاد دارند.

پس از یورش وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به کردستان (۲۸ مرداد ۵۸)، رفیق نجم الدین با اراده‌ای استوار همچون کوهستانهای سرکش کردستان در کنار مردم زحمتکش سقز از منافع زحمتکشان در مقابل ارتجاع دفاع کرد. رفیق بعهده گرفت، او در روستای "چاپورده"، چاشکبه قبلا رفیق شهید "انورما جدی" معلمش بود، بکار پرداخت. و بقبول روستائیانش "جای خالی کاک

بقیه در صفحه ۲۸



رفیق احمد موذن

رفیق احمد موذن در سال ۱۳۳۲ در خانواده‌ای متوسط در دزفول بدنیا آمد. در سال ۱۳۵۲ وارد دانشکده کشاورزی اهواز گردید. تا سال ۱۳۵۵ رفیق بعنوان طرفدار دکترو شیعی فعالیت داشت اما از آن پس با تائید پذیری از محیط آگاهی بخش دانشگاه و آشنائی با آثار مارکسیستی و دانشجویان کمونیست به روشنائی سرخ مارکسیسم-لنینیسم، این ستاره‌ها همای انقلاب و سویا لیس را هفت و در میان دانشجویان انقلابی و بی‌بیزه فعالترین بخش آنان جای گرفت. پس از قیام بهمن ۵۷، رفیق از دانشجویان کتیستی بود که در گذردن دفتر دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر نقش موثری داشت. احمد بدلیل فعالیت گسترده اش همواره آماج حملات ارتجاع و عوامل مزدور بود. رفیق احمد، پس از تشکیل سازمان دانشجویان و نآموزان هوادار سازمان، با عشقی بسی- پایان به آرمان‌های بخش طبقه کارگر، در راه‌های زحمتکشان به مبارزه بی‌امان علیه امپریالیسم، ارتجاع و سرمایه‌داری ادامه داد و از مسئولین تشکیلات دانشجویان هوادار بشمار میرفت.

جوانان انقلابی و زحمتکشان آگاه دزفول چه سره خستگی تا پذیر و مهربان او را که روزهای آخرفته با کوله‌باری از "پیکار"، "آبان" و نشریات دیگر سازمان و کتلهای کمونیستی به میان آنان میرفت فرا موش نخواهند کرد و به همین سبب بود که علیرغم تبلیغات مسموم ارتجاع در سوگش با او و مبارزانش را زنده داشتند. در یورش ارتجاع به دانشکاهها که

بقیه از صفحه ۱۴

"شعر زیر را رفیق شهید احمد موذن در زندان اهواز سروده و به رفیق هم زنجیرش کمونیست شهید مسعود دانشا لی که همراه احمد روز ۱۲/۵۹ تیر با ران گردید، تقدیم کرده است."

شعرا به خط خود رفیق احمد شیخی
زیبنت بخش پیکار میکنیم:

نفرت یک رفیق،
نفرت ما رفیق!
نفرت یک طبقه است!
نفرت ما رفیق!
نفرت یک طبقه است!
نفرت ما رفیق!
نفرت یک طبقه است!
نفرت ما رفیق!
نفرت یک طبقه است!
نفرت ما رفیق!

نفرت یک رفیق

نفرت ما رفیق!
نفرت یک طبقه است!
که سنگینی پنکش مغز امپریالیسم را میکوبد
وزحمتکشان را به گرد پرچم خویش متحد میکند
و تفنگش را بسوی عاملین سرمایه‌شان میگرد
★ ★ ★
کین ما، مبارزه بی‌امان ما است!
در راستی و صداقت به انقلاب!
و نفرت به سیستم فذ خلقی سرمایه‌داری وابسته!
که از انسان برده میسازد
تا تفنگ بدست گیرند
تا پا ساداری کنند سرمایه‌ها را
تا دفاع کنند رفقای ما
از سنگر پرا افتخار زحمتکشان!
تا پا ره شود قلبشان
از سرب داغ این عروسکان سرمایه!
و قریبا دزخند با تمام نفرت و کین
زنده با انقلاب، زنده با دخلق!

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

زین دهر

جمهوری اسلامی و سوسیالیسم

(نگاهی به لایحه قضایی، پیشنهادی شورای عالی قضایی)

کلید دعای ای که بکطرفش اینها (برده داران، فتوای آنها، سرما به داران) هستند و طرف دیگرش زحمتکاران، در قوانین متعلق به دست اول بنفع همانها "حل" شده است. (البته این امر، در دوره برده داری بنحویسب آراشکار و تر و واضح تری نسبت به دوره فتوای لیسیم بوده و سرما به داران توانین ظالمانه خود را نسبت به فتوای لیسیم و برده داری در پیش بیشتر فرور برده است. خود این تغییرات هم بعلت تکامل نیروهای تولید و رشد آگاهی و مبارزه توده های زحمتکش حاصل شده است.)

از ماهیت قانون قضایی که ارتجاعی است و اینکه چه طبقاتی آن را در راه تحکیم منافع طبقاتی خود وضع کرده اند صحبت کردیم اکنون ما به این است که اگر همین قانون را که ظاهر آن را عموم افراد جامعه را شامل میشود بخواهند اجرا کنند مسلماً جزای زحمتکاران را نخواهند گرفت. این از همان قوانینی است که میگویند "مانند نارنجکوت تنها پشه های لاغر در آن گرفتار می آیند". طبقات استثمارگر که موجب قتل هزاران نفر را فراهم میاورند طبق این قوانین از مجازات و قصاص معافند و اصلاً از مجازات آنها سخنی نمیتوانند در میان با دولتی اگر دهقانی مفلوک و بجان آمده از سرنا آگاهی و عدم شناخت دشمن خود (یعنی فتوای دهقان دیگر را کشت آنوقت است که "عدالت طبقات" خواستار قصاص میشود. این به اصطلاح احزاب "عدالت" دامن قضای استثمارگران را نمیگیرد بلکه همچون جماعتی سرکوب، زحمتکاران و استثمارگران را محبور به تسلیم و اطاعت و وحشترده میکند. این است محتوای ارتجاعی و بیسبب بسیار سطحی و ابتدائی ناظر بر اصل قضایی و همین دلیل است که اصل به اصطلاح عام قضایی اینگونه تیغش در را به لبها مسا له زن کند میشود. این را در مقاله حاضر نشان خواهیم داد.

اکنون بپردازیم به مطلب دوم، و آن وجه تمایز آراشکاری است که بین حقوق قضایی مردوزن در این دو "ماده" دیده میشود. ماده ۵ میگوید: "هرگاه مرد مسلمان عیال ندارد از مسلمانان را یکشده محکوم به قصاص است لیکن با بدولی زن قاتل از قصاص تا قتل نصف دبه مرد را به او و بپیرا زد می" - بنسب که طبق این "ماده" حتی که برای مرد و خود را رد و بر سر آن نجیزی است که برای زن می - تواند وجود داشته باشد. یا بعبارت بهتر در اینجا یک مرد مساوی دونفر زن میشود (یک زن + یک زن = یک مرد) بهمین جهت وقتی

بغیه در صفحه ۱۴

لحظات توجه هر خواننده ای را که با فرهنگ مارکستی آشنائی داشته باشد جلب میکند. اول: نوع برخورد به قاتل و راه مقابله با مسئله قتل در اجتماع. دوم: فرقی که در همین مورد بین زن و مرد برسمیت شناخته شده است.

اول: مارکسیسم - لنینیسم ما می آموزد که با پدیده ها بطور مشروط و همه جا نشه برخورد کنیم و یک پدیده را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار دهیم و به همین لحاظ هرگز یک قاتل را صرف انجام قتل مستحق مرگ نمی دانند. برای مارکسیسم - لنینیسم این مطرح است که شرایط عینی و ذهنی ای که این قتل در آن صورت گرفته چیست؟ شرایط مادی ای که قاتل و مقتول در آن پرورش یافته اند چه بوده است؟ ماهیت و موضع طبقاتی قاتل و مقتول از چه مقوله ای است؟ و... و اگر مقتول واقعه مورد بحث واقع شده باشد و قاتل ستمکار تشخیص داده شود مارکسیسم - لنینیسم فوراً امر بر ریختن خون قاتل نمی دهد، بلکه در اینجا این مسئله مطرح میشود که آیا قاتل اصلاح پذیر است؟ آیا او میتواند ولو با گذراندن مرحله ای از کار تربیتی و تولیدی به اجتماع برگردد و به سازندگی و فعالیت در جهت منافع زحمتکاران در جامعه بپردازد؟ آیا او توانائی اینرا خواهد داشت که این قتل را با زندگی بخشدن به دیگران در اثر مبارزه و مجاهدت در جهت جامعه سوسیالیستی جبران کند؟ و سؤالیهای دیگری از این قبیل و در همین رابطه تمامی امکانات تربیتی را برای اصلاح چنین افرادی در جامعه سوسیالیستی فراهم میکنند و علی العموم موردی برای کشتن قاتلین (جز در موارد بسیار استثنائی) وجود نخواهد داشت.

بنابراین، مارکسیسم - لنینیسم آراشکارا حاصی طبقه کارگر و دیگر زحمتکاران است و تغییر بنیادی جامعه را در جهت آفرینش انسان نویسی در مرد نظردارد. ما برده داران و فتوای آنها و سرما به داران را بگونه دیگری برخورد می کند. این هر سه طبقات استثمارگر و ستمکار هستند و طبقه ای که قوانینی را هم که وضع میکنند به نفع طبقات خودشان باشد، ولی در عین حال اینها به تنها چیزی که بنا به ما هستندان نمیتوانند فکر کنند و نظرداشته باشند بر یکدیگر ریشه های مفاسد جامعه طبقه است این بدان خاطر است که اینها و منافعیشان با اکثریتی که تحت ستم و استثمار اینسان هستند کاملاً مغایر است و لذا نمیتوانند و نمی توانند با مفاسد جامعه طبقاتی مبارزه کنند. بهمین جهت

اکنون مدت زمان درازی است که دوران برده داری و فتوای لیسیم سیری شده است. دوره سرما به داری نیز و آخر عمر خود را طی میکند، ما هم اکنون در عصر انقلابی رهائی بخش و انقلابیای سوسیالیستی، قرار داریم، اما با این حال و با توجه به ماهیت ضد خلقی و منحنی رژیم جمهوری اسلامی ایداعجابی برای نیروهای آگاه خلق حاصل نمیشود وقتی مشاهده میکنند که رژیم مذبور با تمام توان میکوشد تا قوانین نظامی - های برده داری و فتوای لیسیم را از عمر زباله داران تاریخ بیرون بکشد و سرکارگران و زحمتکاران خلقهای قهرمان ایران تحت عنوان "قوانین مترقی و فرامین الهی" تحمیل کند. رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز بقدرت رسیدن کوشش فراوانی را بکار برده است تا یکایک قوانین ارتجاعی اعمار گذشته را زنده کند و با ممانعت از رشد و آگاهی توده های خلق بسبب حاکمیت فئودالی خویش تداوم ببخشد. در همین راستا است که ما با اصل عمیقاً ارتجاعی، "ولایت فقیه" دژ قانون اساسی رژیم مواجه میشویم، و باز در همین خط است که تلاش برای محور ساختن زنان به حساب و فرستادن زنان به کنج خانه ها دیده میشود... و اکنون در ادامه سیاست فوق الذکر، ما با لایحه پیشنهادی شورای عالی قضایی به مجلس شورای اسلامی و سوسیالیسم که خود جلوه دیگری از احیای قوانین دوره های برده داری و فتوای لیسیم است برخوردیم. این لایحه و مقدمه من آن از زوایای مختلف، کار بست که در یک مقاله امکان پذیر نیست. از اینرو ما در اینجا صرفاً اشاره ای به برخی از نکات محوری این لایحه میکنیم تا با زهم بیشتر ماهیت ارتجاعی - ضد مردمی و پوسیده این رژیم را علیرغم تمام شعارها و تبلیغاتش افشا کنیم. این لایحه همانطور که گفتیم از سوی شورای عالی قضات و با معای آیت الله تدوسی به مجلس پیشنهاد شده و هر چند هنوز رسماً تصویب نشده ولی بطور رسمی و عملی مدتی است مواد این لایحه حکم و بیس اجرا میشود (تا زهر ترین نمونه آن اجرای بخشی از ماده ۲۳ در مورد شخصی بنا به همین شکوری است که طبق ادعای "دادگاه" به بیامیروا شمشیر شیعیان اهانته کرده بود) و مهمترین آنکه چون این لایحه از اسلام اخذ شده چه کسی در مجلس شورا (اگر هم خواهد) جرئت آنرا خواهد یافت که با قوانین اسلامی مخالفت کند مخصوصاً آنکه طبق معمول قتل از راه لایحه به مجلسی مهرتاشد آیت الله خمینی هم آن خورد به شد.

حال به مواد ۵ و ۶ لایحه نظری ما بکنیم:

"ماده ۵ - هرگاه مرد مسلمان عیال ندارد از مسلمانان را یکشده محکوم به قصاص است لیکن با بدولی زن قاتل از قصاص تا قتل نصف دبه مرد را به او و بپیرا زد"

"ماده ۶ - هرگاه زن مسلمان عیال ندارد از مسلمانان را به قتل رساند فقط محکوم به قصاص است و بنا به چیزی به او و بپیرا زد"

در این دو "ماده" دو مساله به وضوح و در اولین

رفیق شهید پیکارگر کمونیست ایرج ترابی ستاره سرخ دیگری در آسمان جنبش کمونیستی



آنگاه که در زرقانی خاک میشود پنهان
تاد رلحظه پیروزی
سربل آرد بریام خانه ها
برد وین کارخانه ها

آه چه درخششی دارد
چه درخششی دارد
پیکر سوراخ - سوراخ یک رفیق
آرمیده در کفن سرخ
آنگاه کعبه اهتزاز در میاید

برشانه های یاران

د رقلب کستراها

یک سال... خدا ز صفحه ۲۵

انور را بر کرد. "رفیق در ادا مه بیگانه رن سیرای
آئنده آراد و سوزور رحمتگان به ما زمان مدها
بیوست و در جریان سورش مجددا رنش ویا سداران
ارنجاج به کردستان قهرمان بیور، سمنسوان
بیمتر که ما زمان بیگانه در صفوف جنس مقاومت
خلق کرد فعا لانه شرکت کرد.

رفیق بیگانه رکرکاک نجم الدین شیخی، در
اولین ساعات روز ۱۱ اردیبهشت ۵۹، اول ماه
مه، روز جهانی کارگران، در ما مورینی سانه که
برای کمک رسانی به بیمتر که های مسفر در
سفر، سنا طرف و جنکریهای مزدوران مسلح رژیم
جمهوری اسلامی، سنا جاریا جرایمهای خاموشین
را سمدگی میکرد، با انوسیل رفتنای فدائشی
تصادف کرد و رفیق نجم الدین همراه با رفیق
فدائی رضا خلسفر اده به شهادت رسید.

امروز، بیگانه از شهادت سرخ کمونیست
بیگانه رکر، رفیق بیمتر که نجم الدین شیخی،
خلق قهرمان کرد همراه و هم آوا با بیمتر کهگان
کمونیست و انقلابش، در راه سرخ انقلاب، در
راه نجم الدین ها، سنا داد و دو سگر شهیدان راه
رها شی رحمتگان همچنان به پیش میروند.

رنده یادش و جا و یاد آمانش!

وحدت سیاسی - ایدئولوژیک خود ما از زمان
بیگانه در راه آزادی طبقه کارگر، از آذر ۵۸ در
ارتباط با سازمان دانشجویان و دانش آموزان
بیگانه قرار گرفت. رفیق که یک کمونیست بود و
در راه آزادی طبقه کارگر بیگانه از آن بیس
بطور متشکل به مبارزه انقلابی خود ادا مدها
رفیق مدتی مسئول بخش یکی از مناطق آبادان
بود. سپس به شیراز رفت و از مرداد ۵۹ با موضع
تشکلاتی حمایت در ارتباط با سازمان قرار
گرفت. و با لاهر رفیق کمونیست و بیگانه رکر مسا
نوسط جنا بیگانه راه رژیم جمهوری اسلامی
همراه با رفیق آدر مهر علیان بخون کشیده شد.
جندی بین رفیق ایرج پس از شهادت رفیق
محمود صمدی هنگام مکه رندگی با سنا و ادر "بیگانه"
سخواندنی احتیاطا سنا ای سمدگیره میکرد و
به شهادت و روحه متا و ما در سنا رزا و درود می -
فرساده، بی شک گریه او زرس نبود، گریه او ز
غرور و عشق به آزادی طبقه کارگر و رحمتگان
ما به میکرد. او برای انقلاب بوده ها و سیرای
سوسا اسمعیلی جنگید و در این راه به نیت توسط
رژیم جمهوری اسلامی شهید گشت. شهادت در راه
رها شی رحمتگان و در راه سوسا اسمعیلی بیگانه
است! این شهادت اعلام برک رژیم حاکم است!
سوکند به خون رفتنای شهید بیگانه رکر
کمونیست که ما ای جان در راه آزادی سرحمتگان
مبارزه خوا هم میبود ما سنا بودی ستمگساران و
مرنجنین و جا کیمت رحمتگان آریای نخوا هم
گشت!

و وحشیانه مزدوران ارتجاع، از اده ما را در اده
راه سرخ آنان استوار تر میسازد.

رفیق بیگانه رکر ایرج ترابی در سال ۱۳۲۸ در
یک خانواده کارگری در شیراز زاده شد. او از
آنجا که با تمام کوشش و وسعت خود ستم طغیان
را جس میکرد، با سنا شهیدری از عناصر آگاه
و انقلابی از دوران دبیرستان به مبارزه روی
آورد. بعد رفیق که کارگر کارخانه سیمان دورود
بود به سبب اعتراض علیه کارفرمای خود سخوار
از کارخانه اخراج شد و سپس برای امرار معاش
آواره شهرها گردید. از آن پس رفیق ایرج
مسئولیت ادا رها خا اده را سعه گرفت. او در
همان زمان که به تحصیل ادا مده سنا و در همین حال
بخصوص در سنا سنا بیگانه رها به معرفت، یک
لحظه مبارزه علیه رژیم خا شتا هارا رها نکرد. در
نظایر هرات مربوط به شهادت فاجعه سنا رکیس
آبادان رفیق فعلا لانه شرکت کرد و سپس در روزهای
قنا و سرکونی رژیم منقریپلوی با سنا قوا
به فعالیت مبارزاتی خود ادا مدها.

پس از قنا از آنجا که کارگران و رحمتگان
به قدرت نرسیده بودند رژیم مجددا انقلابی جمهوری
اسلامی نه مدافع خلق بلکه دشمن رحمتگان
بود. رفیق ایرج به مبارزه خود ادا مدها. او
برای سبب رنک مبارزه متشکل مدنی با گروه
"متحدین خلق" به همکاری برداخت و سپس سراسر

رژیم جمهوری اسلامی که سرکوب، سیرایان،
زندانی و شکنجه... مزدوران سنا سنا در
اراده مبارزاتی فرزندان کمونیست بوده های
خلق و در وفاداری آنان به آرمان رها شیخی
طبقه کارگر کوجکترین خللی وارد آورد و سنا
خیال میکند با دست زدن به شیوه های ترور سنا
و عمومیت دادن به آن خواهد توانست بیگانه رکی -
امان کمونیستها، و انقلابیون بیگانه رکی -
سنا ید. ارتجاع پیوده خیال میکند که سنا ب
سبب و سنا رنک سیمان صفوف رژیم سنا سنا
کمونیست و انقلابی خواهد توانست به اهداف
نوم خود دست یابد. کمونیست ها با ارا اده ای تزلزل
- سنا بدیر و سنا آکا هی کامل به خطرات و سختی های
مبارزه، جان سبک در راه کسب آزادی و استقلال و
برای رسیدن به یک زندگی نوین و خالی از
استعمار سیرای بوده های رحمتگان قدم در راه سرخ
مبارزه گذا رده اند و خون رفتنای جون، ایرج -
ترابی و آدر مهر علیان بیگانه سیمان و وفاداری
آنان به راهی است که سنا سنا کرده اند.

پس با سنا رنک به صف نظایر هرات ۳۱ اردیبهشت
۱۳۶۵ رفتنای هوا دار ما که در تحویل ارتجاع و سنا
بر سنا اول اردیبهشت ۵۹ و سنا سیمان آن
برگرا رگر دید، سنا نه ای از عجز و سوسی ارتجاع
در مقابل سنا جنبش او کیم رنده بوده ها سنا
شهادت، دور رفیق کمونیست ما در این ترور سیرای

تدفین خاطره انگیز رفیق کمونیست آذر مهر علیان

روز دوم اردیبهشت جسد رفیق شهید آذرمهر - علیان سوسله‌خا نوا ده مبارز جمعی از همزمان او از پزشکی قانونی تا بهشت زهرا حمل شد. آنچه در محیط پیرامون شهید ما موج میزد شور انقلابی و کمونیستی بود. بیمان برای ادامه راه بود. کینه نسبت به دشمنان و کارگران و زحمت کشان بود و نفرت از جناح پتکاران و وبال آخره عشق به آرمان کمونیسم و سوگند برای مبارزه تا نبرد آخرین و برپا شدن جمهوری دمکراتیک خلق و تحقق سوسیالیسم.

در سالن غسلخانه بسیاری از رفقا برای آخرین وداع و تجدید عهد به دیدار چهره رفیق میرفتند و با کینه‌ای و آفریه افشاکری علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی می برداختند.

در ساعت ۱۱ صبح جسد به خانوادهاش تحویل شد. ما در قهرمان رفیق آذرمهر سکوتی ایستاده و شروع به افشاکری نمود. او با لحنی استوار و پرشور چنین گفت:

"مردم بدانید فرزندان کمونیست بود. این دولت جوانها را بخاطر کمونیست بودن میکشد. مگر دختر من چه میخواست؟! و علیه سرما به داران بود. او خواستار مبارزه تا زنگنه بود. و به همین دلیل او را کشتند."

در این مراسم تدفین بخاطر جواختن قاعده‌ای از رفقا در کنار خانوادها شهید حضور داشتند. جسد بردوش رفقا تا قطعه مورد نظر حمل شد. مشت‌های گره کرده و قلبی‌هایی که ز کینه به جلادان و عشق به راه شهید می تپید همراه با شعراهای زیر، جسد رفیق را همراهی مینمود:

"با رسال معتمدی، مؤذن، اما سال ترابی، مهر علیان"، "ترابی - مهر علیان شهید اردیبهشت، راهت ادا مدارد"، "پیکار رگسز شهید ما هتا ادا مدارد"، "اول اردیبهشت لکه ننگ دیگر بودا من ارتجاع"، "علیه سبب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده با دینکارتوده - ها...."

سپس جسد رفیق آذرمهر را به خاک سپردند و بدنبال آن بیامان زمان پیکار، بیامان دانش - جوانان و دانش آموزان پیکار روپیا مکانون شهدا و زندانیان سیاسی خوانده شدند.

ما در قهرمان رفیق شهید سخنان هیجان انگیزی گفت که حاضران و گروهی از مردمی را که در بهشت زهرا بودند تحت تاثیر قرار داد. او گفت:

"مردم، من با زحمت و خون جگر این بچه را بزرگ کردم. پدرش ۱۲ سال مریض بود و منی - توانست کار کند. من جورتم اما اینها را کشیدم تا به ۱۸ سالگی رساندمش. امروز اگر من یک دختر از دست داده ام هزاران فرزندان دیگر دارم."

تمامی رفقای آذربچه‌های من هستند. با یاد ما دران روحیه خودشان را حفظ کنند تا قصاص خون جوانها نشان را از این رژیم و اسرما به - داران بگیرند. من تا آخرین قطره خون خود به راه دخترم و اسرما زمان او نشا رخا هم کرد. و پرچم سرخ را در دست خواهم گرفت."

و پدر زحمتکش رفیق آذرمهر گفت:

"من یک کارگرم. ما از یک خانوادها طبقه ۳ هستیم. این رژیم فرزند ما را کشت. چون آزادی کارگران را می خواست. مردم بدانید دولت شما را فریب میدهد."

آنگاه در میان اوج احساسات انقلابی و کمونیستی که جمع را احاطه کرده بود یک رفیق کارگر که خود را به بهشت زهرا رسانده بود گفت:

"مردم مبارز! ببینید من الان از کارخانه میام. هنوز لباس کارم در دستم هست. مرا امروز اخراج کردند به جرم هواداری از کمونیستها. مگر کمونیستها چه میگویند؟! اینها برای آزادی من و برای آزادی طبقه کارگر پیکار میکنند. من هنوز به خانها نرفته‌ام. وقتی شنیدم اینجا مراسم است، بکسر آمدم اینجا تا اینها را به شما بگویم و در مراسم این رفیق شرکت کرده‌ام."

هنگامی که جسد رفیق در آرا مگاه قرار گرفت و مراسم مذهبی "تلقین" میخواستند نسبت به او اجرا کنند رفیقی خطاب به جسد رفیق شهید آذر سخنانی بسیار پر شور گفت و با او تجدید عهدی



نان، مسکن، آزادی
طرحی از رفیق دانش آموز، کمونیست پیکارگر "ش"
که از زندان جمهوری اسلامی برای پیکار فرستاده است.

کمونیستی کرد. عهدی که تا پای جان همه ما نبدان و فادا رخا هم ما ند.

در پایان مراسم ضمن دستجمعی سرود شهیدان و سپس سرود نثرنا سونال حالتی پر شور به حاضران بخشید. مراسم با شعرا مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع و اینها در مراسم همدردی توده‌های مردمی که از پیش در بهشت زهرا بودند با خانوادها رفیق شهید و رفقای او بخوبی جشنگیر بود. یک فرد که بعدا معلوم شد با سدا راست روبه جمعیت کرد و گفت: "اینها خودشان تا رنجک میخواستند به روی مسرد بیاندازند!" این سخن با او مورد اعتراض حاضران واقع شد و شعراهای "مرگ بر آمریکا و مرگ بر ارتجاع"، او را ساکت کرد.

رفیقتی که در مراسم حضور داشته در باره ما در قهرمان رفیق آذرمهر اما فدا کرده است:

مادری قهرمان و نمونه

روحیه رفیق ما در وصف نا پذیر بود بنحویکه همه را قوت قلب میبخشید. مایک قطره اشک ندیدیم از دیده او جاری شود. او با اشعارهای خود ادا راه فرزندش را از رفقای میخواست. یکی از همشاگردیهای رفیق شهید در جلوی پزشکی قانونی آمد و به نمایندگی از همکلاسان و مدرسه رفیق، به مادرش تسلیت گفت ولی ما در آذر گلآه میزیا سخ داد:

"من انتظار نداشتم که به من تسلیت بگو با بدیه من تبریک بگو شهید که دخترم در راهی خلق و طبقه اش جان خود را از دست داد."

و در بهشت زهرا میگفت:

"آذرمهر عالی شهید شده که پرچم سرخ بدست داشته، خودم پرچم سرخ او را بلند خواهم کرد. آخرین قطره خونم برای برافراشته نگه داشتن آن خواهم کوشید. برای من رفتن آذرمهر نیست. ادا مراه او برام مهم است."

و در جای دیگر میگفت:

"بچه من کمونیست بود و برای رها نشی طبقه اش مبارزه میکرد. او فرزند کارگر بود. من با نان کارگری و زحمت او را به سن ۱۸ سالگی رسانده‌ام." او زهمه میخواست که راه آذرمهر را ادامه دهند. او به همه مادرهای مبارز پیام فرستاد که همراه با بچه‌های خود علیه رژیم جمهوری اسلامی مبارزه کنند.

درود به رفیق ما در آذرمهر بگرمادران قهرمان ما!

زنده باد سوسیالیسم!

بزرگداشت رفیق کمونیست پیکارگر ایرج ترابی در شیراز

در تاریخ ۱۳۶۰/۲/۳ مراسم باشکوهی از طرف تشکیلات شیراز سازمان پیکار در راه آزادی طبعه کارگریه مناسب سوم شهید کمونیست رفیق ایرج ترابی بر مزار وی برگزار گردید. در این مراسم عده زیادی از هواداران سازمان، خانواده رفیق و مردمیکه در گورستان حضور داشتند، شرکت نمودند. دسته گل های بزرگی که از طرف تشکیلات شیراز هواداران و آوارگان هوادار سازمان بر مزار رفیق گزارده شده بود به چشم می خورد.

در آغاز به مناسبیت شهادت پیکارگر قهرمان جمعیت بحالت ایستاده با مشت های گره کرده یک دقیقه سکوت نمودند. پس از آن پیام سازمان پیکار در راه آزادی طبعه کارگری قرائت شد. بعد سرود شهیدان توسط رفقا خوانده شد که با استقبال حاضرین مواجه گردید. آنگاه پیام سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار - شیراز توسط یکی از رفقا خوانده شد و سپس پیام آوارگان جنگ هوادار سازمان در شیراز و قطعه شعری که بمناسبت شهادت رفیق توسط یکی از هواداران سروده شده بود، خوانده شد. حاضرین در فاصله پیام ها با مشت های گره کرده و معصم شاعری دادند: "ایرج شهیدم قسم به خون پاکت راهت ادا می دهد". بسیاری از حاضرین در گورستان که بر سر مزار رفیق حضور یافته بودند با ابراز زینت فرار رژیم جمهوری اسلامی با خانواده رفیق همدردی نمودند.

جمعیت حاضر مرتب فریاد می زدند "مرگ بر جلادان خلق".

بدر رفیق شهید من سها گزاری و تشکر از همه رفقا و کسانیکه با خانواده شهید ایرج همدردی نموده بودند طی یک سخنرانی اظهار داشت من یک کارگرم که بر اثر چهل سال کار در پالایشگاهها، مناطق نفتی و گاز و ناسیات برق و آب مریض شده ام و در زندگی هیچ ندارم. چهل دستهای زحمت کشم، من چهل سال است که رنج می برم و امروز رژیم بتلانی این چهل سال نعتش فرزندم را تحویل من داده است. پدر شهید چندین بار سؤال کرد آیا کسی هست که بگوید جرم فرزند من چه بوده که رژیم او را کشته؟ یکی از حاضرین از میان جمعیت فریاد زد جرم فرزند تو این بوده که او را زحمت کشان بود پدر شهید ادا می دهد که آیا ما قیام کردیم که امروز ناهد این گشتارها بشم؟ سخنرانی مهیج پدر شهید جمعیت را تحت تاثیر قرار داده جمعیت با شعار "درد و بر توای کارگر مبارز" از وی استقبال کردند. آنگاه در شهید طی سخنانی ضمن دفاع از فرزندش گفت از این بیعدلیه های من بایست راه او را ادا می دهند. جمعیت با شعار "درد و بر توای ما در مبارز" به وی پاسخ دادند.

جمعیت مرتباً شعار میدادند "ایرج شهیدم قسم بخون سرخ را هت ادا می دهد".

در این جمعیت فقط سه یا چهار نفر فالانژ وجود داشتند که سعی داشتند نظم مراسم را بهم برزنند ولی با برخورد انقلابی رفقا و هواداران، افشاء شدند مراسم از ساعت ۳ الی ۴/۳۰ ادا شد. داشت و با خواندن سرود "شهیدان" پایان یافت.

پس از ترک مراسم و خارج شدن جمعیت از گورستان بگفته یکی از حاضرین دو ما شمس استیستن سها با ساداران سرما به که قصد استگیری رفقا را داشته اند به گورستان آمده بودند که دستخالی برگشتند. یکی از فالانژهای عامل سها روی مزار رفیق رفته و پلاکاردهای سازمان را با ره پا ره کرده و تعدادی دست گلها را دور بریزد که با مخالفت مردم غذا را رموا چیده و افشاء میشود. آنها تعدادی شدند بکنفران که به آنها اعتراض میکردند دستگیر نما بند که موفق نمی شوند و بر اثر اعتراض مردم آنجا را ترک میکنند ولی قبل از ترک محل تهدید کرده اند که چون این جوان پیکاری و کمونیست بوده ما شب ببریم و میگردیم و قبرش را بهم می زنیم و او جازه نمی دهیم او را در گورستان مسلمین خاک کنند!

تنگ و نفرت بر جلادان و مرتجعین جمهوری اسلامی

هم آوازی لیبرالهای خیانت پیشه با حزبهای جلاد در سرکوب تظاهرات انقلابی

باباها گفته و نوشته ایم که لیبرالهای خائن و حزبهای جلاد در سرکوب انقلاب با هم متحد و برادرند لیبرال ها با عوام فریبی سعی میکنند خود را طرفدار حقوق و آزادیهای مردم بزنند ولی در مقابل هر حرکت انقلابی به وحشیست افتادند و مجبور میشوند ما یک عوام فریبی را کنار بده و چهره کبره ضد مردمی خود را بنمایش بگذارند. بنی مدرو روزنامه او با رها با خرده گیری جیوبانها ز تعطیلی دانشگاهها سعی کرده اند خود را از شیوه های فاشیستی حزب جمهوری اسلامی میرا کنند و با فریب توده ها حمایت آنها را بسمت خود جلب نمایند. ولی هر با رگه کمونیستها، این پیگیرترین مبارزان راه دمکراسی با تظاهرات مسالمت آمیز خود بیسه افشاء جنابت رژیم برداخته و از آن به منظور بردن شعارهای انقلابی بیمان توده ها استفاده کردند، سرما به داران لیبرال دعوی خود را

سرما به داران حزبی را از با دیده وهم و آبا آنها به زوزه کشی بر علیه انقلاب برداختند. همه میداند که در روز ۳۱ فروردین ما چگونه فاشیستهای جنایتکار تظاهرات مسالمت آمیز هواداران سازمان ما را که به مناسبیت سالگرد حمله وحشیانه مزدوران جمهوری اسلامی به دانشگاه و قتل عام دانشجویان مبارز برپا شده بود، با پرتاب نارنجک ضد نفرو قوی بخون کشیده و با این عمل جنایتکارانه از لحاظ درنده خوئی روی فاشیستهای هیتلری را سفید کردند.

ولی ببینیم روزنامه انقلاب اسلامی که یکی از ارکان های سرما به داران لیبرال است، خیر این جنابت را چگونه منعکس میکند، این روزنامه در شماره ۲۰ اردیبهشت خود مینویسد:

"این حوادث بدنبال تجمع حدود ۲۰۰ تن (!) از هواداران گروه پیکار در مقابل درب ورودی دانشگاه تهران بود که به مناسبیت سالگرد

تعطیلی دانشگاهها و خواهان بازگشتی آن بودند این گروه شعارهای تند بر علیه نظام جمهوری اسلامی میدادند با مردم برخورد میکردند. در هنگام پذیرایی نارنجکی منفجر شد که باعث کشته شدن یک دختر ۲۲ ساله گردید و در چند سطر بعد در باره تجمع مشتکی عنای مردم در دور با جا هل و فریب خورده در مقابل دانشگاه در روز بعد مینویسد: "عده ای از مردم به منظور خنثی کردن این اعمال در مقابل دانشگاه حضور داشتند." (همه تا کیدات از ما ست) می بینید که چگونه لیبرال ها برادری و اتحاد خود با جلادان حزب جمهوری اسلامی را آشکار کرده و چهره کبره خود را بی نقاب به نمایش میگذارند.

بگذار این دلقکان لیبرال واقعیتی را که در مقابل چشم مردم بوقوع پیوسته مفرغانه تحریف کنند ولی با گذشتن دو سال از عمر تنگین بقیه از صفحه ۱۰

افسانه "وحدت" و اوجگیری مجدد تضادهای درونی رژیم

هنوز زمان چندانی از رهنمودهای "ت"یت - الله خمینی در سال جدید، بهیرا مون ضرورت "وحدت" و "برادری" جناحهای رقیب در حکومت، و اعلام آمادگی سرمداران رقیب برای "گردن گذاشتن" به این پیام "نمیگذرد که تضادهای مجدداً اوج بگیرد. پس از یک دوره سنا زعه و درگیری سیاسی شدید میان دو جناح رقیب، در اواخر سال گذشته و بعد از اعلام سال "وحدت" از جانب آنها برای مدت کوتاهی این درگیری ها کاهش پیدا کرد. لیکن از همان روزهای اول سال، بتدریج گام به گام مدامته تعارضات و مشاجرات بتدریج شدت گرفت و اکنون در سترجراحی جدید، همچنان رنی میگیرد، توجیه طرفین برای حمله به یکدیگر، در ابتدا، بر سر این بود که طرف مقابل با فلان اقدام مویا بهمان موضع گیری در روزنامه ارگان خود، بطور صریح یا تلویحاً قرارداد "وحدت" را نقض کرده است. اما با گذشت زمان، کنا به ها بتدریج به کناری زده شده و اقدامات عملی و موضع گیری صریح از جانب هر دو طرف، در برابر یکدیگر شدت گرفته است.

نقطه عطف این درگیری در سال جدید، توقیف روزنامه میزان، ارگان لیبرالهای ضد انقلابی و بازداشت رضا صدر، مدیر مسئول این روزنامه، از جانب دادستانی بود. این حرکتیک اقداماتنها جمعی وجدی از جانب جناح "حزب" بر علیه لیبرالها بود. این حادثه اکنون به سترجدیدی برای صف آرائی دو جناح در برابر برهم تپید بیسل است. پس از آن اطلاعیه (آماده ای) "دادستان انقلاب" درباره اصطلاح "حدود فاعلیت کلیه احزاب و گروهها"، مبنای جدیدی برای درگیری شد. این اطلاعیه ضد مکرراتیک، که اساساً متوجه و بر علیه فاعلیت نیروهای انقلابی و کمونیست، در عین حال لیبرالها را نیز از کوند خویش

یادداشت‌های سیاسی هفته

معمون نمیدارد و "آزادی" آنها را نیز بتوعی مورد تعرض خویش قرار میدهد. ضدیت مواد این اطلاعیه حتی با مواد قانون اساسی "خبرگان" زمینگی اعتراض لیبرالها به این اطلاعیه "قرار گرفته است. اطلاعیه دادستانی در بند ۲ خود میگوید: "برگزاری میتینگ و تظاهرات با توجه به شرایط جنگی به اجازت وزارت کشور است. حال آنکه قانون اساسی "خبرگان"، در همین زمینه میگوید: "تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها بدون حمل سلاح به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است." (اصل ۲۷ قانون اساسی)

این محدودیتها و تعرضات جناح حزبی به لیبرالها، حلقه‌هایی از سلسله زنجیر اقدامات حزب بر تفرق شام و کمال ابزارهای قدرت در دست خویش و باز ستاندن ابزارهای عملی و سیاسی جناح رقیب جهت کاستن از دامنه مقابله - جوئی و عکس العمل متقابل، آن است. آخرین ابتکار "حزب" در این جهت، بیرون راندن آخرین مهره لیبرال شناخته شده از مواضع اصلی کابینه دولتی است. مهندس کتیرا ئی، از دارودسته لیبرالها و از نزدیکان مهندس بازرگان، تنها فرد مهم باقی مانده در مدارج بالای حکومتی "دبیرکل سازمان اموراداری و استخدامی کشور" بود که با حذف او و جایگزینی یک فرد جدید (و به احتمال زیاد "حزبی") دیگر فردموضری از جانب لیبرالها در کابینه و راس سازمانهای دولتی وجود ندارد.

عربان شدن شکاف دو جناح بر سر مسئله "ملح"، نیز جدیدترین جلوه این تعارضات است که نمود خویش را در بیابانیه شدیدالحن "وزارت بقیه در صفحه ۷

اطلاعیه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در مورد پلاتفرم راهپیمایی مشترک اول ماه مه

کارگران! زحمتکشان!

اول ماه مه فرا میرسد و کارگران جهان جشن عظیمشان را برپا میدارند. ما سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در تلاش برای هرجه با شکوهرتر بر گزار کردن تظاهرات اول ماه مه، در یک اتحاد عمل انقلابی شرکت کرده ایم.

هدف ما از این اتحاد عمل اراشه یک قطب انقلابی بر علیه امپریالیسم و حاکمیت ضدانقلابی است.

ما میگوئیم تظاهرات اول ماه مه را با این اتحاد عمل به روز مبارزه علیه سرکوب و اختناق رژیم جمهوری اسلامی و دفاع از آزادیهای سیاسی و شوراهای انقلابی (واقعی) بدل کنیم.

پلاتفرم تظاهرات مشترک ما عبارت خواهد بود از:

- ۱- مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و دشمنان داخلی
 - ۲- ضد انقلابی و ارتجاعی دانستن حاکمیت
 - ۳- پذیرش لزوم رهبری طبقه کارگر به انقلاب دمکراتیک بهمانه بیگانه شرط پیروزی انقلاب
 - ۴- لزوم مبارزه برای کسب آزادیهای سیاسی: دفاع از جنبش مقاومت خلق کرد، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، بازگشائی دانشگاهها، آزاد ساختن اجتماعات، مطبوعات و فاعلیت سازمانهای انقلابی و ایجاد شوراهای افسشای سرکوب، کشتار و خفقان رژیم
- بگذار تظاهرات اول ماه مه مسائل بیش از پیش صغوف طبقه کارگر انقلابی میهنمان را فشرده تر سازد.
- بگذار تظاهرات مشترک امسال لزرزه براندام امپریالیسم، سرما به داری و همه دشمنان توده ها بیفکند.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۱۳۶۰/۲/۴



توضیحی درباره سرمقاله پیکار شماره ۱۰۲

در سرمقاله شماره قبیل، صفحه دوم ستون دوم، در مورد بندی با درک را ستروانه از اتحاد عمل آمده است: "هنوع نگرشی که مسئله مضمون سیاسی - انقلابی پلاتفرم که در مورد بندی با رژیم ضد انقلابی حاکم و رویزونیستهای ضد انقلابی ما نتد حزب توده و اکثریت... مشخص میشود، را تا دیده انگار دو برای جلب همگاری حاضر به گذشت از سیاست انقلابی گردد، جز از شکاری و فر فر میس چیز دیگری را به شما پیش نمی گذارد." متأسفانه در متن فوق بدلیل بی توجهی رفقای مسئول تحریریه نظر سازمان به درستی منعکس نشده است و از اینرو توضیح زیر را ضروری دانستیم:

پلاتفرم پیشنها دی سازمان با موضع گیری علیه هیئت حاکمه ضد انقلابی و رویزونیستها مشخصی میشود. اما علیرغم موضع صریح سازمان و تا کید بر مبارزه بدشولوزیک و مرز بندی همه جانبه علیه رویزونیستهای ضد انقلابی و تا کید و پافشاری ما در ارتقاء مواضع پلاتفرم اتحاد عمل با دیگر نیروها که اختلاف مواضع ایدئولوژیک با سازمان دارند، فقدان موضع گیری صریح و مستقیم علیه رویزونیستهای ضد انقلابی بعنوان یک بند پلاتفرم توافق شده، مضمون پلاتفرم اتحاد عمل برای اول ماه مه را از محتوای انقلابی تهی نمی کند.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست